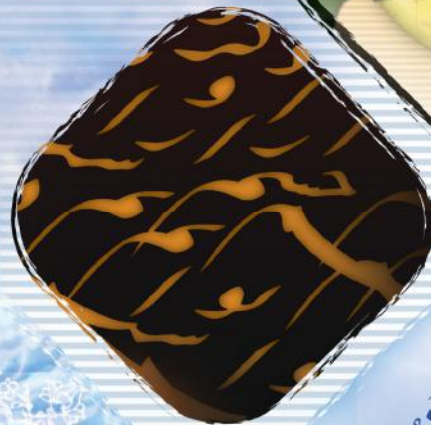


امان

ویژه امام زمان عجل الله تعالی فرجه

گامی نو در عرصه امامت و مهدویت
شماره پنجم / تیر و مرداد ۱۳۸۶
قیمت ۴۰۰ تومان



تتطا

می آدم درون درون در کتاب تتطا
صفحه صفی می کنم فریب تتطا

صف به صف با همه آید آیه آیه آیه آیه
باز توان بندی با تتطا تتطا

همچیک نمی شود چون خطاب تتطا
از صمیم معرفت پر شراب تتطا
می کند چه جلوه ما در جواب تتطا

صد حدیث خوانده ام نکته نکته خاطره
ساقی عنسین مامی کند پیاله را
کرده ام چه پرس و جواز نشان عشق و

می دم بدم بدم بدم بدم بدم بدم بدم
می دم قدم قدم در کتاب تتطا

خطاز:

سید الهی حسینی

(خطاط افتخاری از قم)



خز تو در محفل دلخوستان در گریخت
 این جدی است که آغازش و پایش

خز تو در محفل دلخوستان

گفت کاین آتش افزوده در جانش

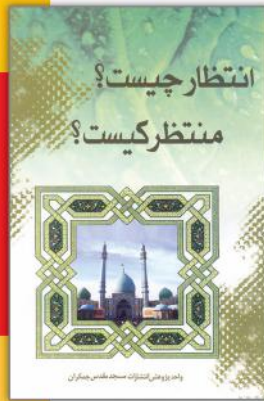
عاشقم عاشق خوب وصل تو در ما نیست

شعر حضرت ابیخنی

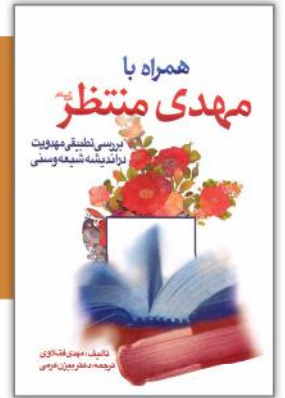
طرح: داود نیکنام
 (طراح افتخاری از تبریز)



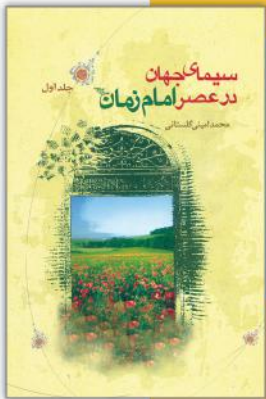
انتشارات مسجد مقدس جمکران



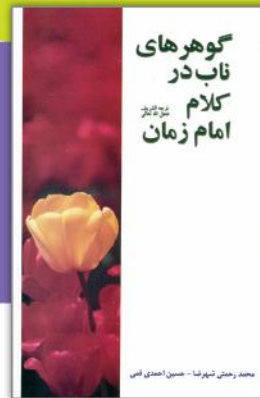
کتاب:
انتظار چیست، منتظر کیست؟
واحد پژوهش انتشارات مسجد مقدس جمکران
۳۰۰ تومان



کتاب:
همراه با مهدی منتظر (ع)
مهدی فتلاوی
مترجم: دکتر بیژن کرمی
انتشارات مسجد مقدس جمکران
۶۰۰ تومان



کتاب:
سیمای جهان در عصر امام زمان (عج)
محمد امینی گلستانی
انتشارات مسجد مقدس جمکران
قیمت دوره: ۷۵۰۰ تومان



کتاب:
گوهرهای ناب در کلام امام زمان (ع)
محمد رحمتی شهرضا - حسین احمدی قمی
انتشارات مسجد مقدس جمکران
۲۰۰۰ تومان

بازی کارتی انتظار

قیمت: ۶۵۰۰ تومان



قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان





آئی امان ناہل الارض...

- ۲۸ نقش زنان
 ۳۰ ستر میات
 ۳۲ ویروس
 ۳۴ سیاست و مہدویت
 ۳۶ عشق غایبانہ
 ۳۹ دل نوشتہ
 ۴۰ دیدگاہ آیت ا... بہجت
 ۴۱ پرسش
 ۴۲ فہدمانی
 ۴۴ اخبار مہدویت
 ۴۶ جدول
 ۴۷ مسابقہ
 ۴۸ مشترکین



- ۱ شناسنامہ
 ۲ سفن دوست
 ۳ آئینہ دعا
 ۴ عوامل ومدت
 ۶ آئندہ تابناک
 ۸ مقام امام زمان علیہ السلام
 ۱۰ تصرف مسجد المرام
 ۱۱ منجیان ہالیوودی
 ۱۶ وقتی بیاید
 ۱۸ فوکویاما ہم اعتراف می کند
 ۲۲ زندگینامہ امام ہادی علیہ السلام
 ۲۴ برای آقا
 ۲۵ تولد آفتاب
 ۲۶ فاطمہ زہرا علیہا السلام



مرکز تخصصی مہدویت

با کوشش شورای نویسندگان و تشکر از مہدی یاوران ذیل:
 جواد اسحاقیان درجہ، حامد اسلامجو، نصرت اللہ آیتسی، س. بابائسی، غلامرضا بہروزلسک، ف جعفری،
 حجت حیدری چراتی، علی حیدری، حسین دھقان، علی محمد راہگان، علی اصغر رضایی، محمود رفیعی،
 ر. سپہری، سیدعلیرضا سجادپور، خدامراد سلیمان، محمد صرفی، روح اللہ علی یاری، محمد رضا عسگری،
 محمد شعیب علی عسگری، محمد عمرانی، رحیم کارگر، محمدصادق کفیل، محمد جواد کمار،
 محمد رضا گنجیان مقدم، م منصور، علی محمدپور، علی مصلحی، محمد رضا نصوری، ف. ہاشمی،
 محمد مہدی یآوری، مہدی یوسفیان و ہادی بابایی، محمدعلی حججی، محسن رحیمی،
 روح اللہ تازی وردی، نور اللہ نوری، غلامعلی حیدری، عباس ضیائی، عباس نیکزاد، علی زیبایی، حسن رفیعی و
 تمام آنانی کہ بہ نوعی یاری گر ما بودند.



نائب رئیس تحریر

مدیر مسئول: مجتبی کلباسی
 سردبیر: محمد صابر جعفری
 مدیر اجرایی: سید محمد موسوی
 طراح: محمد مہدی علی محمدی
 حروف نگار: محمد حسین فریدی

نشانی:

قم، خ شہدا، کوچہ آمار، بن بست شہید علیان، پلاک ۲۴- مرکز تخصصی مہدویت- صندوق پستی: ۳۹۷۵-۳۷۱۸۵ - نشریہ امان- تلفکس: ۷۸۳۲۵۰۰
www.aman.ir

مراکز پخش:

قم: مرکز تخصصی مہدویت، تلفن: ۷۷۳۷۸۰۱، انتشارات مسجد مقدس جمکران، تلفن: ۷۲۵۳۳۴۰
 تہران، بنیاد فرہنگی حضرت مہدی موعود علیہ السلام، تلفن: ۸۱۹۸۱۳۸۹، فروشگاه جمکران، تلفن: ۲-۳۸۱۲۶۹۰۳
 تبریز: ۰۴۱۱۵۵۳۰۵۰ / ارومیہ: ۰۴۴۱۲۲۲۳۰۰۷ / اصفہان: ۰۳۱۱۲۲۵۵۱۱۵ / مشهد: ۰۵۱۱۲۲۵۹۶۶۶ / شیراز: ۰۷۱۱۲۳۴۹۳۰۰
 کرمان: ۰۳۴۱۲۲۲۲۳۳۷ / خرم آباد: ۰۶۶۱۳۳۳۹۸۹۳ / آبادان: ۰۶۳۱۲۲۳۰۱۱۱ / رشت: ۰۱۳۱۶۶۶۹۵۵۰

می خواہیم نشریہ ای ارانہ دہیم نہ برای عنوان و تیراژ و ... فقط ویژه امام زمان علیہ السلام، آن کہ سست و بی پایہ نباشد زیبا و شایستہ برای ہمہ علاقہ مندان بہ
 ساحت مقدس امام مہربانمان علیہ السلام پس مشتاقانہ نیازمند دست و فکر یاریگرتان ہستیم. با آرا، پیشنہادها و مطالبات و ... ما را در ادای این امر یاری کنید.

♦ «امان» در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است. ♦ مقالہ های درج شدہ، لزوماً بیانگر دیدگاہ نشریہ نیست.



خیرخواه افراد باشی آنان را بر خود مقدم داری (الجارُّ ثمَّ الدَّارُ) در دعاهای صبح و شبانه ات پیوسته، دعا گوی آنان باشی^۶ از خدا برایشان طلب مغفرت کنی و حتی از آنانی که مستحق عذابند؛ آنان که ولی خدا را به ریسمان بسته‌اند، برای حفظ اسلام و... از نفرین و عذابشان صرفنظر کنی.^۷ پیوسته با آنان سخن گویی ولی آنان زندگی روزمره را بر درد تو ترجیح دهند، و فقط اشک و ضحک و وعده یاری در فرادهای نامعلوم^۸ پاسخ یابی.

همهٔ اینها درد سنگینی است. برای اینکه اسلام بماند، بایستی هم فریاد بزنی و هم فریاد را فرو خوری. درد سترگی است، صبر و تحمل غافلانی که آخرت خود را به فروش گذاشته و دنیای خود را نیز ویرانه ساخته‌اند و دیگران را به گمراهی کشانده‌اند. و تو باید تا برقراری عدالت و فراداها صبر کنی.

و مهدی نیز امروز صبورترین انسانهاست (علیه... صبر ایوب^۹). و غریب‌ترین و مظلوم‌ترین^{۱۰} شخصیت عالم خلقت. مهجوریت آن است که بزرگوارترین و مهربان‌ترین و عالم‌ترین و بالاترین^{۱۱}، مورد کمترین عنایت و توجه قرار گیرد.

ندای هل من ناصر مهدی^{۱۲}، همواره طنین انداز است. و ما نیز، چون انصار و مهاجر به جای درک زمان و یاری امام زمان^{۱۳} وعده به فردا می دهیم، بدون اینکه امروز، یاری‌گر امام خود باشیم.

(رنج زهران^{۱۴}، رنج محرومیت انسان تا همیشه تاریخ است. او به راحتی می دید که ادامه سقیفه، نینوا است. او صفین و جمل را می دید، او خلافت معاویه و... و خلافت عباسی و عثمانی و... را می دید. و محرومیت امروزه ما را نیز شاهد بود. در حجم و نگاه او انسان امروز نیز جا داشت، او حق داشت اینگونه بگیرد و ناله کند. شاید خفته‌ای بیدار شود و ساحت رفیع خورشید ولایت را لیبک گوید. اما باز هم افسوس و صد افسوس...^{۱۵})

تحمل این رنج و صبر بر این مصیبت، بالاترین صبری است که فرزند او مهدی^{۱۶} عهده دار آن است. کار سنگینی است، هر روز توهین و اهانت و شکستن حرمت‌ها؛ چون تخریب حرم‌ها و حریم‌ها و تحمل همهٔ اینها برای اسلام و مسلمانان^{۱۷}.

سردبیر

فِي ابْنَةِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لِي أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ
حضرت مهدی^{۱۸} الگوی خوب من [رفتار و کردار و...]
دختر رسول خدا است.

صبر و استقامت و پیروزی و ظفرمندی در این صبر یکی از جلوه های مهم اسوه پذیری حضرت مهدی^{۱۹} از حضرت زهران^{۲۰} است.

مصیبت‌های بزرگی را فاطمه^{۲۱} تحمل نمود؛ سختی‌ها، فراموش کردن‌ها، از یاد رفتن ولایت، مظلومیت، دیدن رنج‌ها و انزوای اصحاب و یارانی چون سلمان و ابوذر^{۲۲}، دل به دنیا سپردن عده‌ای و فراموش کردن راه ولایت استخوان در گلو، خار در چشم^{۲۳} (چون علی^{۲۴} هم گفت خود).

عطش بشر و اینکه تو تمام کوشش‌ات را انجام دهی. شبانه‌روز، انصار و مهاجر را متذکر شوی و خواب سنگین آنان که خود را به خواب زده‌اند پایان نپذیرد^{۲۵}، درد سنگینی است. امتحان سختی است، امتحان همراه با مبارزه و تلاش خستگی ناپذیر.

کار سنگینی است، اینکه تو دلسوزانه، پنهان و آشکارا،

۱. بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۱۷۸.
۲. بحار الانوار، ج ۴۴، ص ۱۲۳.
۳. نهج البلاغه، خطبه ششم.
۴. الامامة و السياسة، ج ۱، ص ۲۹.
۵. وسائل الشیعه: ج ۷، ص ۱۱۲؛ مادرم فاطمه را دیدم که در محراب شب جمعه ای تا میدن صبح پیوسته در رکوع و سجود بود و پیوسته مردان مؤمن و زنان مؤمن را با نام دعا می کرد بدون اینکه برای خود دعا کند. گفتم مادر چرا، چنانکه برای دیگران دعا می کنی برای خود دعا نمی کنی؟ فرمود: فرزندم، اول همسایه، سپس خود (الجارُّ ثمَّ الدَّارُ).
۶. سید بن طاووس در سرداب مقدس حضرت مهدی^{۲۶} را دید که برای گنهکاران نیز طلب استغفار می نمود (بحار الانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲).
۷. اختصاص، ص ۱۸۵؛ حضرت زهران^{۲۷} از نفرین عذابی که مصمم بود انجام دهد،

۸. پس از سقیفه با آن که بارها و بارها حضرت علی^{۲۸} حضرت زهران^{۲۹} افراد را متذکر شدند. فقط ۴۴ نفر سخن حضرت علی را پذیرفتند. قرار شد فردا سر تراشیده با اسلحه بیایند و بیعت کنند؛ ولی فردای آن روز جز ۴ نفر (سلمان، ابوذر، مقداد، زبیر بن عوام) نیامدند. و باز فردا و فردا تا سه روز و کسی جز اینها نیامدند؛ احتجاج، ج ۱، ص ۲۰۶.
۹. کافی، ج ۱، ص ۵۳۷.
۱۰. کمال الدین، ج ۱، ص ۳۱۸.
۱۱. الزام الناصب، ص ۹.
۱۲. چشمه در بنتر، مسعود پورسیدآقایی، ص ۲۰۰.
۱۳. هنگام نوشتن این سطور خبر رسید که مزدوران آمریکایی باز به حریم و ساحت مقدس حرم عسکریین و سرداب مقدس، ناجوانمردانه حمله بردند.

آئینه دعا



جامعه مهدوی مدینه فاضله‌ای است که علمایش زاهد و خیرخواه مردم، دانش آموزان و دانش‌پژوهان آن سخت‌کوش و با نشاط و پرانرژی و مخاطبانش پندگیر و حق‌پذیرند؛ آنکه بیمار است درمان می‌شود و در آسایش است و حتی مردگان آنها در سایه رحمت و مهر الهی به آرامش می‌رسند.

پیرانشان باوقار و پخته‌اند و جوانانشان اهل توبه و انابه، زنانشان با حیا و پاکدامن، ثروتمندان متواضع و گشاده‌دست و مستمندان صبور و قانع، نظامیان همواره پیروز و سربلند، حاکمان عادل و دلسوز و کارآمد و شهروندان با انصاف و درست‌کردارند.

این همه در سایه توکل بر خدا و توسل به فضل و رحمت اوست که در قول و فکر و عمل مردمان نمود و بروز یافته است. امام زمان علیه السلام چنین جامعه‌ای را می‌پسندد و آن را از خدا طلب می‌کند.

بینیم فاصله مان تا کجاست. بیایید این فاصله را کم کنیم. بیایید با تحوّل درونی و بیرونی خویش و جامعه، قلب امامان را شاد کنیم. اگر ما برگردیم، ورق برخواهد گشت. باید رفت و رسید. انتظار پویا این گونه است؛ حرکت آفرین و سازنده.

۱. مصباح الکفعمی، فصل ۲۹، ص ۲۸۰؛ دعای دوازدهم از فصل هفتم کتاب شریف مفاتیح الجنان. متن ذیل ترجمه گونه‌ای است آزاد و تحلیلی پیرامون مضامین این دعای شریف.

محمد مهدی یآوری

«اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا تَوْفِيقَ الطَّاعَةِ وَبُعْدَ الْمَعْصِيَةِ وَصَدَقَ النَّبِيَّ وَعِرْفَانَ الْحُرْمَةِ...»^۱

اگر حرمتش را می‌شناختیم و حریمش را پاس می‌داشتیم، غیر این بودیم که هستیم.

جامعه مهدوی، جامعه منتظر، جامعه دینی باید شرایطی داشته باشد غیر آنچه هست. تا این‌چنینیم، امامی آن چنان را سزاوار نخواهیم بود.

چشم انتظاران ظهور باید چشم دل خویش را به انوار نورانی او منور گردانند. باید انتظارات آن حضرت از جامعه را بدانیم و به تک‌تک آنها بپردازیم و خود را اصلاح کنیم، تا منتظر واقعی مصلح باشیم.

امام زمان علیه السلام آنچه را که از ما می‌خواهد در دعای فوق چنین آورده است:

طاعت الهی و دوری از معصیت او، دانستن حرمت و شناخت جایگاه متعالی آن امام همام، استقامت در مسیر هدایت، راست‌گویی و بجا‌گویی، لبریز شدن قلبها از علم و معرفت، طهارت درون از حرام و آنچه مشکوک به حرمت است، خودداری از دست‌درازی به مال و جان و آبروی دیگران، چشم بستن از هر نوع هرزگی و خیانت و گوش‌ن سپردن به هر چه بیهودگی و سخن‌چینی است.



عوامل وحدت

اکبر دهقان

از مهم‌ترین برنامه‌های اسلام ایجاد وحدت میان مسلمانان است. از این رو قرآن کریم همه افراد را به وحدت و یگانگی و انسجام دعوت کرده و از اختلاف و تفرقه بر حذر داشته است. «وَاعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا»؛ و همگی به ریسمان خدا [قرآن، اسلام، و هر گونه وسیله وحدت] چنگ بزنید و پراکنده نشوید.»

برخی به اختلاف و تفرقه دامن می‌زنند؛ حتی تحت عنوان ساختن مسجد؛ مانند ساختن مسجد ضرار توسط گروهی از منافقان در شهر مدینه. خداوند متعال چنین افرادی را نکوهش نموده و به پیامبر دستور می‌دهد هرگز در مسجد آنها نماز نخوان. «وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ وَلَيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ ﴿۱﴾ لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا»؛ گروهی دیگر از آنها کسانی هستند که مسجدی ساختند برای زیان رساندن به مسلمانان، و تقویت (کفر) و تفرقه افکنی میان مؤمنان و کمینگاه برای کسانی که از پیش، با خدا و پیامبرش مبارزه کرده بودند؛ آنها سوگند یاد می‌کنند که جز نیکی (و خدمت)، نظری نداشته‌ایم. اما خداوند گواهی می‌دهد که آنها دروغگو هستند، هرگز در آن مسجد به عبادت نایست!

در نکوهش اهل اختلاف در دین همین بس که خداوند به پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: تو هیچ رابطه‌ای با اینها نداری. «إِنَّ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيْعًا لَسْتُ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ»^۲؛ «کسانی که آیین خود را پراکنده ساختند، و به دسته‌ها (و مذاهب مختلف) تقسیم شدند، تو هیچ‌گونه رابطه‌ای با آنها نداری.»

و موضوع تفرقه انگیزی را شیوه و راه و رسم طاغوتیان معرفی می‌کند. «إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيْعًا»؛ «همانا فرعون در زمین طغیان نمود و اهل آن را به گروه‌های مختلفی تقسیم نمود». قرآن کریم موضوع اختلاف میان مسلمانان را یکی از انواع عذابهای خداوند می‌شمارد. «قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا»؛ بگو: او قادر است که از بالا یا زیر پای شما، عذابی بر شما بفرستد یا بصورت دسته‌های پراکنده شما را با هم بپیمزد.

نکته مهم آن است که بدانیم عوامل ایجاد وحدت چیست.

عوامل وحدت

۱. ایمان به خداوند و اطاعت

قرآن کریم می‌فرماید: ای کسانی که ایمان آورده‌اید. اطاعت کنید خدا و پیامبر و اولی‌الأمر را و هرگاه در چیزی نزاع داشتید، آن را به خدا و پیامبر واگذارید (و از آنها داوری بطلبید)؛ اگر به خدا و قیامت اعتقاد و ایمان دارید.

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِنْ تَنَازَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾^٦؛

٢. توجه به مشترکات

﴿قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ﴾^٧؛ بگو ای اهل کتاب! بیایید به سوی سخنی که میان ما و شما یکسان است؛ که جز خداوند یگانه را نپرستیم...

٣. حضور در مسجد و جماعت

قرآن کریم می‌فرماید: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّكْعِينَ﴾^٨؛ و نماز را به پا دارید؛ و زکات را بپردازید، و همراه رکوع کنندگان رکوع کنید.

حضور در نماز جماعت [با آداب، ارکان و اهمیتی که برای آن ذکر شده] در جهت تقویت وحدت، انسجام و هماهنگی مسلمانان است.

٤. رعایت دستورات اسلامی

عیادت کردن از بیماران، تشییع جنازه، دستگیری از مستمندان، هدیه دادن، سلام کردن به مردم، قرض الحسنه، صلح رحم و خدمت به مردم و... همه برای حفظ وحدت و انسجام مسلمانان است.

امیرالمؤمنین علیه السلام از اصحاب خود به خاطر تفرقه شان گلایه می‌کند و می‌فرماید: به خدا سوگند این واقعیت قلب انسان را می‌میراند و دچار غم و اندوه می‌کند که دشمنان اسلام در باطل خود وحدت دارند و شما در حق خود اختلاف دارید.^٩

حضرت مهدی علیه السلام هنگام ظهور میان تمام مسلمانها وحدت و یگانگی برقرار می‌سازد و آنچه را که مایه تفرقه است، از میان بر می‌دارد.

حضرت علی علیه السلام می‌فرماید: «اگر قائم ما به پا خیزد... کینه‌ها از قلبهای بندگان پاک می‌شود».^{١٠}

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «سوگند به خداوند که امام مهدی از میان ملت‌ها و ادیان اختلاف را بر می‌دارد و دین همگان یکی می‌شود».^{١١}

حضرت هادی علیه السلام می‌فرماید: «حضرت مهدی علیه السلام وحدت کلمه ایجاد می‌کند و نعمت‌های الهی را کامل می‌سازد و خداوند به وسیله او حق را پابرجا و باطل را نابود می‌سازد».^{١٢}

امروز هم، برای آزادیخواهان عالم و مسلمانان، موعود مهربان و ظلم ستیز، نقطه‌ای است مشترک و باعث اتحاد و انسجام.



٧. آل عمران: ٦٤.

٨. بقره: ٤٣.

٩. نهج البلاغه، خطبه ٢٧.

١٠. خصال، ج ٢، ص ٦٢٦.

١١. بحارالانوار، ج ٥٣، ص ٤.

١٢. يوم الخلاص، ص ٤٠٤.

١. آل عمران/ ١٠٣.

٢. توبه/ ١٠٧ و ١٠٨.

٣. توبه/ ١٠٧.

٤. قصص/ ٤.

٥. انعام: ٦٥.

٦. نساء: ٥٩.

آینده تابناک و انتظار سبز

خدایم را سلیمیان

انتظار، به معنای «چشم به راه بودن و درنگ کردن به امید پیشامدی خاص» و به بیان دیگر: «کیفیتی است روحی که موجب به وجود آمدن حالت آمادگی است برای آنچه فرد، انتظارش را دارد» و «ضد آن، حالت ناامیدی و بریدن از همه کس و همه چیز است»^۱ از این رو انتظار، در درجه نخست، ویژگی حیات و زندگی انسان است.

ماهیت زندگی انسان با انتظار و امید به آینده عجین شده است، به گونه‌ای که زندگی بدون انتظار، برای وی مفهومی ندارد و بدون آن، شور و نشاط لازم برای تداوم زندگی در کار نیست.

حیات اکنون بشر، ظرف پویایی، تلاش و حرکت به سوی فردا و فرداهاست و این چنین پویایی و حرکتی بدون عنصر «انتظار» ممکن نیست؛ زیرا احتمال معقول «بقا و پایداری جهان» و امید به «تداوم حیات» است، که به زندگی کنونی معنا و مفهوم می‌بخشد و پویایی و نیروی لازم را برای ادامه آن تأمین می‌کند. از این روست که ماهیت زندگی با انتظار پیوندی ناگسستی دارد.

پدیده انتظار آثاری دارد و نخستین اثر و نمودش این است که انسان را به حرکت در جهت متناسب با انتظار برمی‌انگیزد و از هر حرکت و گزاشی به سوی جهت‌های نامتناسب یا ناسازگار و متضاد با انتظار، باز می‌دارد.^۲

به نظر می‌رسد یکی از امور مهمی که ارزش انتظار را معین می‌کند، چیزی است که انسان در انتظار آن به سر می‌برد و چنانچه آن چیز از اهمیت فوق‌العاده‌ای برخوردار باشد، انتظار مربوط به آن نیز دارای فضیلت و برتری خواهد بود.

یکی از انتظارهایی که به عنوان امیدهای متعالی بشر همواره از آن یاد شده است، انتظار جامعه‌ای آرمانی - که برجسته‌ترین ویژگی آن،

اقامه عدل و قسط باشد - بوده است. اگرچه اغلب ادیان و ملل به نوعی در انتظار چنان جامعه‌ای به سر می‌برند، ولی به نظر می‌رسد این انتظار - که تحت عنوان مهدویت (اعتقاد به ظهور مهدی موعود) در جامعه مسلمانان مطرح است - شکل کامل آن ایده است.

با این بیان می‌توان گفت که مهدویت سبزترین اندیشه‌ای است که خداوند به انسانیت هدیه کرده است و می‌رود تا با شکوفه زدن، جهان هستی را به عطر دل‌انگیز خود طراوتی بهشت‌گونه بخشد. انتظار پدید آمدن آن جامعه الهی، از برترین اعمال است.

تحلیل انتظار

آنچه در نگاه نخست به مسأله انتظار، خودنمایی می‌کند، این است که در واقع این انتظار مرکب از دو عنصر است: عنصر «نفی» و عنصر «اثبات». عنصر نفی، همان بیگانگی با وضع ناشایست موجود و عنصر اثبات، خواهان وضع بهتر بودن است. اگر این دو جنبه در روح انسان به صورت ریشه‌دار حلول کند، سرچشمه دو رشته اعمال دامنه‌دار خواهد شد. این دو رشته اعمال، عبارت‌اند از: ترک هرگونه همکاری و هماهنگی با عواملی که وضع ناشایست را به وجود آورده‌اند از یک سو، و خودسازی و خودیاری و جلب آمادگی‌های جسمانی روحی مادی و معنوی برای شکل گرفتن وضع مطلوب، از سوی دیگر.^۳

شهید مرتضی مطهری، پس از اشاره به اندیشه پیروزی نهایی نیروی حق بر باطل و ریشه‌دار بودن آن بین همه مردم جهان و اعتقاد مسلمانان به مهدی علیه السلام به عنوان مجری این حاکمیت، چنین می‌نویسد: «امید و آرزوی تحقق این نوید کلی جهانی - انسانی، در زبان روایات

اسلامی «انتظار فرج» خوانده شده است و «عبادت» و بلکه «افضل عبادات» شمرده شده است.^۴ اصل «انتظار فرج» (یعنی توقع گشایش داشتن) از یک اصل کلی اسلامی و قرآنی دیگر استنتاج می‌شود و آن، اصل «حرام بودن نومیدی از رحمت خداوند»^۵ است.

مردم مؤمن به عنایت الهی، هرگز و در هیچ شرایطی امید خویش را از دست نمی‌دهند و تسلیم ناامیدی و بیهوده‌گرایی نمی‌گردند. چیزی که هست، در این مورد خاص، این «انتظار فرج» و این «عدم یأس از رحمت خدا» در مورد یک عنایت عمومی خداوند به بشر است و نه به یک شخص یا گروه، و به‌علاوه توأم است با نویدهای خاص و مشخص که به آن، قطعیت داده است.^۶

انتظار موعود نه فقط نویدبخش آینده‌ای زیبا و باشکوه است، که خود - اگر به‌طور صحیح مورد توجه و عمل قرار گیرد - زندگی زیبا و باشکوهی را رقم خواهد زد. در احادیث فراوانی ذکر شده که خود انتظار فرج (گشایش الهی)، از بزرگ‌ترین فرج‌هاست.^۷

۱. سید محمد تقی اصفهانی، مکیال المکارم، ج ۲، ص ۱۵۲.
۲. محمد حکیمی، عصر زندگی، ص ۲۶۱.
۳. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ج ۷، ص ۲۸۱.
۴. شیخ صدوق، کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۲۸۷، حدیث ۶.
۵. سوره یوسف، آیه ۸۷.
۶. مرتضی مطهری، قیام و انقلاب مهدی علیه السلام، ص ۱۴.
۷. کمال‌الدین و تمام النعمه، ج ۱، ص ۳۱۹، حدیث ۲.

امروزه از نظر دانش روز به اثبات رسیده که امید به آینده خوش و انتظار زندگی بهتر، سهم بسزایی در ایجاد خوشی در زندگی کنونی فرد دارد. پس به راحتی می‌توان گفت: انتظار گشایش (فرج خداوند) داشتن، خود بخشی از گشایش الهی است و در مقابل، کسانی که دچار یأس و سرخوردگی و ناامیدی هستند، نه تنها در آینده خود جز تاریکی چیزی نمی‌بینند، بلکه «کنون» خود را نیز آکنده از سیاهی و تاریکی می‌کنند.

به سوی انتظار راستین

در جواب این سؤال که انتظار راستین چگونه حاصل می‌آید، می‌توان به موارد ذیل که به نوعی لازمه داشتن حالت انتظار است، اشاره نمود:

۱) خودسازی فردی

کسی که در انتظار موعود است، همواره متوجه این امر است که چنین تحولی قبل از هر چیز نیازمند به عناصر آماده و با ارزش انسانی است که بتوانند بار سنگین چنان اصلاحات وسیعی را در جهان به دوش بکشند و این در درجه نخست، محتاج به بالا بردن سطح اندیشه و آگاهی و آمادگی روحی و فکری برای همکاری در پیاده کردن آن برنامه گسترده است. تنگ‌نظری‌ها، کوتاه‌بینی‌ها، کج‌فکری‌ها، حسادت‌ها، اختلافات کودکانه و نابخردانه و به طور کلی هرگونه نفاق و پراکندگی، با موقعیت «منتظران واقعی» سازگار نیست.

بنابراین، انتظار یک مصلح جهانی، به معنای آماده‌باش کامل فکری، اخلاقی، مادی و معنوی برای اصلاح همه جهان است. فکر کنید چنین آماده‌باشی چه قدر سازنده است!؟

اصلاح تمام زمین و پایان دادن به همه ستم‌ها و نابسامانی‌ها، شوخی نیست و کار ساده‌ای هم نمی‌تواند باشد. آماده‌باش برای چنین هدف بزرگی باید متناسب با آن باشد؛ یعنی باید به وسعت و عمق آن باشد. برای تحقق بخشیدن به چنین تحولی، انسان‌های بزرگ و مصمم، بسیار نیرومند و شکست‌ناپذیر،

فوق‌العاده پاک و بلندنظر، کاملاً آماده و دارای بینش عمیق، لازم است.^۱

۲) خودیاری‌های اجتماعی

منتظران راستین، در عین حال وظیفه دارند تنها به خویش نپردازند؛ بلکه باید مراقب حال یکدیگر نیز باشند و علاوه بر اصلاح خویش، در اصلاح دیگران نیز بکوشند؛ زیرا برنامه گسترده و سنگینی که انتظارش را می‌کشند، یک برنامه فردی نیست. در یک میدان وسیع مبارزه دسته جمعی، هیچ فردی نمی‌تواند از حال دیگران غافل بماند؛ بلکه موظف است هر نقطه‌ضعفی را در هر کجا دید، اصلاح کند و هر موضع آسیب‌پذیری را ترمیم نماید و هر عضو ضعیف و ناتوانی را تقویت کند؛ زیرا بدون شرکت فعالانه و هماهنگ تمام مبارزان، پیاده کردن چنان برنامه‌ای امکان‌پذیر نیست.

۳) حل نشدن در فساد محیط

اثر مهم دیگری که انتظار حضرت مهدی علیه السلام دارد، حل نشدن در مفاصل محیط و عدم تسلیم در برابر آلودگی‌هاست. هنگامی که فساد فراگیر می‌شود و اکثریت (یا جمع کثیری) را به آلودگی می‌کشاند، گاهی افراد پاک در یک بن بست سخت روانی قرار می‌گیرند؛ بن بست است که از یأس اصلاحات سرچشمه می‌گیرد. حتی گاهی فکر می‌کنند کار از کار گذشته و دیگر آمیدی به اصلاح نیست و تلاش و کوشش برای پاک نگاه داشتن خویش بیهوده است. این یأس و ناامیدی ممکن است آنها را تدریجاً به سوی فساد و همرنگی با محیط بکشاند و نتوانند خود را در جهان به صورت یک اقلیت صالح، (در برابر اکثریت ناسالم) حفظ کنند و همرنگ جماعت نشدن را موجب رسوایی بدانند.

تنها چیزی که می‌تواند در آنها روح «امید» بدمد و به مقاومت و خویشتنداری دعوت کند و نگذارد در محیط فاسد حل شوند، امید به اصلاح نهایی است. تنها در این صورت است که آنها دست از تلاش و کوشش برای حفظ پاکی خویش و اصلاح دیگران برندارند.

به همین دلیل، امید را می‌توان همواره به عنوان یک عامل مؤثر تربیتی در تربیت شخصیت‌های ناسالم شناخت. همچنین افراد صالحی که در محیط فاسد گرفتارند، بدون امید نمی‌توانند خویش را حفظ کنند.^۲

از آنچه اشاره شد، به خوبی می‌توان دریافت که چرا پیشوایان معصوم ما جایگاه بس والایی برای انتظار فرج (بوژه در دوران پنهان‌زیستی آخرین حجت الهی) قائل بوده‌اند.

کوتاه سخن این‌که: انتظار، باوری است بارور به عمل، که در زندگی انسان منتظر، در قالب کرداری خاص تجسم می‌یابد. دست روی دست‌گذاردن و بی‌هیچ‌گوش منتظرانه، خود را منتظر دانستن، تفسیری وارونه و منافقانه از «انتظار» است.

انتظار، اعتقادی است در گرو عمل؛ عمل کردن به آنچه فرهنگ انتظار ایجاب می‌کند. انتظار، چشم داشتن به حاکمیتی است که در آن ناپاکان، ظالمان، مظاهران بی‌اعتقاد و معتقدان بی‌کردار، به شمشیر عدالت و دیانت سپرده می‌شوند؛ دین از بدعت‌ها، کجی‌ها، نفاق‌ها و ناروایی‌های بشری پیراسته می‌گردد؛ نادرستی‌ها و ناراستی‌ها کنار می‌روند؛ کاخ‌های به ظلم افراشته تاریخ، سقوط می‌کنند؛ زنجیرهای جهل و اسارت، گسسته می‌شوند و نابخردی‌ها و ناحقی‌ها پایان می‌یابند.

و این است آن آینده تابناک، زیبا و باشکوهی که انتظار سبز موعود، نویدبخش آن است.



۱. نعمانی، الغیبه، ص ۲۰۰، حدیث ۱۶.

۲. تفسیر نمونه، ج ۷، صص ۳۸۴ - ۳۸۷ (با اندکی تصرف).

مقام امام زمان

در وادی السلام نجف اشرف

علی اصغر رضایی

نجف اشرف، یکی از شهرهای زیارتی عراق است. این شهر از توابع کوفه بوده؛ ولی امروزه به صورت استان مستقلی درآمد است و به سبب وجود حرم مطهر اولین پیشوای شیعیان جهان، حضرت علی علیه السلام، از اهمیت خاصی نزد مشتاقان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام برخوردار است.

❁ قبرستان وادی السلام

وادی السلام قبرستان قدیمی و تاریخی است که در شمال شرقی شهر نجف واقع شده است. این مکان مقدس کیلومترها مساحت دارد و قدمت آن به بیش از هزاران سال می‌رسد. در آن قبور تعدادی از پیامبران و بسیاری از سادات، صالحان، بزرگان و علمای دین قرار دارد و بسیاری از قبرهای آن دارای بقعه و گنبد می‌باشد. وجود مقام حضرت هود علیه السلام و صالح علیه السلام و گنبد و بارگاه برفراز قبر آن دو پیامبر عظیم الشان و تصریح معصومان علیهم السلام بر دفن آن‌ها در این مکان، از قدمت بسیار زیاد این مکان حکایت می‌کند. دفن آدم ابوالبشر علیه السلام و نوح پیامبر علیه السلام در نجف اشرف، دلیل روشنی است بر این که قدیمی‌ترین مقبره بر روی کره خاکی در همین منطقه است.

❁ مقام امام زمان علیه السلام در قبرستان وادی السلام

در داخل قبرستان بزرگ و قدیمی وادی السلام مقامی وجود دارد که در طول قرن‌ها به مقام حضرت مهدی علیه السلام شهرت داشته است. این مقام در سمت غربی قبرستان واقع شده است و برای آن مقام، گنبد و بارگاهی است و دارای محرابی است که درون آن سنگ مرمری قرار دارد که زیارتنامه حضرت مهدی علیه السلام بر آن نقش بسته است. در سمت راست مقام، چاهی قرار دارد که زائران و عشاق امام علیه السلام از آب آن تبرک می‌جویند.

اهمیت مقام امام زمان علیه السلام در وادی السلام

در طول قرنهای متمادی عاشقان و موالیان امام زمان علیه السلام از راههای دور و نزدیک به عشق کعبه مقصود خویش به این مکان شریف آمده و به راز و نیاز پرداخته‌اند. در این مکان مقدس، صدها عاشق توفیق تشریف خدمت امام عصر علیه السلام را پیدا کرده و کرامات بی‌شماری را از آن بزرگوار مشاهده کرده‌اند. چه بسیار بیماران صعب‌العلاجی، که با نفس مسیحایی آن حضرت شفا یافته‌اند و چه حاجت‌مندانی که در این مکان مقدس پس از یک عمر «یابن الحسن» گفتن، حاجت‌روا گشته و به مقصود خویش رسیده‌اند و از بوستان وجود شریفش خوشه برچیدند.

در طول قرون و اعصار، قبرستان وادی السلام محل راز و نیاز و خلوت اهل دل بوده است و بسیاری از فقها، علما و صلحا ساعتی از روز را در وادی السلام به تفکر و عبادت می‌پرداختند؛ چنانچه در حالات مرحوم مجلسی آمده است که در ایام تشریف خود

به نجف اشرف، شبها در حرم مطهر و روزها در مقام حضرت ولی عصر علیه السلام در وادی السلام به عبادت و ریاضت مشغول بوده است.

۱. این مکان محل عبور امام زمان علیه السلام و یارانشان به سوی کوفه می‌باشد. حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند: «گویی او را با چشم خود می‌بینم که از «وادی السلام» عبور کرده و بر فراز اسبی که سپیدی پاهای و پیشانی اش می‌درخشد و برق می‌زند به سوی مسجد سهله در حرکت است و زیر لب زمزمه‌ای دارد و خدای را این گونه می‌خواند: لَإِلَهِ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا...»^۱

۲. این مکان محل دیدار رسول خدا صلی الله علیه و آله و امیرالمؤمنین علیه السلام است؛ رسول خدا صلی الله علیه و آله به امیرالمؤمنین علی علیه السلام فرمود: «انت

أخی و میعاد ما بینی و بینک وادی السلام؛ تو برادر من هستی،

وعدۀ دیدار من و تو در وادی السلام است.»^۲

۳. وادی السلام محل رجعت^۳ عدۀ کثیری از انبیا، اوصیا، صلحا و مؤمنان در زمان رجعت خواهد بود.

۴. ارواح مؤمنین و مؤمنات در وادی السلام گرد می‌آیند؛ چنانچه علما در کتابهای معاد به این نکته اشاره کرده‌اند. در طول تاریخ، علما و بزرگان وصیت می‌کردند تا جنازه آنها در این قبرستان دفن شود. از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «هر مؤمنی که در شرق یا غرب عالم از دنیا برود، خداوند روحش را به وادی السلام می‌برد.»^۴ از این

قبرستان هفتاد هزار نفر بدون حساب وارد بهشت می‌شوند. امیرالمؤمنین علی علیه السلام می‌فرماید: «در این سرزمین ارواح مؤمنان دسته دسته با یکدیگر صحبت می‌کنند و هر مؤمنی در هر جایی از زمین بمیرد، به او گفته می‌شود: به وادی السلام ملحق شو که وادی السلام

جایگاهی از بهشت است.»^۵ و روایت شده است که عذاب قبر و سؤال نکیر و منکر از کسی که در این قبرستان دفن شود، برداشته می‌شود.^۶



۱. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۹۱.

۲. کافی، ج ۳، ص ۱۳۱.

۳. رجعت، در لغت به معنی بازگشت است و در اصطلاح، یکی از اعتقادات ما شیعیان است که در زمان ظهور امام زمان علیه السلام عده‌ای از انبیا و امامان علیهم السلام و مؤمنان محض و کافران محض به این دنیا برخواهند گشت و مؤمنان توفیق درک حضور حضرت را پیدا خواهند کرد و از دولت کریمه حضرت برخوردار خواهند شد و کافران قبل از برپایی دادگاه عدل الهی، در دنیا مجازات خواهند شد.

۴. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۳.

۵. همان، ص ۲۳۴، حدیث ۲۶.

۶. بحارالانوار، ج ۱۰۰، ص ۲۳۲.

تصرف مسجدالحرام

تصرف مسجدالحرام در سال ۱۳۶۱

در ذی حجة سال ۱۳۶۱ شمسی افتخار تشریف به حج تمتع را یافتیم. پس از انجام مراسم حج از سرپرستی اجازه گرفتم که زودتر به ایران برگردیم. زیرا زمان رأی‌گیری در پیش بود، از این رو، به جده آمده و به دفتر هواپیمایی ایران و مسؤول تنظیم برگشت حاجیان مراجعه کردم. گفتند که تا سه روز جای خالی برای برگشت نیست. اینجا بود که تصمیم گرفتم از فرصت استفاده کرده، بار دیگر جهت زیارت خانه خدا به عنوان عمره مفرده به مکه برگردم. همراه یکی از دوستان (حجت الاسلام شیخ محمد کاظم پناه) به طرف مکه حرکت کردیم و بعد از ورود به مکه و حضور در مسجد الحرام، به طواف و اعمال عمره پرداختیم.

چون در آن ایام بیشتر حاجیان از مکه خارج شده یا در حال رفتن به مدینه و گروهی نیز مشغول برگشتن به کشور خود بودند، طواف نماز سعی میان صفا و مروه و همچنین طواف نساء و نماز، به خوبی و در کوتاهترین مدت؛ (یعنی حدود دو ساعت) انجام می‌شد. ما در حال سعی میان صفا و مروه، در شوط چهارم بودیم، زن و مرد عربی، در حالی که آنها هم مشغول سعی بودند، به ما نزدیک شدند. مرد جوان که خود را دانشجوی علوم دینی در ریاض معرفی می‌کرد، با ادب و احترام، خطاب به ما گفت: «فردا مهدی موعود قیام می‌کند و من برای این منظور از ریاض آمده‌ام و من از یاران او هستم و خواستم این بشارت را به شما بدهم!».

ابتدا گمان کردیم که چون ما ایرانی هستیم و معتقد به ظهور حضرت مهدی (عج) می‌باشیم، قصد آزار ما را دارد، اما وقتی دیدیم که آنها مانند ما در حال سعی و عبادت هستند، گفتیم بعید است که در چنین حالی، مسلمانی، مسلمانی را به سخره بگیرد. به او گفتم: بعد از سعی، همدیگر را ملاقات کنیم. هدفم این بود که با فراغت بال، در یکجا بنشینیم و کمی با هم

گفت‌وگو کنیم، ولی چون جایی معین نکردیم، بعد از سعی و انجام تقصیر، هرچه جست‌وجو کردم او را نیافتم.

اعمال عمره را که انجام دادیم، از لباس احرام در آمدیم و لباس‌های احرام را در کیسه‌ای نهاده، لباس معمولی به تن کردیم. در این هنگام حدود دو ساعت به نماز صبح مانده بود. در گوشه‌ای از مسجدالحرام مانند دیگران دراز کشیدیم و به خواب رفتیم. اذان نماز صبح گفته شد و همه به دور کعبه در مسجدالحرام به صف ایستادند. من نیز همراه دوستم وضو گرفتم و به نماز ایستادیم. وقتی نماز به پایان رسید، صدای تکبیر در مسجدالحرام پیچید، حتی لحظه‌ای هم قطع نمی‌شد! برای ما که اهل ایران بودیم اینگونه با فریاد تکبیر گفتن چیز ناشناخته و غیر مترقبه‌ای نبود ولی اینکه همه مردم یکپارچه بی‌آنکه کسی از آنها بخواهد یا هماهنگشان کند، اینگونه مرتب تکبیر بگویند، برای ما شگفت آور بود.

در این حال تصمیم گرفتیم برای کشف ماجرا، به کعبه نزدیک شویم و هرچه نزدیک تر می‌رفتیم، تراکم جمعیت در اطراف کعبه بیشتر بود؛ به طوری که میان کعبه و مقام ابراهیم، که تقریباً در فاصله سیزده متری کعبه قرار دارد، انبوهی از جمعیت بود و گه گاه سلاح‌هایی هم در دست برخی از افراد دیده می‌شد. پیش خود گفتم که گویا جریان مهمی رخ داده است.

در این هنگام دیدیم جوانی که شب گذشته، در حال سعی،

۱. در طول تاریخ، افراد زیادی ادعای مهدویت کرده‌اند بی‌آنکه آثار و علائم ذکر شده در روایات بر آنها منطبق باشد. البته گاهی افراد به عنوان امر به معروف و نهی از منکر قیام کرده‌اند و هیچ گاه ادعای مهدویت نداشته‌اند، لیکن دوستان و گاهی دشمنانشان، آنها را مهدی موعود نامیده‌اند و گاه دروغ‌گویی هم بوده‌اند، که این نام را برای منافع و مقاصد به کار برده‌اند. داستان ذیل، ماجرای است واقعی که آیت‌... محمدعلی فیض، خود شاهد و ناظر آن بوده است.

تصرف مسجد الحرام



بالا دیده می‌شد، البته همگی ریش داشتند و افرادی هم بودند که هنوز مو به صورتشان نرویده بود. لازم به یادآوری است که آوردن سلاح و مهمات به مسجد الحرام در آن زمان، کار مشکلی نبود؛ زیرا خادمان مسجد الحرام که در مقابل هر دری گماشته شده بودند، بیشترشان پنجاه - شصت سال داشتند و نسبت به بررسی افراد بی تفاوت بودند. آنان از نیمه‌های شب به بعد، روی صندلی یا منبری که برای نشستن آنها گذاشته شده بود، یا خوابیده بودند و یا اصلاً حضور نداشتند و بنابراین، امکان بررسی بدنی، یا ساک اصلاً نبود و اگر کسی نقشه و قصدی داشت، به آسانی می‌توانست انجام دهد و همه چیز را وارد مسجد الحرام کند و به نظر می‌رسید که این قیام کنندگان، از این فرصت استفاده کرده، همه گونه سلاح و مهمات مورد نیاز خود را وارد مسجد الحرام کرده بودند در زیرزمینهای مسجد الحرام جا داده بودند.

بعد از آن سخنرانی، رهبر قیام آنها مشغول تنظیم امور و فرستادن افراد مسلح به اطراف مسجد شد. بعد خطیب دوم برای سخنرانی در همان جایگاه سخنران نخست حضور یافت و او هم به زبان عربی؛ اما از روی نوشته مطالبی را برای حاضران خواند. مطالب وی نیز بیشتر تکرار همان ادعاها و ذکر روایاتی درباره مهدی موعود عجل الله فرجه بود. او در ضمن سخنرانی اش خطاب به مردم گفت: اکنون که حضرت مهدی قیام کرده، شما با او بیعت کنید، «**علی کتاب الله و سنه نبیه**»، جمعیت نشسته با شنیدن

۱. البته اهل سنت کم و بیش با روایاتی که درباره مهدی است، آشنایی دارند، وقتی به کتبی که درباره فتنه‌های آخرالزمان و مهدی موعود مطالبی نوشته‌اند، مراجعه می‌کنیم، می‌بینیم اهل سنت بیش از شیعیان درباره این موضوع کتاب نوشته‌اند و همه، مانند ما شیعیان انتظار ظهور او را دارند.

گوینده در ضمن سخنانش ادعا کرد که مهدی این قیام، از نسل پیامبر اسلام و از سلاله حسین بن علی است و قیام کرده است تا جهان را پر از عدل و داد کند و آمده است که احکام خدا را به اجرا در آورد و بر طبق کتاب خدا و سنت پیامبر صلی الله علیه و آله بر مردم حکم براند... **هم زمان با سخنرانی این خطیب، صدای رگبار مسلسل در مسجد الحرام می‌پیچید بی آنکه تیراندازان دیده شوند.** عده‌ای مأمور شدند که جمعیت ایستاده را روی زمین بنشانند و ما نیز که تا آن زمان روی پا ایستاده و به سخنان گوینده گوش می‌دادیم، همراه با جمعیت نشستیم تا جمعیت، مهدی این قیام را ببینند. او مردی گندمگون بود. سنی حدود ۳۵ تا ۴۰ سال داشت و تا اندازه‌ای بلندبالا بود که در وسط جمعیت دیده می‌شد. پیراهن بلند عربی به تن داشت و دستمالی مانند عربها به سر انداخته بود. یک قطار فشنگ به کمر بسته و قطاری روی شانه تا محاذی کمرش آویزان بود و سلاحی کمری به کمر بسته و اطرافش را جمعی مسلح گرفته بودند. البته اطرافیان سلاح‌های بزرگ، با خشابهای خمیده و بعضاً راست به دست داشتند. در این حال فهمیدیم که مهدی آنان همان است که در وسط ایستاده و من در این هنگام سعی کردم در همان حال نشسته، خود را به نزدیک‌ترین جای ممکن برسانم. رفتن تا دو سه متری او امکان داشت و بیش از آن را مانع می‌شدند.

تعدادی از نیروهای سلاح به دست، برای حفاظت و کنترل آمد و شد درهای ورودی را در اختیار گرفته و بر همه جا مسلط شده بودند.

به نظر می‌رسید برای حفاظت و کنترل بنای با عظمت مسجد الحرام که دارای حدود ۲۴ دروازه است، نیاز به مأموران و هواداران زیادی است که هنگام بیرون رفتن از مسجد روشن شد که تعدادشان کم نیست. افراد مسلح بیشتر از جوانان بودند و در میان آنان کمتر کسی از حدودچهل به

میان صفا و مروه به ما گفت: فردا مهدی موعود قیام می‌کند و من از یاران او هستم و... پشت به حجر الأسود ایستاده و مردم را از استلام حجر باز می‌دارد، بی آنکه مقاومتی در برابرش انجام گیرد.

با مشاهده این منظره درصدد بر آمدم که مهدی آنان را ببینم! در حال تجسس و پی گیری بودم که ناگهان صدای گوینده‌ای از بلندگوی مسجد؛ از همان جایگاهی که مکبر هنگام نماز جماعت نمازگزاران را هدایت می‌کند، به گوش رسید. فهمیدیم که می‌خواهد درباره این جریان و قیام سخن بگوید. آنگاه که صدایش از بلندگوها شنیده شد، همه نگاه‌ها متوجه او گردید. همگان منتظر بودند که او چه می‌گوید.

با استناد به روایات از کتب اهل سنت، به نقل از پیامبر صلی الله علیه و آله، درباره قیام مهدی موعود عجل الله فرجه و صفات و خصوصیات او سخن گفت و نتیجه گیری کرد که اکنون مهدی موعود قیام کرده‌است و مردم را به قیام او بشارت داد.

این خبر و سخنان، بسیار هیجان انگیز بود و افراد زیادی در حرم گرد آمده بودند؛ عده‌ای طرفدار این حرکت و قیام و گروهی هم زائر بی‌خبر بودند که تازه خبر این قیام به گوششان رسیده بود.^۱

اکنون که این بشارت به گوششان رسیده که مهدی ظهور کرده و در جمع شما است، جمعیت هیجان زده شده و برای دیدن او ازدحام می‌کنند ولی چون همه جمعیت سرپا ایستاده‌اند، تشخیص این مهدی از دیگران آسان نیست.

این ماجرا برای ما هم جالب بود، نه از این رو که مهدی قیام کرده، چون می‌دانستیم که ظهور حضرت مهدی عجل الله فرجه نشانه‌هایی دارد که در کتب روایی ما ذکر شده و آن نشانه‌ها تا آن زمان به وقوع نپیوسته بود.



از خارج شدن از میان جمعیت، و تلاش و جستجو سرانجام رفیقم را پیدا کردم.

با همدیگر به زیر زمین مسجدالحرام رفتیم. جایی که در آن زمان وضوخانه و دستشویی داشت ولی دیدیم که آب قطع است. دانستیم که از بیرون قطع کرده‌اند. استفاده از چاه زمزم بدون برق و یا به وسیله دلو هم ممکن نبود. ناگزیر از آب فروشان مسجد، که آب را با لیوان می‌فروختند. لیوانی یک ریال خریدیم و نیاز خود را برطرف ساختیم.

پس از آن، به طبقه دوم رفتیم که به بیرون و خیابانهای اطراف اشراف داشت و می‌توانستیم از پنجره یا مشبک‌های طبقه دوم بیرون را بینیم و از اوضاع بیرون و تیراندازی‌ها آگاهی پیدا کنیم.

در طبقه دوم جز افراد مسلح وابسته به این قیام کنندگان کسی نبود و آنان لوله‌های سلاحشان را از روزنه‌های پنجره‌های مشبک به بیرون گرفته و بی‌هدف و تنها برای ارباب مردمی که در اطراف مسجدالحرام جمع شده بودند و ناظر این جریان بودند شلیک می‌کردند و پیچیدن صدای شلیک رگبار گلوله در مسجدالحرام، جمعیت داخل مسجد را به وحشت می‌انداخت.

دقایقی در طبقه دوم گشتیم بی‌آنکه کسی مزاحم ما شود. کم کم خود را به قسمت طبقه دوم مسعی؛ یعنی صفا و مروه رساندیم و از پنجره‌ها بازار ابوسفیان و مردمی را که در آنجا گرد آمده بودند، دیدیم. در این هنگام از یکی از این تیراندازان پرسیدم بالأخره برنامه شما چیست و ما باید چه کنیم؟ او از من پرسید: أنت بایعت؟ بیعت کردی؟ جریان بیعت در دمام صبح یادم آمد و برایش گفتم که به بیعت کنندگان وعده دادند؛ **البیعة بعد صلاة الظهر. گفت: بعد البيعة؛** یعنی هر مطلب و خواسته‌ای را بعد از بیعت خواهیم گفت.

از طبقه دوم مسجدالحرام پایین آمدیم و دیدیم که حدود دو ساعت به ظهر مانده است. در صدد بر آمدیم که از مسجدالحرام خارج شویم؛ زیرا ما که آنان را نمی‌شناسیم و آن مهدی موعود علیه السلام که ما به او باور داریم، وقتی قیام کند همه قدرتها در برابرش ذلیل‌اند و نیازی به کلاشینکف روسی و یوزی آمریکایی

این سخن به پا خاستند تا به سوی آن مهدی حرکت کنند و با او بیعت کنند. محافظان آن مهدی، از نزدیک شدن مردم جلوگیری کردند و گفتند: **البیعة بعد صلاة الظهر** (یعنی بیعت بعد از نماز ظهر است). در این هنگام تلاش زیادی برای فرونشاندن احساسات مردم و بازداشتن آنها از بیعت انجام گرفت و مجدداً به مردم فشار آوردند که روی زمین بنشینند و همگی نشستند. در این لحظه، ناگهان برق بخشی از مسجدالحرام رفت. البته گرچه با رفتن برق، فضای مسجدالحرام به طور کامل تاریک نشد؛ زیرا نزدیک طلوع خورشید و هوا به اندازه کافی روشن بود اما بلندگوی سخنران که در آن قسمت بود، خاموش

شد و دیگر صدایش به ما نرسید؛ سرانجام او هم ناگزیر شد از جایگاه پایین بیاید.

آنان در برنامه ریزی‌های خود، فکر آن را نکرده بودند که در مواقع ضرورت وسیله برق اضطراری داشته باشند و شاید همین نکته موجب شد که خیلی‌ها متوجه شوند این مهدی، همان مهدی موعود نیست! چرا که از فراهم کردن امکانات اولیه خود عاجز ماند!

پیوسته صدای رگبار

مسلط به گوش می‌رسید، ما نه شب گذشته شام درستی خورده بودیم و نه صبحانه‌ای؛ شکی هم در باطل بودن کار اینها نداشتیم و روایات وارد شده درباره قیام حضرت مهدی و علایم و نشانه‌های او و مطالب دیگری که درباره حضرت مهدی بود را با این حرکت سازگار نمی‌دیدیم؛ زیرا هیچ یک از آنها رخ نداده بود. از اینها گذشته، **چگونه می‌شود که چراغ مهدی موعود را خاموش کنند و او نتواند وسیله روشنایی تهیه کند؟** پیداست که این مهدی واقعی نبود. بنابراین، ادامه حضور ما، در آن جمع، تنها برای کسب خبر بود و بس.

چون تا ظهر دیگر چیزی نمانده بود، صلاح دیدم که از جمع کناره گرفته، دوست و همسفرم را پیدا کنم و از مسجد خارج شویم. گرچه جدا شدن از جمعیت کار آسانی نبود؛ زیرا تا کسی بلند می‌شد، مأموری می‌آمد و دست روی شانه او می‌گذاشت که بنشیند. ناگزیر شدم در حال نشسته، کم کم خود را از میان جمعیت کنار بکشم و پس



تصرف مسجد الحرام

مردمی که در سمت بازار ایوسفیان ایستاده بودند، صدای گلوله‌ها را می‌شنیدند و می‌دانستند که مسجد الحرام به تصرف گروهی مسلح در آمده است اما نمی‌دانستند چه کسانی هستند و چه هدفی دارند. وقتی ما را دیدند که از مسجد الحرام بیرون آمدیم، از جنسیت قیام کنندگان پرسیدند که: «ما الجنسیة؟»؛ «اشغال کنندگان مسجد، اهل کجا هستند؟» ما هم پاسخ می‌دادیم: «الجنسیة السعودیة»؛ «از اهالی عربستان سعودی هستند» ولی کسی از ما نپرسید که قیام کنندگان چه هدفی را دنبال می‌کنند تا بگوییم که اهدافشان چیست؟

تا نزدیکی‌های ظهر، مانند دیگران منتظر ماندیم که شاید واقعه جدیدی پیش آید، اما هیچ حادثه‌ای رخ نداد. برای ادای نماز، به یکی از مساجد مکه، نزدیک شارع سلیمانیه رفتیم و نماز گزاریم و بعد از نماز، به ایستگاه ماشین‌ها رفتیم تا به جده برگردیم.

در ماشینی که سوار شدیم، دو نفر ایرانی، یک نفر سعودی اهل مکه و دو نفر پاکستانی بودیم. ساعت حدود دو یا سه بعد از ظهر بود، مسافر مکی از جریان حمله به مسجد الحرام آگاه بود و می‌گفت: پلیس در حمله موفق نبود و کاری از پیش



نبرد و عده‌ای نیز کشته شدند.

بعد شنیدیم که مسجد الحرام به وسیله نیروهای پلیس به توپ بسته شد و برای بیرون کردن قیام کنندگان از زیرزمین مسجد الحرام مجبور بودند که آب را روانه آنجا کنند و به کمک کماندوهای فرانسوی و به وسیله بالگردهای آنها، قیام کنندگان را به رگبار بسته بودند. و غائله این‌گونه پایان یافت.

و ترساندن مردم ندارد و با رفتن برق صدایش خاموش نمی‌شود... از سوی دیگر چمدان و لوازم سفر و سوغاتی‌های خود را در فرودگاه جده به دست تقدیر سپرده بودیم (آنها را با ریسمانی به ستونی بسته، و آیت الکرسی رویشان خوانده بودیم). مهمتر اینکه اگر تا ظهر بمانیم، احتمال درگیری و کشته شدن و یا دستگیری وجود دارد. بنابراین به سوی صفا و مروه آمدیم که خارج شویم، دیدیم تمام درها بسته و پشت هر دری، یکی از نیروهای قیام کننده ایستاده است. از فرد مسلحی پرسیدیم کدام در باز است؟ او اشاره به سوی مروه کرد و گفت در آخر سمت راست باز است. خود را به آنجا رساندیم، جمعیت زیادی هم پشت سر ما در حرکت بودند. معلوم شد که آنان نیز مانند ما قصد خروج از مسجد را دارند و به دنبال دری می‌گردند که باز باشد.

اما از بد حادثه، در بسته بود، به فکر افتادیم از آن پنجره‌های مشبک طرف مروه استفاده کنیم که این قسمت نسبت به قسمت‌های دیگر صفا و مروه، مقدار حدود یک متر و نیم بلندی دارد و به گونه‌ای است که سعی کننده وقتی به بیست متری کوه مروه و کنار در سمت راست مروه می‌رسد، پنجره‌های

مشبک در دسترس او است و قسمت باز مشبک به اندازه‌ای است که یک نفر می‌تواند با زحمت بیرون برود، من نخستین کسی بودم که از آنجا بیرون رفتم، رفیق و همسفرم نیز بعد از من آمد. مردم هم به شبکه‌های دیگر چسبیده بودند و می‌کوشیدند از مسجد خارج شوند.

در بیرون مسجد الحرام نیروهای حکومتی را دیدیم که در پناه دیوار کمین کرده بودند اما جرأت خارج شدن را ندارند؛ زیرا تک تیراندازان مستقر در طبقه بالای مسعی می‌توانستند به آسانی آنها را هدف قرار دهند.



منجیان هالیوودی

۳۰۰

۳۰۰، افسانه، دروغ یا آرزوهای نهفته غرب؟...

به بهانه طرح مباحث گسترده در داخل و خارج کشور
پیرامون آخرین تولید خصمانه هالیوود و سینمای غرب

دکتر سیدعلی رضا سجادیپور*

اینجانب برای دومین بار است که در «امان»، مبحثی سینمایی ارائه می‌دهم و به اذن خدا، آخرین بار نخواهد بود. عصری که در آن به سر می‌بریم دارای صفات و ویژگی‌هایی است که گاه به نحوی شگفت یا یکدیگر در تضادند. از یک طرف انبوهی از اطلاعات، اخبار، نوشته‌ها و تصاویر، بشر امروز را سردرگم ساخته و غرق در دریای بی‌انتهای قاب‌ها و کلمات، او را از اطلاع و درک برخی حقایق و وقایع ضروری، حساس و تعیین کننده باز داشته است؛ به عبارت دیگر، در این عصر انفجار اطلاعات، گاهی با تلخی و تعجب در می‌یابیم که بشر شاید از همیشه کمتر می‌فهمد و می‌داند. از سوی دیگر، این رسانه‌های عالم گیر و جهان شمول، به مثابه تیغی دولبه، گاهی شرایطی را فراهم می‌کنند که سرعت حرکت اطلاعات و اخبار، مردم جهان را نسبت به یک واقعه و حادثه مطلع و حساس می‌کند و به عکس العمل و تحرک و جنبش و می‌دارد. به قول ظریفی، دیگر نمی‌توان در این دنیا به راحتی فاجعه‌های خلق کرد و بیم از آن نداشت که کسانی در اقصی نقاط جهان به عکس العمل و اعتراض بر نخیزند. دیگر نمی‌توان تمدنی را یکسره نابود کرد، نسلی را قتل عام نمود و میراث گذشته و حال یک فرهنگ را به تاراج و غارت برد، و اعتنایی به توجه، حساسیت و خشم جهان نکرد. شاید با شرایط عصر حاضر، رژیم غاصب اسرائیل نمی‌توانست به آسانی کشور و ملتی با نام فلسطین را از ریشه انکار کند و فلسطینیان را آواره سازد یا قاجاریه آنگونه ایران بزرگ را به دندان قدرتهای عصر نمی‌داد یا طاغوت پهلوی میدان شهدا را از خون صدها و صدها نفر رنگین نمی‌کرد یا صهیونیست‌ها نمی‌توانستند این سان دروغ عجیب و شاخدار هولوکاست را به صفحات تاریخ معاصر حک کنند و...

بلی! اکنون، هم عصر غفلت، حیرت و ناآگاهی است و هم میدان توجه، دقت و آگاهی؛ و هم عصر تاخت و تاز شیاطین دروغ پرداز و نیرنگ باز و شاگردان ظاهر فریب شان است، و هم زمان گسترش و ترویج و توسعه حق مداری، عدالت خواهی و تحول مناسبات پوسیده جاهلیت.

در این زمان شگفت، رسانه‌ها - بخصوص رسانه‌های تصویری و سینما - با استفاده از ابزار داستان و نمایش، وسیله‌ای قدرتمند، نافذ و مؤثر و با پردی بالا است که می‌تواند چون تیغی در دست زنگی مست، فاجعه بیافریند یا در دست کارشناس دلسوز، ابزار نجات و بازگشت به حیات باشد.

آری! از ویژگی‌های این عصر عجیب، همین است که علاوه بر وجوه متناقض و متضاد در کلیت این دوران، ابزار خاص آن نیز کارکردی متناقض و دوگانه می‌تواند داشته باشد.

در روزها و هفته‌های اخیر، همه ما به شکلی کم نظیر و گسترده با یکی از این ابزار خاص برخورد داشته و در مورد آن چیزهای فراوان شنیده ایم. آن، فیلم سینمایی ۳۰۰، محصول سال ۲۰۰۷ سینمای هالیوود آمریکا است.

* نویسنده و تهیه کننده آثار سینمایی و تلویزیونی سینمایی طوفان شن (واقعه طبس)، سریال سیمرخ (شهیدان شیروودی و کشوری)، سریال عبور از خط سرخ (شهید عباس دوران)، سریال آفتاب در زمین (داستان تولد روح...)، سینمایی آخرین ملکه زمین (حمله آمریکا به افغانستان)، سریال چشمان آبی زهرا (انتفاضه فلسطین) و...

اما بطن و واقعیت ماجرا چیست؟ با هم هفت پله را در بررسی این فیلم می‌پیماییم:

۱. نمی‌دانم فیلم ۳۰۰ را دیده‌اید یا نه. اما قطعاً در مورد آن بسیار شنیده‌اید. این سطور در پی تحریک اشتها برای دیدن این فیلم یا نظایر آن نیست. زیرا دیدنش، ولو به اکمال و در نسخه تمام عیار و دست نخورده، چندان به آگاهی بیننده نمی‌افزاید و به احتمال زیاد، رضایتی نیز بر نمی‌انگیزد.

اما لازم است مخاطبان خاص این نشریه، با حضورشان در میدان انتظار پویا و سازنده، از منظر خاص خود بالاتر از مخاطبان عام تحلیلی از این فیلم داشته باشند.

۲. آیا اثری هنری است؟ گرچه برای پاسخ به چنین سؤالی، لازم است نسبت خود با هنر را مشخص کنیم. اما با هر تعریفی از هنر و با هر نگاه‌ها و بدون چارچوب نیز نمی‌توان به این اثر، نام هنر نهاد. این فیلم، یک اثر کاملاً سیاسی و بانندی است. این اثر در تمامی لایه‌های ظاهری و باطنی خود از نگاهی یک‌طرفه، جهت‌دار، آهنین و به شدت ذگم تبعیت کرده. نگاهی که مختص هواداران و اعضای بی‌مغز و تابع تشکیلاتی جزم‌اندیش به سبک احزاب فاشیستی است. بدیهی است چنین نگاه قالبی، خشک و بی‌مغز، هیچ نسبتی با هنر و آثار هنری نخواهد داشت.

حتی بنبیانه‌های احزاب تندرو و افراطی از این به اصطلاح اثر هنری!! منعطف‌تر و متعادل‌تر به نظر می‌رسد!

۳. اگرچه به ظاهر این فیلم علیه یک کشور، ملت و جامعه خاص (پارسیان - ایرانیان)، است اما در واقع و آشکارا یک عقیده، فرهنگ و ایدئولوژی را هدف خشونت‌آمیزترین اتهامات و ناسزاها قرار داده است.

این فیلم، پارسیان (ایرانیان) را بسیار فراتر و گسترده‌تر از سرزمین و مرزهای خاص خود، ملتی می‌داند که خود را نمایندگان خداوند بر روی زمین می‌خوانند و برای توسعه قدرت و حاکمیت خود بر تمام جهان می‌کوشند. آنها بر مشرق عالم یکسره تسلط یافته‌اند و حالا رو به غرب آورده‌اند.

البته کلمات و سمبل‌های به کار رفته در این فیلم، آن قدر اغراق‌آمیز و ترسناک بیان شده که هیچ گروه و قشری از مخاطبان نتوانند از حیطة نفوذ این پیام برکنار بمانند؛ اما همین تلاش، خود به عاملی بازدارنده و شک برانگیز تبدیل شده است. و این از ویژگی‌های اغراق بیش از حد است!

۴. آیا تحریف و نمایش واژگونه و ترسناک از چهره یک ملت - که حامل پیام مشخصی برای دنیای امروز هستند - نشانه‌ای از استیصال و ناامیدی بانیان و خالقان این فیلم نیست؟

مگر پیام این ملت چیست؟ جز گسترش پیام انتظار و اشتیاق برای ظهور یک منجی و چشم دوختن به افق شرق - از سرزمین‌های تاریخ غرب - برای وزیدن نسیمی فرحناک و زندگی بخش است؟ این پیام به دیگر جوامع و ملل بشارت می‌دهد که می‌توانند امیدوار به نجات دهنده‌ای باشند که آنان را از باتلاق عمیق تمدن رو به فروپاشی غرب معاصر برهاند.

۵. این عدد ۳۰۰ هم حکایتی دارد. سازندگان فیلم، ۳۰۰ مرد را به شکل «سوپرمن» گونه برای دفاع از تمامیت فرهنگ غرب، جلوی سپاه - به زعم آنان - خونریز و نابودگر شرق، تحت فرماندهی پارسیان - به عنوان نماینده تام تمدن شرق - به صف می‌چینند و به آن امیدها می‌بندند.

ما نیز چشم انتظار پیش‌قروانی هستیم که در نخستین گام ظهور، گرد وجود خورشید بشریت جمع خواهند شد. آنان نیز ۳۱۳ نفرند؛ با توجه به این نکته که در برخی روایات آنان را ۳۰۰ مرد و ۱۳ زن شمرده‌اند!!

۶. گویا این بار دشمنان خسته از هر گونه فرهنگ‌سازی و سمبل‌پردازی، دست به دامان سمبل‌ها و نشانه‌های خود ما شده‌اند و با استفاده از عناصر خاص فرهنگ ما، می‌خواهند علیه‌مان سلاحی جهانی درست کنند.

جهش قدرت این فرهنگ تا کجاست که دشمن در رأس هرم قدرت خود نیز، چاره‌ای جز گرتنه برداری و کپی‌سازی و سپس واژگون نمایی از عناصر همین فرهنگ ندارد.

آنجا که ۳۰۰ سرباز اسپارتی را درست مثل شهدای تاریخ و مذهب ما شخصیت‌پردازی می‌کند، آنها را با جملات و شعارهایی دقیقاً برگرفته از فرهنگ شهادت طلبی همراه می‌کند، و سرنوشت شان را نیز دقیقاً همان‌گونه - با بدنهایی چاک چاک اما به شکلی آسمانی و اسطوره‌ای با شکوه - ترسیم می‌نماید!

یعنی حاصل سالها مبارزه و مسخره کردن و نفی و انکار همه مظاهر فرهنگی، اعتقادی و ملی ما، حالا به تکرار و شبیه‌سازی و کپی برداری از همان مظاهر انجامیده است!!

۷. درست به همین دلایل و بسیاری دلایل دیگر است که وقتی برای اولین بار این فیلم را با دقت تماشا کردم، نخستین برداشت و نظرم این بود: بد نیست! اصلاً بد نیست! این فیلم چه دلیل محکم و جالبی است که ایران و ایرانی را در دست داشتن پرچم انتظار، عدالت، حق طلبی و بشارت ظهور، بیش از همیشه قدرتمند و محبوب است و این‌گونه شدید و سخت، هدف حسد و بغض دشمنان! و پس از هفته‌ها که می‌گذرد، هنوز کاملاً بر این باورم!

افتخار

سیره فردی و اجتماعی حضرت مهدی علیه السلام

بخش اول

در این نوشتار بر آنیم تا با بیان شمه‌ای از سیره فردی و حکومتی آن حضرت و به تصویر کشیدن اندکی از مدینه فاضله مهدوی، جان‌های عاشق را شیفته حضورش نماییم، تا دست در دست هم داده، در قدم اول، خود، سپس جامعه‌مان را مهدی یاور نماییم؛ به این امید که در سایه سار الطاف الهی، ایام تاریک غیبت به شیرینی ظهور مبدل گردد.

● سیره فردی حضرت

او از طایفه نور است، از قبیله پاکان، سلسله بزرگان و سلاله نجیبان. و می‌آید از برای احیای دین، نابودی زشتی‌ها، و برقراری عدالت؛ این قافله سالار نور و مهدی موعود علیه السلام زندگی فردیش چگونه است؟ برای درک گوشه‌ای از سجایا و اوصاف آن حضرت دیده جان می‌شویم به احادیث منور معصومان علیهم السلام که بهترین منبع کسب معرفت است.

● عبادت (بندگی)

«بر رنگ گندم گوش از بیداری شب‌ها زردی عارض شده و شب‌ها را... در حال رکوع و سجود می‌گذرانند.»^۱ عزیز سفر کرده‌ای است که «در برابر خداوند و جلال او، فروتن است، بسیار فروتن، همچون عقاب به هنگامی که بال خویش فرو گشاید و سر به زیر انداخته، از اوج آسمان فرود آید. او در برابر جلال خداوند این‌گونه خاشع و فروتن است؛ خدا و عظمت او در وجودش متجلی است. او همواره بیم خداوند را به دل دارد و از مقامی که نزد خدا دارد، مغرور نمی‌شود»^۲ او همان خورشید ولایت است که «در برابر پروردگارش... [بسیار] خاشع است»^۳.

● زهد و ساده زیستی (تقوا)

آن نجات‌دهنده نسل انسان «باتقوا گام می‌نهد و بر اساس هدایت رفتار نماید»^۴ و «همچون امیرالمؤمنین زندگی کند، نان خشک خورد و با پارسایی بزند»^۵ «لباس حضرتش جز پارچه خشنی نیست و غذای او نیز تنها غذای ساده و کم اهمیت است»^۶.

● رحمت و شفقت

جانم به فدای آن مولایی که نسبت به مردمان «امامی همدم و رفیق، پدری مهربان، برادری برابر و چون مادری دلسوز به کودک است».^۷

جانم به فدای آن سروری که «برای مردم از خودشان دلسوزتر و از پدر و مادرشان مهربانتر است».^۸

جانم به فدای آن مهربانی که «در رحمت چنان است که گویی با دست خود کره و عسل به دهان مسکینان می‌نهد».^۹

جانم به فدای آن عزیزی که از تبار علی علیه السلام است و هم سیره و روش او. امیرالمؤمنین علیه السلام فرمودند: «هیچ مؤمنی نیست که بیمار شود، مگر به مرض او مریض می‌شویم و اندوهگین نشود، مگر به خاطر اندوه او اندوهگین گردیم و دعایی نکنند، مگر بر آن آمین گوئیم و ساکت نماند، مگر برایش دعا کنیم».^{۱۰}

● جود و بخشش

کجاست آن مظهر جود و سخا؛ که همه اولیا و انبیا مژده آمدنش را داده‌اند؟! او همان مردی است که گفته‌اند: «هنگام آشکار شدن فتنه‌ها و آشوبها، مردی خواهد آمد که بخشش‌هایش گوارا است».^{۱۱}

کجاست آن عزیزی که گفته‌اند: «در آخرالزمان خلیفه‌ای خواهد بود که بی‌اندازه بخشش می‌کند».^{۱۲}

کجاست آن زاده رسول خدا که پیامبر صلی الله علیه و آله درباره جود و بخشش او چنین می‌فرمایند: «مردی نزد مهدی علیه السلام می‌آید و می‌گوید: به من عطایی کن! پس به مقداری که آن شخص بتواند حمل نماید، به او می‌بخشد».^{۱۳}

۱. فلاح السائل، ص ۲۰۰ و بحارالانوار، ج ۸۶، ص ۸۱، مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۵۱ از امام کاظم علیه السلام.
۲. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۸۰ و ۳۰۰.
۳. الملاحم الفتن، ص ۵۸ - الامام المهدی، ص ۹۷ از امام صادق علیه السلام.
۴. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۶۹، ح ۱۵۸.
۵. الغیبه، نعمانی، بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۳۵۹.
۶. غیبت نعمانی، ص ۱۵۲؛ مسندالامام رضا علیه السلام، ج ۱، ص ۲۱۹؛ منتخب الاثر، ص ۳۰۷ از امام رضا علیه السلام.
۷. کافی، ج ۱، ص ۲۸۶ از امام رضا علیه السلام.
۸. روزگار رهایی، ص ۸۱ از امام رضا علیه السلام.
۹. المهدی الموعود، ج ۱، ص ۲۹۷.
۱۰. بصائر الدرجات، ص ۲۵۹؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۲۱ امام علی علیه السلام.
۱۱. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۲؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۴۹ از پیامبر صلی الله علیه و آله.
۱۲. غایه المرام، ص ۶۹۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۳۳.
۱۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۸۸؛ مکیال المکارم، ج ۱، ص ۱۳۳.

فوکویاما

علی محمدپور



فوکویاما نظریه های معروف و نیز اعترافات معروفی دارد که در سال های اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته است که شما در این جا بخشی از اعترافات او را از گفته ها و نوشته هایش می خوانید.

● اگر آمریکا بخواهد به ایران حمله کند!

فوکویاما میگوید: "دولت آمریکا در حمله نظامی به ایران، منزوی تر از زمانی خواهد شد که قصد داشت به عراق حمله کند و اسرائیل تنها کشوری خواهد بود که به یقین با آمریکا در این تصمیم متحد خواهد شد."

"هزینه نظامی آمریکا در حال حاضر برابر است با هزینه نظامی کل جهان، در نتیجه این سوال وجود دارد که چرا چنین قدرتی نتوانسته بعد از چهار سال و هزینه کردن حدود بانصد میلیارد دلار و کشته شدن شمار زیادی از نیروهای نظامی خود، صلح را به کشوری کوچک مانند عراق بازگرداند و حتی آن را کمی به سوی دموکراسی پیش ببرد؟"

"برخلاف القاعده، ایران نه یک شبکه بلکه یک کشور است که (برخلاف عراق) تاریخی کهن و معتبر دارد و به خاطر افزایش قیمت نفت مملو از امکانات گوناگون است؛ حکومت اسلامی حاکم بر این کشور - به ویژه پس از روی کار آمدن محمود احمدی نژاد - خط مشی تهاجمی در پیش گرفته است" "در واقع آمریکا در وضعیتی نیست که به کشوری دیگر حمله نظامی و آن را اشغال کند، به خصوص کشوری که سه برابر عراق مساحت دارد. چنین حمله ای باید از طریق هوا صورت بگیرد که به تغییر حکومت و نهایتاً متوقف کردن برنامه تسلیحات اتمی این کشور نخواهد انجامید."

"در همین حال، اطمینانی نیست که اطلاعات آمریکا در مورد تاسیسات هسته ای ایران، بهتر از اطلاعات این کشور در زمان حمله به عراق باشد. حمله هوایی همچنین به احتمال زیاد باعث افزایش حمایت از حکومت ایران خواهد شد، نه سقوط آن و همچنین باعث تحریک حملات علیه اهداف آمریکایی و

فوکویاما هم اعتراف می کند

● فوکویاما کیست؟

فرانسیس فوکویاما (متولد ۱۹۵۲ در شیکاگو) فیلسوف پرآوازه آمریکایی و استاد در رشته اقتصاد سیاسی بین الملل است که هم اکنون در دانشگاه جان هاپکینز واشنگتن به تدریس اشتغال دارد. وی همچنین دارای سابقه کار در اداره امنیت آمریکا و نیز تحلیلگر نظامی در شرکت «رند» از شرکتهای وابسته به پنتاگون می باشد. وی پس از نگارش مقاله پایان تاریخ و واپسین انسان (The End of History and the last man) در ۱۹۸۹/۱۳۶۸ که در ۱۹۹۱/۱۳۷۰ با تفصیل بیشتر و به همین نام، به صورت کتاب در آمد، به شهرت جهانی رسید. در این دو نوشته، فوکویاما به دفاع تاریخی از ارزشهای سیاسی غربی برخاست و استدلال کرد که رویدادهای اواخر قرن بیستم نشان می دهد که اجماعی جهانی به نفع دموکراسی لیبرال به وجود آمده است. این اجماع، مساوی است با پایان تاریخ به معنای این که در شکل گرفتن اصول و نهادهای بنیادی دموکراسی، پیشرفت بیشتری به وجود نخواهد آمد. البته، باز هم رویدادهایی خواهد بود، ولی تاریخ، به معنای داستان جهانی رشد و شکوفایی آدمی، خاتمه یافته است.

نظریه های فوکویاما درباره پایان تاریخ و نیز نظریه های جنگ تمدن ها و نظریه جنگ مذاهب از هانتینگتون از پایه های فکری تحولات بین المللی در چند سال گذشته بوده است و اتفاقاتی که در سال های گذشته پیش آمده و شکست نماینده فکری غرب (آمریکا) و شکست اسرائیل و پیروزی های چشمگیر کشورها و گروه های اسلامی شیعی نظریه های این متفکر غربی را زیر سوال برده است.

فوکویاما می گوید: "پروژه چندانی برای باز سازی عراق وجود نداشت و حل مسایل پس از حمله بسیار ساده عنوان شده بود. چرا که رامسفلد وزیر دفاع امریکا، جنگی سریع با جنگ افزار سبک و متحرک، و با تعداد محدودی نظامی را طرح ریزی کرده بود. در پی اثبات کارایی چنین عملیاتی بود که باعث گرفتاری آمریکایی ها شد. این جنگ باعث محدودیت عمل نیروهای آمریکایی در جاهای دیگر دنیا شده است و ناکامی در آن می تواند باعث چرخش سیاست خارجی آمریکا به سوی واقع گرایی و حتی منزوی شدن این کشور شود. به عبارت دیگر سناریوی پس از ویتنام دوباره تکرار می شود. فوکویاما امیدوار است چنین وضعی پیش نیاید چون قوی ترین و ثروتمندترین کشور دنیا می تواند نقش مهمی در جهان ایفا کند."



دادن و تغییر رژیم در عراق بود، از اولین کسانی بشمار می رود که در مورد این مساله دچار تردید شد و سرانجام با آن به مخالفت پرداخت.

مجله «نیو ستیتزمن» در این مورد و در معرفی کتاب «پس از نومحافظه کاران» فوکویاما می نویسد: فوکویاما پیش و پس از ۱۱ سپتامبر، خواستار فشار بر عراق بود ولی هر چه به حمله نهایی نزدیکتر شدیم، بیشتر در مورد موضع خود دچار تردید شد. این مجله می افزاید باید در نظر گرفت که نومحافظه کاران، تنها هواداران جنگ عراق نبودند، بلکه روشنفکرهای چپ امریکایی، بسیاری از دمکراتها و جمهوریخواهانی که جز نومحافظه کاران نبودند، طبل جنگ را بصدا در آوردند.

پیروزی سریع آمریکاییها در پس گیری کویت، عملیات کوزوو و شکست دادن طالبان باعث شدند که نو محافظه کاران تغییر رژیم در عراق را نیز ساده بیندارند. فوکویاما می گوید "در مورد مساله سلاحهای کشتار جمعی در عراق به شدت غلو شده بود. آمریکا در حمله به عراق، حتی به نظر هم پیمانانش اهمیت نداد و استثنا بودن خود را مطرح کرد."

"آخرین درس از اقدام نظامی علیه عراق این بوده که دولت کنونی آمریکا، در اداره روز به روز سیاست های خود در مورد عراق ناتوانی زیادی نشان داده است. یکی از این ناتوانی ها، ضعف دولت بوش در دنبال کردن اهداف بلند پروزانه اش بوده است. در حالیکه آمریکا حدود سه سال پیش (ژوئن ۲۰۰۴) با موفقیت توانست اختیار حاکمیت عراق را به دست بگیرد و همچنین شش ماه بعد از آن انتخابات سراسری در این کشور برگزار شد، در آموزش ارتش عراق، انتصاب سفرا و از همه مهم تر در بازخواست مقاماتی که در عراق بد عمل کرده اند، شکست خورده است"

متحدانش در سراسر جهان خواهد شد. دولت آمریکا در حمله نظامی به ایران منزوی تر از زمانی خواهد شد که قصد داشت به عراق حمله کند و اسرائیل تنها کشوری خواهد بود که به یقین با آمریکا در این تصمیم متحد خواهد شد."

● شیعه به روایت فوکویاما

در سال ۱۹۸۶ یعنی در اوج پیروزی های رزمندگان اسلام در جبهه مقاومت علیه استکبار جهانی، فرانسیس فوکویاما در کنفرانسی در اورشلیم تحت عنوان "بازشناسی هویت شیعه" که توسط صهیونیستها برگزار شد، گفت: «شیعه پرنده ایست که افق پروازش خیلی بالاتر از تیرهای ماست. پرنده ای که دو بال دارد: یک بال سبزو یک بال سرخ. بال سبز این پرنده همان مهدویت و عدالتخواهی اوست. چون شیعه در انتظار عدالت به سر می برد، امیدوار است و انسان امیدوار هم شکست ناپذیر است.

او همچنین گفت: نمی توانید انسانی را تسخیر کنید که مدعی است کسی خواهد آمد که در اوج ظلم و جور، دنیا را پراز عدل و داد خواهد کرد. شیعه با این دو بال، افق پروازش خیلی بالاست و تیرهای زهرآگین سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، اخلاقی و... به آن نمی رسد. از نظر فوکویاما شیعه بعد سوم هم دارد که بسیار مهم است: «این پرنده زرهی به نام ولایت پذیری برتن دارد. در بین کلیه مذاهب اسلامی، شیعه تنها مذهبی است که نگاهش به ولایت فقهی است. یعنی فقیه می تواند ولایت داشته باشد. این نگاه، برتر از نظریه نخبگان افلاطون است.»

شاید این استدلال های قوی را از نظریه پردازان شیعه هم کم شنیده باشیم که فوکویاما به عنوان یکی از معماران نظریه های دنیای نو به زبان می آورد.

● جنگ عراق

فوکویاما که از هواداران تحت فشار

● پایان تاریخ

او در سال ۱۹۹۲ با نوشتن کتاب "پایان تاریخ و انسان آخر" به شهرت جهانی رسید. فوکویاما در این کتاب که اندکی پس از فروپاشی شوروی نوشته شده، لیبرال دموکراسی را مقصد نهایی تمام جوامع دانسته است.

در نظریه پایان تاریخ، فوکویاما معتقد است که همه مردم در پی دستاوردهای مدرن شدن از قبیل رفاه بیشتر و بهداشت بهتر و غیره هستند. آنها پس از بالا رفتن سطح زندگی، به تدریج خواستار مشارکت در سیاست شده و در دراز مدت جامعه به سوی لیبرال دموکراسی سوق داده خواهد شد.

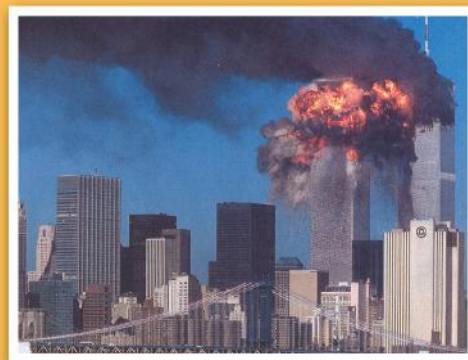
فوکویاما شکست ایدئولوژی کمونیسم روسی را دلیلی بر پیروزی ارزشهای لیبرال دموکراسی غرب و به فرجام رسیدن منازعات ایدئولوژیکی تصور کرد. رؤیای خوش فوکویاما چندان نپایید و با تغییر و تحولات سیاسی، اقتصادی و نظامی پس از بی‌رنگ شدن حضور روسها و پایان یافتن به اصطلاح جنگ سرد، جهان وارد دوران تازه ای گردید و غولهای دیگری وارد مناسبات بین‌المللی شدند و خیلی زود دانسته آمد که سخن گفتن از نظام تک قطبی جهان، هذیانی بیش نیست و با شرایط تازه جهانی، نه تنها آمریکا قدرت اول پایان قرن نیست، بلکه با توجه به سه عامل ذیل:

الف. قدرت گرفتن مجدد تمدن و حوزه‌های سیاسی، نظامی - و حتی اقتصادی - جهان اسلام و به تعبیر غربیها رشد حیرت‌انگیز «بنیادگرایی اسلامی»؛

ب. سربر آوردن قدرتهای تازه‌ای به نام چین و هند از یک سو و ژاپن از سوی دیگر؛

ج. تشکیل اتحادیه اروپا
منافع آمریکا به اندازه شرایط حاکم بر دنیای به اصطلاح دو قطبی هم تأمین نمی‌شود.

فوکویاما به تازگی کتاب دیگری به نام "پس از نومحافظه کاران" منتشر کرده و موضوع اصلی آن را سیاست خارجی آمریکا پس از ۱۱ سپتامبر دانسته است. او در کتاب ۲۰۰ صفحه



ای خود، ریشه‌های تاریخی و تحول اندیشه نومحافظه کاران را بررسی می‌نماید و

توضیح می‌دهد که چرا خود را دیگر یک نومحافظه کار

نمی‌داند و چرا از نظریه‌های قبلی خود برگشته است.

اگر نظریه فوکویاما با دیده دقت نگریسته شود می‌بینیم که او در واقع پایان تاریخ را گم کرده است، چون اگر بشریت بداند که جامعه آرمانی او آن چیزی است که الان وجود دارد،

جا دارد به یک خودکشی دسته جمعی دست زند

و نیز بعد از تحولات اخیر واضح شد که لیبرال دموکراسی غرب توان ترسیم آینده انسان‌ها را با نظریه‌های خود ندارد و ادعاهای سیاستمداران غربی برای آزادی و رفاه مردم جهان توهمی بیش نیست، به قول دوست ارجمندی که مثال می‌زد و می‌گفت: چگونه است فرانسه که مهد آزادی و تمدن غربی است نتوانسته نیم متر پارچه را بر سر چند دختر محجبه تحمل کند.

البته بد نیست بدانید نظریه پایان تاریخ فوکویاما نگاهی خوشبینانه و ساده لوحانه در برابر نظریه برخورد تمدن‌های هانتینگتون است که آینده دنیا را تاریک تصور می‌کند و جایی برای امید انسان‌ها هم نمی‌گذارد.

گر چه فوکویاما سخن از جنگ نمی‌کند ولی نمی‌توان برای

رسیدن جهان

به لیبرال

دموکراسی از

آن فرار کند؛

زیرا برای غلبه

این شیوه و

روش زیست

بر جهان باید

اندیشه و یا

اندیشه‌های

رقیب از سر راه

کنار روند و یا کنار گذاشته شوند برای همین است که خیلی‌ها نظریه جنگ تمدن‌های هانتینگتون را پیش‌نیاز عملی شدن نظریه فوکویاما می‌دانند که بعد از جنگ تمدن‌ها و از بین رفتن فرهنگ‌های مختلف بخصوص فرهنگ اسلامی، لیبرال دموکراسی بر جهان حاکم خواهد شد.

● فوکویاما و اخلاق در آمریکا

فوکویاما از جمله کسانی است که به فروپاشی اخلاق در غرب اعتراف کرده و در مقاله با عنوان «اخلاق و فرهنگ در آمریکا» می‌گوید: "ویلیام جی. بنت در سال ۱۹۹۴ کتابی را به عنوان نمایه شاخص‌های برجسته فرهنگی منتشر کرد و آمارهای مختلفی در باره گرایش‌های اجتماعی ارائه داد. بنت نشان داد که بین اواسط دهه ۱۹۶۰ و اوایل دهه ۱۹۹۰، سلامت اجتماعی آمریکا به صورت هولناکی وخیم بوده است. در دهه ۱۹۹۰، از

هر سه نوزاد آمریکایی یکی نامشروع متولد می‌شود. تقریباً یک سوم مردان آمریکایی آفریقایی تبار که بین ۲۰ تا ۲۹ ساله‌اند به نحوی گرفتار نظام عدالت جزایی می‌شوند و همچنین دانش‌آموزان آمریکایی شرکت کننده در المپیادهای جهانی در مقایسه با کشورهای صنعتی دیگر، نازلترین رتبه‌ها را اخذ می‌کنند. طبق استدلال بنت، هر چند آمریکاییان از لحاظ مادی ثروتمندتر از هر زمان دیگر هستند، در وضعیت وحشتناک فقر اخلاقی به سر می‌برند."

"از نگاه برخی آمریکاییان، آمریکا تنها کشوری نیست که مشمول این تحولات اجتماعی شده است؛ بلکه همه کشورهای صنعتی غیرسیاسی، شاهد اختلالات اجتماعی بسیار عظیمی در دهه ۱۹۹۰ بوده‌اند. من این پدیده را فروپاشی عمیق ارزش‌های اجتماعی غرب نامیده‌ام."

اکنون کسانی چون فوکویاما، هانتینگتون، مک لوهان و... هستند که سرنوشت غرب و میلیاردها انسان را با تصورات خام خود در دنیای لیبرال دموکراسی غرب به حراج گذاشته‌اند و سعی دارند موعود عصر جدید باشند اما نتیجه این تفکرات و نظریه‌ها تا الان استثمار ملت‌ها و نابودی فرهنگ‌ها و اشغال کشورها و کشته شدن صدها هزار انسان بیگناه و... بوده است.



DOWN WITH USA

● منابع:

۱. مقاله فوکویاما با عنوان پس از نو محافظه گرایی چاپ شده در نیویورک تایمز: ۱۹ فوریه ۲۰۰۶ قابل دسترسی در آدرس:

<http://www.liberaldemocrat-ir.com>

۲. مصاحبه فوکویاما با عنوان: آیا لیبرالیسم در نبرد با اسلام رادیکال است؟ قابل دسترسی در آدرس:

<http://www.washingtonprism.org/showarticle.cfm?id=26>

۳. مقاله تاریخ در پایان تاریخ نوشته فوکویاما ترجمه ابراهیم اسکافی قابل دسترسی در آدرس:

<http://world.iran-emrooz.net/index.php?/world/more/12519>

۴. مقاله اخلاق و فرهنگ در آمریکا؛ بنیان‌های متزلزل نوشته فوکویاما به نقل از ضمیمه روزنامه همبستگی، ۸۱/۱۱/۲۹

۵. مقاله پس از "پایان تاریخ" نوشته فرانسیس فوکویاما قابل دسترسی در:

<http://www.liberaldemocrat-ir.com/news.php?news=1119>

6. http://www.opendemocracy.net/democracy-fukuyama/revisited_3496.jsp

۷. مقاله "دکترین بوش در مورد تحول خاورمیانه شکست خورده است" نوشته فوکویاما قابل دسترسی در آدرس:

<http://www.soltv.net/articlesper/MR-07-01-19-Fukuyama.html>

۸. مصاحبه با فرانسیس فوکویاما. هفته نامه آلمانی زبان «اشترن». ترجمه این مصاحبه قابل دسترسی است در آدرس:

<http://jomhuri.com/a/04int/005455.php>



امام علی بن محمد الهادی علیه السلام در نیمه ذی الحجه سال ۲۱۲ ق نزدیک شهر مدینه در روستای صریا، چشم به دنیا گشود و در ماه رجب سال ۲۵۴ ق در سرمن رأی (سامرا) توسط معتز عباسی به شهادت رسید. ایشان پس از پدر بزرگوارش ۳۳ سال امامت شیعیان را بر عهده داشتند.^۱ نام مادر آن حضرت سمانه مغریبه بود؛ البته مدنب، حدیث و غزال هم گفته‌اند.^۲ لقب‌های آن حضرت را نقی، هادی، امین، طیب، ناصح، مرتضی و... ذکر کرده‌اند. کنیه‌اش ابوالحسن است و به ایشان ابوالحسن ثالث می‌گویند.^۳

امام هادی علیه السلام از آغاز امامت در مدینه حضور داشتند و در مدت اقامت در این شهر نقش بسیار مهمی در رهبری شیعیان ایفا کردند؛ به طوری که حکومت عباسی از موقعیت ممتاز امام احساس خطر کرده و حضور ایشان در مدینه را به صلاح ندانست، متوکل برای کنترل بیشتر امام علیه السلام تصمیم گرفت ایشان علیه السلام را از مدینه به سامرا منتقل کند. در سال ۲۳۳ ق بنابه گزارش‌هایی که جاسوسان از فعالیت‌های امام علیه السلام داده بودند، متوکل به یحیی بن هرثمه مأموریت داد تا این انتقال را انجام دهد. با ورود یحیی بن هرثمه به مدینه، مردم که سخت مشتاق و شیفته امام خود بودند، اعتراض خود را علنی کردند؛ به طوری که یحیی بن هرثمه اعلام کرد که کاری به امام علیه السلام ندارد و هیچ خطری امام علیه السلام را تهدید نمی‌کند. پس از مدتی به

* کارشناس تاریخ و مهدویت

۱. شیخ مفید، ارشاد، ص ۳۲۷.

۲. همان، ص ۳۰۷.

۳. حسینی، محمدرضا، تاریخ اهل

البيت علیهم السلام، ص ۱۲۳.

۴. مناقب آل ابی طالب علیهم السلام، ج ۴، ص ۴۰۱،

به کوشش محمدحسین دانش آشتیانی و

سید هاشم رسولی محلاتی.

بهاغه این که در منزل امام بر علیه حاکم عباسی سلاح جمع آوری می‌شود به خانه امام علیه السلام حمله بردند، ولی چیزی جز قرآن و ادعیه نیافتند. جالب اینکه خود یحیی بن هرثمه پس از بازگشت می‌گوید: «چیزی جز بزرگواری، ورع، زهد و شجاعت در او نیافتم».^۵

متوکل در ساعات اولیه ورود امام به سامرا به شکلی اهانت آمیز با امام برخورد کرد و نه تنها به استقبال حضرت نیامد، بلکه دستور داد ایشان را در محلی که مخصوص گداها بود و به «خان الصعاليك» شهرت داشت، وارد کنند. بعد از استقرار امام هادی علیه السلام در سامرا تمامی رفت و آمدها و ارتباطات امام تحت کنترل بود و به محض شنیدن اینکه امام علیه السلام از اموال و سلاح شیعیان نگهداری می‌کند، نظامیان شبانه به خانه امام علیه السلام هجوم می‌بردند؛ ولی چیزی به دست نمی‌آوردند.

در طول مدت حضور امام علیه السلام در سامرا هر روز بر عظمت و محبوبیت آن حضرت افزوده می‌گشت و همه ناخواسته در برابر امام علیه السلام متواضع و خاشع بودند و سخت محترمش می‌داشتند.^۶ البته نفوذ امام منحصر به شیعیان نبود و شامل درباریان عباسی هم می‌شد. حتی اهل کتاب هم به امام علیه السلام احترام می‌گذاشتند.

متوکل وقتی در اقدامات خود علیه امام علیه السلام ناکام ماند، به نزدیکان خود اعلام کرد که در کار امام هادی علیه السلام درمانده شده است؛ از این رو به محدودیت و فشار اکتفا نکرد و تصمیم به کشتن امام علیه السلام گرفت و حتی اقداماتی هم انجام داد؛ اما پیش از آنکه موفق شود، خود به هلاکت رسید.^۷

۵. ابن جوزی، تذکرة الخواص، ص ۳۵۹.

۶. اربلسی، کشف الغمّة، ج ۲، ص ۳۹۸؛

تحقیق سید هاشم رسولی.

۷. ابن طاووس، جمال الاسبوع بکمال

العمل المشروع، ص ۲۷ (به نقل از تاریخ

تشیع، ج ۱، ص ۲۹۲).

♦ برخی از اقدامات امام هادی علیه السلام

۱) ایجاد آمادگی فکری شیعیان جهت

ورود به عصر غیبت

فراهم کردن زمینه ورود شیعه به عصر غیبت، از اقدامات اساسی امامان شیعه علیهم السلام بود، که همواره شیعیان را متوجه این امر می‌کردند. در این راستا امام هادی علیه السلام هم اقداماتی انجام داده‌اند:

الف) بیان روایات فراوان در مورد فرا رسیدن و نزدیک بودن عصر غیبت؛

ب) بشارت به ولادت حضرت حجت ومخفی بودن ولادت و هشدار این که مبادا مخفی بودن باعث تردید شما شیعیان گردد؛

ج) کم کردن تماس مستقیم شیعیان با حضرت؛ به طوری که در سامرا مسائل شیعیان از طریق نامه یا نمایندگان حضرت پاسخ داده می‌شد؛ تا از قبل برای شرایط و تکالیف عصر غیبت و ارتباط غیر مستقیم با امام آمادگی داشته باشند؛^۸

د) تأیید برخی از کتب فقهی و اصول روایی شیعه

و) ارجاع سؤالات شیعیان به وکلا و توجیه وکلا نسبت به پرسش‌های شیعیان؛ با توجه به انحرافات و شبهات آن روز.

۲) مبارزه با انحرافات

غالیان کسانی بودند که بر مبنایی نادرست، امامان معصوم علیهم السلام را تا مقام خدایی (نعوذ بالله) بالا می‌بردند. امام هادی علیه السلام - همانند امامان قبلی - موضع خویش را در قبال آنان روشن می‌ساخت و آنان را از گروه شیعه نمی‌دانست و حتی در نامه‌های مختلف، غالیان را افرادی مشرک و کافر معرفی می‌فرمود و بیزاری خویش را از آنان به صورت آشکار اعلام می‌نمود.^۹

۸. محمد جواد طوسی، حیاة الامام

العسکری علیه السلام، صص ۳۲۵-۳۱۶ (با اندکی

تصرف و تلخیص).

۹. اختیار معرفة الرجال، ص ۵۱۹، (به نقل

از تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۴).

گروه دیگری از منحرفان، صوفیان بودند که معمولاً با کناره گیری از دنیا، به شکل ریاکارانه در مقابل امام هادی علیه السلام می ایستادند. امام هادی علیه السلام شیعیان را از نزدیک شدن و هم نشینی با آنان و ورود به جلسه هایشان به شدت برحذر می داشت و آنان را هم نشینان شیطان و نابود کننده پایه های دین و پیروان این گروه را نادانان می دانست و کسانی را که به آنها گرایش پیدا می کردند، احمق معرفی می فرمود.^۱

۳ تربیت نیرو و افراد شایسته

یکی از اقدامات و فعالیت های ائمه علیهم السلام پرورش شاگردان و افراد شایسته بوده است. امام هادی علیه السلام نیز با توجه به پراکندگی شیعیان در مناطق مختلف و وجود شبهات و انحرافات، نیروهایی را که استعداد های لازم را داشتند شناسایی کرده و آنان را جهت پیش برد اهداف اسلامی تربیت می فرمودند. این افراد افزون بر راویانی هستند که سخنان و روایات امام هادی علیه السلام را نقل می نمودند. برخی از این افراد همان کسانی هستند که وکالت آن حضرت را عهده دار بودند. برجسته ترین این افراد عبارتند از:

۱. عبدالعظیم حسنی (ره)، که مرقد وی در شهر ری می باشد و از یاران امام عسکری علیه السلام بوده است.
۲. حسن بن راشد، مشهور به ابوعلی و وکیل امام هادی علیه السلام بوده است.
۳. عثمان بن سعید عمری، که از یازده سالگی در محضر امام هادی علیه السلام بود و بعدها یکی از نایبان خاص امام زمان علیه السلام شده است.

۴ تقویت سازمان وکالت

با توجه به لزوم ارتباط بین رهبری و پیروان و پراکندگی شیعیان در اقصى نقاط بلاد اسلامی و با وجود خفقان عباسی و

۱. خوانساری، محمد باقر، روضات الجنات، صص ۱۳۵ - ۱۳۴، (به نقل از تاریخ تشیع، ج ۱، ص ۲۹۴).

لزوم حفظ شیعیان و از همه مهمتر با توجه به اینکه امام علیه السلام در حصر و تحت نظارت و کنترل بوده اند، خیلی از شیعیان در بلا تکلیفی به سر می بردند. به همین علت سازمان وکالت که به صورت مخفی شکل گرفته بود و از زمان امام صادق علیه السلام فعالیت خود را آغاز نمود، در دوران امام هادی علیه السلام نیاز به تمهیدات بیشتری داشت.

در زمان امام هادی علیه السلام شیعیان ایران، عراق، یمن و مصر ارتباط مستمر و خوبی با حضرت داشتند. وکلای امام علیه السلام علاوه بر جمع آوری خمس و ارسال آن به امام علیه السلام، در مسائل کلامی و فقهی نیز نقش سازنده ای داشته اند و در جا انداختن امامت امام بعدی و ورود شیعه به عصر غیبت، تلاش خستگی ناپذیری از خود به نمایش گذاشتند. (البته گاهی افرادی از این وکلا دستخوش انحراف از خط امام علیه السلام شده و مورد تکذیب آن حضرت هم واقع می شدند. در این شرایط کسان دیگری جایگزین آنها می شدند.)^۲

این شبکه ارتباطی چنان اهمیت داشت که متوکل را به فکر کنترل و نابودی آن انداخت و با تشکیل نیروهایی ویژه به دستگیری، شکنجه، حبس و شهادت برخی از وکلای امام علیه السلام در نقاط مختلف اقدام کرد؛ اما موفق نشد این شبکه گسترده را از میان بردارد.

۵ تبیین مقام شامخ امامت از طریق زیارت غدیریه و زیارت جامعه

در زمان امام هادی علیه السلام اصل امامت باید معرفی می گردید؛ چون ائمه علیهم السلام و فضائل و جایگاه ایشان رو به فراموشی می رفت. امام هادی علیه السلام پدران و اجداد گرامی خود را با بیان زیارات معرفی می کردند. مجموعه این زیارات و ادعیه به عنوان یک **دائرة المعارف** شیعه به حساب می آید و در بردارنده دلایل

۲. رسول جعفریان، حیات فکری و سیاسی امامان شیعه، ص ۵۱۳.

بسیار استوار در حقانیت ائمه اطهار و اهل بیت علیهم السلام می باشد.

الف) زیارت جامعه کبیره

این زیارت از مشهورترین، برترین و شناخته شده ترین زیارات ائمه علیهم السلام است. شیعیان نسبت به خواندن آن بخصوص روزهای جمعه توجه خاصی دارند. شیخ طوسی (ره) در التهذیب و شیخ صدوق (ره) در الفقیه آن نقل کرده اند. علامه مجلسی (ره) در مورد صحت سند آن - که به درجه قطع رسیده - می گوید: «این زیارت دارای بهترین سند، عمیق ترین مفهوم، فصیح ترین الفاظ، بلیغ ترین معنا و عالی ترین شأن است»^۳. امام هادی علیه السلام در این زیارت شاخصه ها و پایه های اصلی شیعه را بیان فرمودند.

ب) زیارت غدیریه

این زیارت به زیارت امیرالمؤمنین در عید غدیر خم معروف است. در سالی که معتصم امام علیه السلام را از مدینه به سامرا فراخواند، ایشان به زیارت امام علی علیه السلام در نجف اشرف رفته و این زیارت را قرائت کردند که در ضمن آن یکصد و پنجاه منقبت از مناقب امام علی علیه السلام بیان فرموده و از برخی مشکلات سیاسی و اجتماعی که ایشان را آزرده کرده بود، سخن گفتند.

این زیارت از زیباترین، اصیل ترین، بدیع ترین و پربارترین زیارت هاست. در زمانی این زیارت توسط امام هادی علیه السلام قرائت شد که امامت به فراموشی سپرده شده بود. امام هادی علیه السلام در ضمن زیارت با ترسیم مظلومیت امام علی علیه السلام و هشدار به مردم، آنان را از خواب غفلت بیدار می کند.

۳. مزارالبحار، به نقل از باقر شریف قرشی، زندگانی امام علی الهادی علیه السلام، صص ۱۶۸.



برای آقا

مهدی یاوران

بعد از ظهور آقا امام زمان علیه السلام، وقتی آقا از این شهر گذر می‌کنند جایی برای استراحت داشته باشند.

این خانه هم اکنون محلی شده است برای آموزش قرآن و معارف دینی.

عشق امام زمان چنان علیه السلام در وجود مرحوم حاجی... موج

می‌زد که اگر چه زمان ظهور را درک نکرد؛ ولی از خود یادگاری گذاشت برای آن زمان، و چه زیبا مهدی یاوران با امام زمانشان معامله می‌کنند، آیا از خود پرسیده‌ایم که برای امام زمان علیه السلام چه کرده‌ایم؟ و....

از سبزوار که خارج می‌شوید تابلویی را می‌بینید که نام شهر... نوشته شده است. وارد شهر می‌شوید. شهر بزرگی نیست. خانه‌ای نسبتاً بزرگ

که روی تابلوی سردر آن با خط سبز «بیت‌المهدی» نوشته شده بود توجهمان را جلب می‌کند، ناخودآگاه، به فکر فرو می‌رویم، ادامه نوشته تابلو را می‌خوانیم: بیت‌المهدی را حاج... وقف کرده است.

آری حاج...، منزل شخصی خویش را در سال ۱۳۸۰ مصادف با شب ضربت امیرالمؤمنین علیه السلام وقف امام زمان علیه السلام کرد.

حاج... خانه‌اش را با این نیت وقف کرده که

وقتی آقا از این شهر گذر می‌کنند جایی برای استراحت داشته باشند...

تولد آفتاب



سید محمد موسوی

سکوت همه جا را فرا گرفته بود و نفس‌ها در سینه حبس، همه منتظر بودند، صلوات قابله و گریه نوزاد سکوت منتظران را شکست. سرور و شادی همه را فرا گرفته بود. چه کسی این مژده را به سید می‌داد تا مژدگانی بگیرد. سراسیمه و دوان دوان یکی خود را به سید رسانید از دور فریاد می‌زد: سید! مژدگانی مژدگانی ...

سید مصطفی نام فرزندش را «روح الله» گذاشت و چه روز با برکتی روح الله به دنیا آمد روز میلاد مادرش فاطمه زهرا علیها السلام. روح الله در دامان خانواده ای که به علم و زهد شهرت داشت بزرگ شد. عشق به اهل بیت در اعماق وجودش کاشته شد و روز به روز بیشتر می‌شد، و او را در مسیر کسب معارف اهل بیت قرار داد و از او روح الله الموسوی الخمینی علیه السلام ساخت، بزرگ مردی که مسیر تاریخ ملتی را تغییر داد. روح الله الگوی مهدی زیستان و معیار مهدی یاوران است.^۱ خمینی کبیر که روح خدا در کالبد زمان بود خود را از جمله منتظران حضرت مهدی می دانست و چه زیبا این وظیفه را به سرانجام رسانید.

روح الله به اعتراف همه در خودسازی، مبارزه با نفس و... سرآمد همگان بود و در فراهم ساختن زمینه های ظهور حضرت از هیچ اقدامی فروگذار نکرد تا آنجا که دست به تشکیل «حکومت زمینه سازی» برای «حکومت جهانی امام مهدی علیه السلام» زد.

«انقلاب مردم ایران نقطه شروع انقلاب بزرگ جهان اسلام به پرچمداری حضرت حجت علیه السلام است که خداوند بر همه مسلمانان و جهانیان مشت نهد و ظهور و فرجش را در عصر حاضر قرار دهد».^۲

امام همگان را برای مهیا کردن قیام حضرت فرا می خواند و به فراهم کردن اسباب دعوت می نمود: «فراهم کردن اسباب این است که کار را نزدیک بکنیم» کار را همچون بکنیم که مهیا بشود عالم برای آمدن حضرت علیه السلام.^۳

رهبر کبیر انقلاب صاحب اصلی مملکت را ولی عصر علیه السلام می دانست و اعتقاد داشت چنان باید رفتار کرد که رضایت امام زمان علیه السلام را که رضایت خداست، جلب نمود.

اندیشه امام خمینی علیه السلام اندیشه «مهدی باوری»، «مهدی یآوری» و «مهدی زیستی» است و اکنون، زمان اقتداء به اندیشه‌ای است که متصل به دریای بیکران معارف اهل بیت علیهم السلام می باشد.

۱. روح الله، مهدی باور، مهدی یاور، مهدی زیست، مسعود پورسیدآقایی، ص ۹.

۲. صحیفه امام، ج ۲۱، ص ۳۲۷.

۳. همان، ج ۱۴، ص ۱۴۰.

محمدعلی رایگان

در جایی که امام زمان علیه السلام حضرت فاطمه زهرا علیها السلام را به عنوان الگوی خویش مطرح می‌فرماید، تکلیف امثال ما در لزوم الگوگیری از آن وجود نورانی مشخص است.

از این رو ابتدا باید ملاحظه کرد این اولین و تنهاترین مدافع ولایت و امامت دارای چه منزلتی است و سیره عملی آن بزرگوار در مواجهه با حوادث روزگار و مسائل زندگی چه بوده است؛ تا بتوان از آن حضرت در زندگی فردی و اجتماعی خود الگو گرفت.

فضائل حضرت فاطمه علیها السلام

۱ سرور زنان دو جهان

در احادیث فراوان؛ چه در منابع تشیع و چه در اهل سنت^۱ و در زیارات ائمه اطهار علیهم السلام، حضرت فاطمه علیها السلام به عنوان سیده النساء العالمین (سرور زنان دو عالم) نامیده شده است.

۲ حدیث کساء و منزلت حضرت زهرا علیها السلام

فرازهای حدیث شریف کساء^۲ عظمت وجودی سرور زنان دو عالم را روشن می‌نماید.

الف. معرفی اهل بیت علیهم السلام بر محور فاطمه توسط خداوند

آنگاه که خداوند اهل بیت را که در زیر کساء جمع شده بودند برای ملائکه معرفی می‌نماید می‌فرماید:

«هم، فَاطِمَةَ وَ أُبُوهَا وَ بَعْلَهَا وَ بَنُوَهَا؛ آنان، فاطمه و پدرش و شوهرش و فرزندانش هستند».

ب. حضرت فاطمه علیها السلام خیر دهنده اتفاقات آسمانها

مطلب مهمتر این که اگر کسی متن این حدیث را خوب مشاهده کند، می‌بیند اتفاقات و گفتگوهایی که در آسمانها می‌شود، همه از زبان فاطمه علیها السلام نقل شده است. این نشانه احاطه فاطمه علیها السلام به ملکوت آسمانهاست؛ آنجا که می‌فرماید: «يَا مَلَائِكَتِي وَ يَا سَكَّانَ سَمَاوَاتِي...؛ خداوند فرمود: ای فرشتگان و ای ساکنان آسمانها! یا آنجا که دارد... فَقَالَ الْأَمِينُ جِبْرَائِيلُ يَا رَبِّ...؛ جبرائیل گفت: ای خدا!...».



حضرت فاطمه علیها السلام

۲ همتایی برای امامت

رسول خدا ﷺ فرمود: «لَوْلَاكَ لَمَّا كَانَ لَهَا كُفُوٌ عَلَيَّ وَجْهَ الْأَرْضِ» «یا علی! اگر تو نبود، برای فاطمه علیها السلام همتایی در روی زمین نبود.»^۳

۴ لیلۃ القدر در قرآن

امام صادق علیها السلام فرمود: «... «لیل» فاطمه علیها السلام است و «قدر» خداوند عزوجل. پس کسی که فاطمه را (به تمام معنا) بشناسد - آنچنان که حقش هست - لیلۃ القدر را درک کرده است.»^۴

۵ الگو و مقتدای امامت

رسول اکرم ﷺ فرمود: «اقتدوا بالزهراء؛ از زهرا علیها السلام پیروی کنید.»^۵ حضرت حجت بن الحسن که خود الگوی جهانیان است، در روایتی حضرت فاطمه علیها السلام را الگوی خود معرفی می‌فرماید: «برای من در (وجود) دختر رسول خدا الگوی نیکویی است.»^۶

۶ حجت بر حجت‌های خدا

امام حسن عسگری علیها السلام فرمودند: «ما حجت خداوندیم بر خلائق و مادر ما فاطمه علیها السلام حجت خداست بر ما.»^۷

رابطه حضرت فاطمه علیها السلام با امام زمانش

۱ معرفت به مقام امامت

حضرت علی علیها السلام امام زمان حضرت فاطمه علیها السلام بوده است؛ از این رو حضرت فاطمه علیها السلام در معرفی علی علیها السلام به کسی که زبان سرزنش به علی علیها السلام گشوده بود، فرمودند: «... او امام ربانی و الهی، مرکز توجه همه عارفان و خداپرستان، فرزندی از خاندان پاکان، گوینده بحق، جایگاه

اصلی محور امامت و... است.»^۸

«پدران این امت، محمد ﷺ و علی علیهما السلام هستند؛ که کجی‌ها را راست و انحرافات را اصلاح می‌نمایند (اگر مردم اطاعتشان کنند) این دو [حضرت محمد ﷺ و امام علی علیهما السلام] آنان را از عذاب جاویدان نجات می‌دهند و اگر با ایشان موافق و همراه باشند، نعمت‌های پایدار خداوند را ارزانی شان می‌دارند.»^۹ این معرفت به امام زمان خود، ویژگی حضرت فاطمه علیها السلام است که آگاه به فلسفه امامت و ره آورد آن می‌باشد؛ از این رو در قسمتی از خطبه خویش در مسجد مدینه، یکی از فلسفه‌های امامت را خطاب به مهاجران و انصار چنین می‌فرماید: «خداوند اطاعت و پیروی از ما (اهل بیت) را سبب پایداری امت اسلامی و امامت و رهبری ما را عامل وحدت و در امان ماندن از تفرقه‌ها قرار داده است.»^{۱۰}

۲ همراه امامت

الف) همراهی به عنوان همسر

دخت گرامی پیامبر ﷺ در تمام لحظات عمر شریف خود در انجام وظایف خانوادگی و تربیتی و فراهم آوردن آسایش و آرامش خانه، کمک و همراه امام علی علیها السلام بود. و کانونی ملامال از محبت و مهربانی برای پرورش فرزندان چون امام حسن و امام حسین و زینب و ام‌کلثوم علیهم السلام فراهم آورده بود.

ب) همراهی به عنوان مأموم

فاطمه زهرا علیها السلام بعد از ماجرای غضب خلافت امیرالمؤمنین علیها السلام تا لحظه شهادتش هرگز سکوت نکرد و پا به پای

امام خود - آنجا که باید از امامت دفاع کند - حاضر شد؛ چه آنجا که بر در خانه‌های مهاجرین و انصار رفت و از آنان یاری طلبید^{۱۱} و چه در سخنرانی‌هایش، چه بیت‌الاحزان، چه وصیتش و... اینها همه نمونه‌هایی از همراهی فاطمه علیها السلام با امام زمانش می‌باشد.

براست تا با سرمشوق قرار دادن

مبارزات این سرباز حقیقی امام علی علیها السلام

به دفاع از فرزندش که امام عصر ماست بپردازیم و با شناخت موقعیت‌ها و شیوه‌های مناسب از وجود مبارک یوسف فاطمه علیها السلام دفاع نماییم.

۱. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۶۷ - صحیح بخاری (کتب اهل سنت)، ج ۸، ص ۷۸.
۲. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۳۴۹؛ شیخ عباس قمی، مفاتیح الجنان، حدیث کساء.
۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۰۷.
۴. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵.
۵. صدوق، معانی الاخبار، ص ۱۱۴.
۶. الغیبه طوسی، ص ۲۶۸.
۷. الکوثر، ج ۲، ص ۱۱۴.
۸. دشتی، فرهنگ سخنان حضرت فاطمه علیها السلام، به نقل از ریاحین الشیعه، ج ۱، ص ۹۳.
۹. همان.
۱۰. بحارالانوار، ج ۳، ص ۱۵۸ و معانی الاخبار، ص ۳۵۴ و کشف الغمّة، ج ۲، ص ۴۰.
۱۱. اختصاص، ص ۱۷۸ و بیت الاحزان، ص ۱۱۷.

نقش زنان و جایگاه

محسن دنیادیده

با نگرش دقیق می‌توان گفت در هیچ مکتب و گرایشی مانند مکتب اسلام حریم و حقوق زنان مورد حمایت قرار نگرفته است. در دیدگاه اسلام زن به عنوان شخصیتی گران بها در ابعاد مختلف ایفای نقش می‌کند، اما حریم و مدار او هرگز با مردان آمیخته نمی‌شود، مکان‌های عمومی، جلوه‌گاه جاذبه‌های جنسی او نیست؛ رسالت و ایفای نقش اجتماعی او، همسررداری، خانه‌داری و تربیت فرزند را کم‌رنگ نمی‌کند؛ میان افراط اختلاط و تفریط محدودیت، راه سوم «حریم» را در پیش گرفته است و غیرت و عفت او، راه هر گونه ابتذال جنسی و التذاذ را بر اغیار بسته است.

قرآن کریم زن را فوق مسایل گروهی و قبیله‌ای مطرح می‌سازد و به او شخصیتی جهانی می‌بخشد به گونه‌ای که زن نیک کرداری چون همسر فرعون را برای همه مؤمنان - اعم از مرد و زن - به عنوان الگو معرفی می‌نماید.^۱

در طول تاریخ اگر مردان نقش آفرین و تاریخ‌ساز را مشاهده می‌کنیم، در کنار آنان نقش زنانی موفق و تأثیرگذار را نیز نباید فراموش کنیم.

در همه انقلاب‌ها زنان تأثیر فراوانی در پیشبرد اهداف آن انقلاب داشته‌اند. انقلاب جهانی امام زمان علیه السلام - که اهداف همه انبیا و اولیای الهی به طور کامل در آن تحقق پیدا خواهد کرد - نیز از این مطلب مستثنا نخواهد بود و زنان نقش مؤثری در پیروزی حق بر باطل و تحقق دولت کریمه مهدوی ایفا خواهند کرد

در میان روایاتی که حضور و نقش زنان در حکومت امام زمان علیه السلام را مطرح می‌کنند، چند دسته از روایات بیشتر قابل توجه می‌باشند:

۱. روایاتی که بیانگر حضور ۵۰ زن در بین یاران اصلی امام زمان علیه السلام می‌باشد: امام باقر علیه السلام می‌فرماید:

«به خدا قسم سبصد و سیزده نفر می‌آیند، که پنجاه نفر از این عده زن هستند.»^۲

در روایات ۳۱۳ نفر را دستیاران و حکام حضرت معرفی می‌کنند: آنان وزیران اویند که از جانب او سنگینی بار حکومت را بر دوش می‌کشند» و «هُم النُّجَبَاءُ وَ الْقُضَاةُ وَ الْحُكَّامُ وَ الْفُقَهَاءُ فِي الدِّينِ». «آنان برترین‌ها، قاضیان، حاکمان و فقیهان در دین‌اند.»^۳

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: «در زمان حکومت مهدی علیه السلام به همه مردم حکمت و علم بیاموزند؛ تا آن جا که زنان در خانه‌ها با کتاب خدا و سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله قضاوت می‌کنند.»^۴

۲. روایاتی که حضور ۴۰۰ زن آسمانی را در حکومت حضرت مهدی (عج) مطرح می‌کنند:

از پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نقل شده است: «عیسی بن مریم به همراه هشتصد مرد و چهارصد زن از بهترین و شایسته‌ترین افراد، روی



آنان در حکومت امام زمان

زمین خواهد آمد.^۵

۳. رجعت زنان نیز در بعضی از روایات مطرح شده است:

امام صادق علیه السلام به مفضل بن عمر فرمودند: «همراه حضرت قائم علیه السلام سیزده زن هستند... گفتیم: آن سیزده نفر را نام ببرید. فرمود: قنوا دختر رشید، ام ایمن، حبابه والیه، سمیه مادر عمار یاسر، زبیده، ام خالد احمیه، ام سعید حنفیه، صیانه ماشطه و ام خالد جهنبیه»^۶
این افراد هر کدام در جهتی و عمدتاً در جهاد با دشمنان خدا از خود شایستگی‌هایی نشان داده‌اند. برخی از آنان مانند صیانه، مادر چند شهید بوده است و خود نیز با وضعی جانسوز به شهادت رسید.^۷

برخی چون سمیه در راه دفاع از عقیده خود سخت‌ترین شکنجه‌ها را تحمل کرده و تا پای جان از عقیده خود دفاع کرده‌اند.^۸
برخی نیز به خاطر پاکی و شایستگی‌هایی که در وجود خود داشته‌اند افتخار مصاحبت با پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و امامان معصوم علیهم السلام را در کارنامه خود دارند و مورد عنایات ویژه معصومان علیهم السلام قرار گرفته‌اند و ثابت کرده‌اند که در حکومت امام زمان علیه السلام نیز می‌توانند نقش آفرینی نمایند.

با توجه به روایاتی که بیان‌گر حضور زنان در حکومت امام زمان علیه السلام می‌باشد، نقش زنان را در موارد زیر می‌توان جستجو کرد:
نمایندگی از جانب جامعه زنان در حکومت حضرت مهدی علیه السلام، انجام فعالیت‌های فرهنگی و پاسخ‌گویی به مسائل شرعی بانوان، مدیریت و برنامه‌ریزی، پیام‌رسانی و برحذر داشتن مردم از فرهنگ شیطان‌ی دجال،^۹ مداوای زخمی‌ها و پرستاری از بیماران، رساندن مهمات و آب و غذا به رزمندگان، تشویق رزمندگان برای عزیمت به جبهه و تشویق آن‌ها در صحنه نبرد و روحیه بخشیدن به رزمندگان و...

از آن جا که یکی از مهم‌ترین راههای نقش آفرینی ایجاد الگوهای رفتاری است، این زنان می‌توانند برای بانوان عصر ما اسوه و الگوی رفتاری باشند. بانوان منتظر، نظیر دوران انقلاب و دفاع مقدس؛ می‌توانند با کسب ویژگی‌های بارز این بانوان سرافراز، خود را به قافله یاران حضرت مهدی علیه السلام نزدیک نمایند.

با مطالعه زندگی این بانوان نمونه به نکات مهم و ویژگی‌های بارزی برخورد می‌کنیم؛ مانند:

ایمان و عشق به خدا، امام‌شناسی و معرفت نسبت به حجت‌خدا، تولی و تبری، شهادت‌طلبی، صبر و استقامت در راه خدا، گذشتن از جان و مال و اولاد برای حفظ دین، عبادت و بندگی خالصانه خدا، آموختن احکام شرعی و آشنایی با مسائل حلال و حرام، انجام امور عام‌المنفعه و گره‌گشایی از کار مردم، ارتباط با قرآن کریم، تربیت فرزندان صالح و...



۱. تحریم / ۱۱.
۲. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۲۲۳، حدیث ۸۷.
۳. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۳۷.
۴. الغیبه نعمانی، ص ۲۳۹.
۵. معجم احادیث الامام المهدی، ج ۵، ص ۵۱۵.
۶. اثبات الهداة، ج ۷، صص ۱۵۰-۱۷۱.
۷. منهاج الديموع، ص ۹۳.
۸. سفینه البحار، ج ۴، ص ۳۰۳.
۹. کنز العمال، ج ۱۴، ص ۶۰۲.

آیه



﴿ قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ يَأْتِيكُمْ بِمَاءٍ مَّعِينٍ ﴾^۱

«بگو: به من خبر دهید اگر آب [آشامیدنی] شما [به زمین] فرو رود چه کسی آب روان برایتان خواهد آورد؟»

امام باقر علیه السلام در تفسیر این آیه فرمودند:

«این آیه درباره امام قائم علیه السلام نازل شده است. خداوند می‌فرماید: اگر امامتان از شما غایب شود و ندانید که او کجاست، چه کسی امام آشکاری برای شما خواهد آورد تا اخبار آسمان و زمین و حلال و حرام خداوند بلندمرتبه را برای شما بازگو کند؟ سپس فرمودند: به خدا سوگند تاویل این آیه هنوز نیامده است و ناگزیر خواهد آمد.»^۲

بی‌گمان تطبیق این آیه شریفه بر جریان غیبت امام مهدی علیه السلام و تأویل «ماء معین» به امام مهدی علیه السلام در کلام گهربار امام باقر علیه السلام نه از سر تعبد که به دلیل وجود پاره‌ای از همانندی‌های لطیف است. به اختصار برخی از آنها را مرور می‌کنیم:

۱ «وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ...»^۳ و هر چیز زنده‌ای را از آب پدید آوردیم.

نفس عیسوی امام مهدی علیه السلام نیز حیات‌بخش قلب‌های مرده انسان‌های آخرالزمان خواهد بود. امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه ﴿اعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ﴾^۴ بدانید که خدا زمین را پس از مرگش زنده می‌گرداند.

به راستی آیات [خود] را برای شما روشن گردانیدیم؛ باشد که بیندیشید». فرمودند: «خدای بلند مرتبه زمین را به واسطه قائم علیه السلام حیات می‌بخشد، بعد از اینکه مرده باشد و منظور از مردن آن کفر اهل زمین است و کافر همان مرده است.»^۹

۲ آب پاک و پاکیزه کننده است. امام مهدی علیه السلام نیز افزون بر اینکه به مقتضای «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيراً»^{۱۰} از هر آلودگی پاک و پیراسته است، هم چون آب ناب آلودگی‌ها را از قلب‌ها می‌زداید و تیرگی‌ها را از جانها می‌برد.

امام باقر علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ... وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ»^{۱۱} همانان که از این فرستاده، پیامبر درس نخوانده پیروی می‌کنند... او از [دوش] آنان قید و بندهایی را که بر ایشان بوده است بر می‌دارد» فرمود:

«و قائم علیه السلام (چون قیام کند) آنان را به کار پسندیده فرمان می‌دهد و از کار ناپسند باز می‌دارد...»^{۱۲} و از [دوش] آنان قیده‌ها را بر می‌دارد... و آنان را از بندها رها می‌سازد»^{۱۳}

۳ نیاز به آب همگانی است. هیچ موجود زنده‌ای را نمی‌توان یافت که از این مایه حیات بی‌نیاز باشد. همچنین است نیاز به امام زمان؛ چرا که همه انسان‌ها و لو در عمق دریا‌های دانش فرو رفته باشند و اوج کھکشانهای اندیشه را در نور دیده باشند، باز نه تنها دست نیازشان به آستان امام بلند است، بلکه نیازشان به امام، نیازی به اندازه اضطراب است؛ از این رو امام صادق علیه السلام فرمودند: «اگر در روی زمین جز دو نفر باقی نمانده باشند یکی از آنها حجت خواهد بود.»^{۱۴}

۴ آبی که طبیعت و سرشتش سرشار از لطافت است در گلستان شکوفه می‌رویانند و در شوره‌زار خس. همین گونه است وجود سرتاسر لطف امام مهدی علیه السلام که گرچه برای عموم انسان‌ها که از فطرت‌هایی پاک و طبع‌هایی مستقیم برخوردارند مایه فرحناکی و شادمانی است «ساکنان آسمان و زمین، پرندگان، حیوانات و ماهیان دریا از ظهور مهدی شادمان می‌شوند.»^{۱۵} اما برای دجال‌صفتان و سفیانی‌سیرتان که جان‌هایی شوره‌زار دارند، مایه عذاب است و نعمت. «این مبیذ العتاة و المردة. کجاست ریشه‌کن کننده سرکشان و گردنکشان؟!»^{۱۶}

۵ آب گرچه گاهی از بستر زمین ناپدید می‌شود؛ اما جریان زلال آن در اعماق زمین پیوسته برقرار است و زمین هرگز از نعمت آب محروم نخواهد شد؛ خواه در بستر آن و خواه در ژرفای آن. نحوه حضور امام زمان علیه السلام در کره زمین هم چنین است. آن حضرت اگر در عیان زمان و زمین مشهود نباشد در نهان آن پیوسته حاضر و ناظر است. «همانا زمین از حجت خالی نخواهد بود؛ چه آشکار و عیان و چه پوشیده و پنهان.»^{۱۷}

۶ فرو رفتن آب در ژرفای زمین هرگز به معنای بی‌خاصیت شدن آن نیست. درختانی که ریشه‌های سببر و کشیده دارند، می‌توانند پیوسته پیوند خود را با آب محفوظ بدارند و از زلال آن بنوشند؛ گرچه دست علف‌های سبک و بی‌ریشه از دامان آن محروم باشد. در عصر غیبت نیز آنانی که روح‌هایی بلند و ایمان‌هایی استوار دارند، می‌توانند از فیض حضور و برکات فراوان او بهره‌مند شوند. تنها انسان‌های بی‌ریشه‌اند که از این فیض محرومند؛ اگرچه آنها نیز به گونه‌ای دیگر بر سر خوان او نشسته‌اند و به یمن وجود او از نعمت‌های الهی بهره‌مند می‌شوند.

۱. ملک/۳۰.
۲. کمال الدین، ج ۱، باب ۳۲، حدیث ۳.
۳. انبیاء / ۳۰.
۴. حدید/۱۷.
۵. کمال الدین، ج ۲، باب ۵۸، ح ۱۳.
۶. احزاب / ۲۳.
۷. اعراف/۱۵۷.
۸. کافی، ج ۱، ص ۴۲۹، ح ۸۳.
۹. کافی، ج ۱، ص ۱۸۰.
۱۰. جامع البیان، ج ۱۵، ص ۱۷.
۱۱. دعای ندبه.
۱۲. نهج البلاغه، حکمت ۱۴۷.

جواد اسحاقیان درچه

دوستان ارجمند! این بار از بیماری مُسری خطرناکی صحبت می‌کنیم که خطر همه‌گیر شدن آن جدی است. مشکل اساسی که در مورد این بیماری وجود دارد آن است که ممکن است فرد حامل ویروس حتی تا زمان مرگ از آن بی‌خبر باشد و بدون آنکه بداند، روح معنوی خود را به کام مرگ بکشانند و در عین حال فکر کند در سلامتی کامل به سر می‌برد و به زعم خود واکسن‌های خود را به موقع زده و از انواع ویتامین‌ها هم استفاده کرده است.

«دلمردگی»، به سرعت در عصر غیبت در جوامع اسلامی و بین برخی متدینان شیوع پیدا کرده است؛ از این رو باید علائم آن را شناخت و حتی الامکان از محیط‌های آلوده دوری کرد.

○ شیوه عملکرد ویروس

شیوه عملکرد این ویروس بدین گونه است که از ناحیه توجیه وارد سلول‌های قلب می‌شود، سپس با دو ضلع تنبلی و ترس اثر هر گونه آنتی بیوتیک (اعم از غیرت دینی، روحیه جهادی، احساس وظیفه و...) را از بین می‌برد و گلبول‌های سفید را که از ناحیه وجدان وارد عمل می‌شوند، نابود می‌کند. از علائم بارز این بیماری آن است که فرد به محض مشاهده مشکلات این جمله را تکرار می‌کند. «خود آقا می‌آید درست می‌کند».

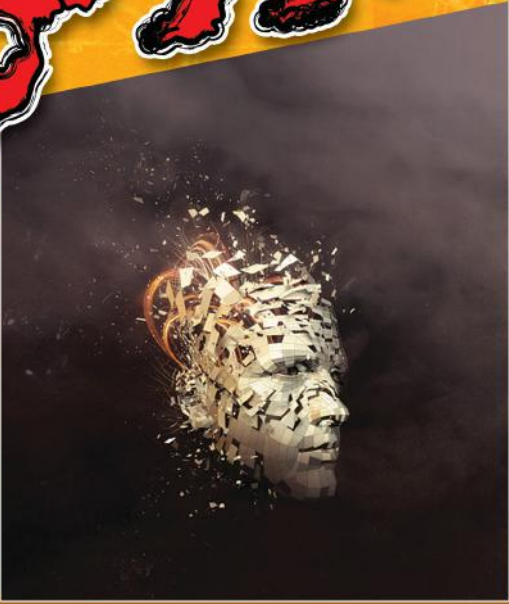
○ پیشگیری و درمان

قبل از هر چیز اعتراف و اقرار به وجود این بیماری می‌تواند باعث شود فرد به مراکز درمانی شخصی یا بیمارستان‌های علمی - پژوهشی مراجعه کند. بنابراین به افرادی که هنوز در مراحل اولیه بیماری هستند یا مبتلا نشده‌اند، توصیه می‌شود هر روز به محض آنکه با یک معضل اجتماعی روبرو شدند، این جمله را با خود نجوا کنند. «امام صادق علیه السلام فرمود: ظهور امام واقع نمی‌شود، مگر پس از ناامیدی، [واقع نمی‌شود] مگر آنکه [مردم] متمایز شوند. نه به خدا! مگر آنکه انسان



○ نشانه‌ها و علائم

در مراحل اولیه، فرد از اصلاح جامعه ناامید می‌شود و آن را وظیفه افراد یا گروه‌های خاص مذهبی می‌داند و در مراحل پیشرفته، ممکن است چنان از وضعیت فساد جامعه دچار یأس شود که هرگونه حرکت و فعالیت ولو از سوی دیگران را بی‌اثر و نوعی ساده لوحی تلقی کند. اما در مراحل حاد که حتماً فرد باید در بخش مراقبت‌های ویژه فکری بستری شود؛ بیمار دچار این توهم می‌شود، که در وضعیت خاص آخرالزمان گناهان و مفاسد اجتماعی امری عادی و طبیعی حساب می‌شود. متأسفانه



شقاوتمند و

سعادت‌مند، هر دو خود را نشان دهند.»^۱ (یعنی تا باطن انسان‌ها و سرشت نهانشان آشکار نشود و همه ویژگی‌هایی باطنی خویش را هویدا نکنند، ظهور اتفاق نمی‌افتد، یعنی انسان‌های مؤمن در اوج تلاش و فعالیت‌اند.)

براساس آزمایش‌های انجام شده مشخص شده است داروی فوق می‌تواند به عنوان مسکن موقت استفاده شود. البته به کسانی که در برابر برخی از روایات مقاوم

شده‌اند و به دلیل برخی توجیحات و... این دارو را نمی‌توانند مصرف کنند، توصیه می‌شود این آیه را قطره قطره در گوش جان بچکانند: «أَحْسِبِ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا آمَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ»^۲؛ آیا مردم گمان می‌کنند که همین‌که گفتند ایمان آورده‌ایم، رها می‌شوند و آزمایش نمی‌شوند.»

براساس گزارش‌هایی که رسیده است، تعدادی از کسانی که به این مرحله رسیده‌اند، با وجود شرکت در جلسات مذهبی و انجام عبادت‌های روزمره، بدون هیچ‌گونه احساس ناراحتی، وارد جو آلوده جامعه شده و تحت عنوان «به روز شدن» به ارتکاب یا حتی ترویج گناهان کشیده شده‌اند و گاهی تا آخر عمر با این ویروس همزیستی مسالمت‌آمیز دارند.

ساختار این ویروس به شکل مثلث، دارای سه ضلع (توجیه، تنبلی و ترس) است. ما نام آن را مثلث «ت» می‌گذاریم.

۱. الزام الناصب، ج ۱، ص ۲۶۱.

۲. عنکبوت / آیه ۲.

در ضمن قبل از مصرف این قطره، کسانی که به تفسیر آیات حساسیت دارند و به توجیه می‌پردازند، همزمان این جمله را به صورت شربت، اگر چه تلخ باشد، آرام بنوشند: «کلمه» (ناس، مردم) شامل همه مردم می‌شود و قرآن برای تمام زمان‌ها و از جمله عصر غیبت است و این آیه استثنا بردار نیست.»

در موارد ضروری که فرد در بخش مراقبت‌های ویژه قرار دارد، متخصصان از مسکن دیگری استفاده می‌کنند که باید به شکل آمپولی به تمام وجود فرد تزریق شود و هیچ‌گونه جای نگرانی نیست؛ زیرا این آمپول خارجی نیست و نیازی به مشابه آن نداریم و به مقدار کافی در تمام داروخانه‌های شخصی افراد وجود دارد، فرمول دارو این است: «بی گمان در زیور، پس از تورات، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند»^۱

پس از مصرف این آمپول، بیمار احساس می‌کند که با عادی حساب کردن گناه نمی‌تواند منتظر آقای خود محسوب شود. البته براساس تحقیقات انجام شده قرآن، کسانی که در اثر کثرت گناه به تکذیب قرآن روی آورده‌اند،^۲ جز با توبه نمی‌توانند از حالت کُما خارج شوند

اسلامی می‌پردازد و تنها راه را، بازگشتن به شرایط قبل از استریل کشور می‌داند و بدون اینکه به بررسی منصفانه مسائل بپردازد یا دستی برای حل برخی مشکلات بردارد، در نوع حاد آن، استریل انقلاب را بزرگترین بیماری مردم می‌پندارد.

برای کنترل یا درمان این بیماری و پیروسی، توصیه می‌شود قبل از هر چیز بیمار مدتی استراحت کند و زیر پتوی انصاف و وجدان فکر کند که، آیا محیط فعلی (تلاش برای عزت و استقلال و دینداری و...) بیشتر مورد پسند امام زمان است یا محیط قبلی.

همزمان با استراحت موارد زیر تجویز می‌شود:

۱. در هنگام درد، زیر آب ولرم خونسردی، قلب خود را ماساژ دهد و پس از آن یک قرص جوشان برای تقویت اعصاب مصرف کند. فرمول قرص چنین است «مردی از اهل قم مردم را به حق فرا می‌خواند. گروهی که دل‌های آنان چون پاره‌های آهن است، گرد او جمع

ملکت

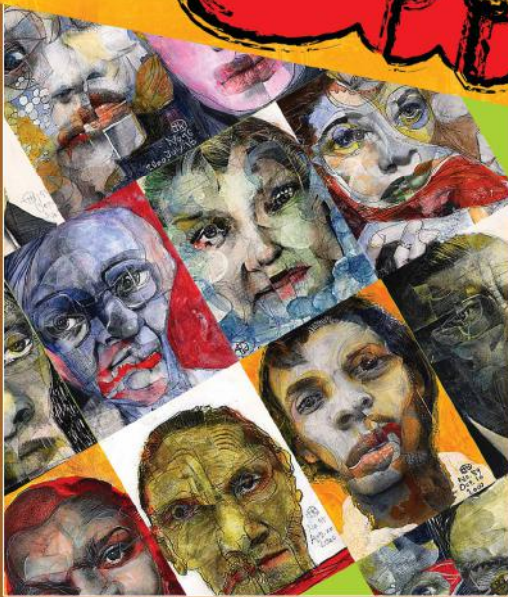
می‌شوند.

طوفان‌های سخت آنان را نمی‌لرزاند؛ از جنگ خسته نمی‌شوند و بی‌می به خود راه نمی‌دهند و بر خدا توکل می‌کنند؛ و عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۳

۲. عرق گیاهی با فرمول زیر که در صورت مصرف درست، علاوه بر نداشتن آثار منفی، حسن افتخار مذهبی و ملی را تقویت می‌کند.

«پرچمی از خراسان بیرون می‌آید، [حاملان آن پرچم] سفیانی را شکست می‌دهند؛ تا اینکه به بیت المقدس می‌رسند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند.»

امیدواریم با بسیج همگانی در مبارزه با این بیماری کشنده، در شرایطی قرار



و اکثر

بیماران در این مرحله خواهند مرد.

با وجود آنکه این ویروس در کشورهای دیگر نیز مشاهده شده است؛ اما چون گونه جهش یافته‌ای از آن در کشور عزیزمان یافت می‌شود، جا دارد که به این گونه خاص بپردازیم. با وجود محیط استریل شده‌ای که به برکت خون شهیدان و تلاش علما و تمام مردم، پس از انقلاب در کشورمان ایجاد شده، متأسفانه در اثر ورود توریست‌های بیمار

غربی و شرقی که حامل ویروس دلمردگی هم بوده اند، تعدادی از هم‌وطنان ما مبتلا به نوع جهش یافته آن شده‌اند. علامت بارز این بیماری آن است که فرد به محض مشاهده مشکلات مادی یا حتی معنوی یا تهدیدات دشمنان خارجی، به اظهار ناامیدی از حکومت

نگیریم که پس از ظهور امام زمان عجل الله فرجه با قلب‌های مرده و تاریک، انتظار زنده کردن چنین مردگان را از ایشان داشته باشیم و مطمئن باشیم که حضرت عیسی علیه السلام هم که به خدمت امام زمان می‌رسد، چنین مردگانی را زنده نخواهد کرد؛ زیرا این اموات، با این مرگ، انس گرفته‌اند و دوست ندارند زنده شوند.

۱. انبیاء/۱۰۵.

۲. روم: ۱۰ ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوْاى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾.

۳. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.



در ضمن قبل از مصرف این قطره، کسانی که به تفسیر آیات حساسیت دارند و به توجیه می‌پردازند، همزمان این جمله را به صورت شربت، اگر چه تلخ باشد، آرام بنوشند: «کلمه» ناس، (مردم) شامل همه مردم می‌شود و قرآن برای تمام زمان‌ها و از جمله عصر غیبت است و این آیه استثنا بردار نیست. در موارد ضروری که فرد در بخش مراقبت‌های ویژه قرار دارد، متخصصان از مسکن دیگری استفاده می‌کنند که باید به شکل آمپولی به تمام وجود فرد تزریق شود و هیچ‌گونه جای نگرانی نیست؛ زیرا این آمپول خارجی نیست و نیازی به مشابه آن نداریم و به مقدار کافی در تمام داروخانه‌های شخصی افراد وجود دارد، فرمول دارو این است: «بی‌گمان در زبور، پس از تورات، نوشتیم که زمین را بندگان شایسته من به ارث می‌برند»^۱ پس از مصرف این آمپول، بیمار احساس می‌کند که با عادی حساب کردن گناه نمی‌تواند منتظر آقای خود محسوب شود. البته براساس تحقیقات انجام شده قرآن، کسانی که در اثر کثرت گناه به تکذیب قرآن روی آورده‌اند،^۲ جز با توبه نمی‌توانند از حالت کُما خارج شوند

اسلامی می‌پردازد و تنها راه را، بازگشتن به شرایط قبل از استریل کشور می‌داند و بدون اینکه به بررسی منصفانه مسائل پردازد یا دستی برای حل برخی مشکلات بردارد، در نوع حادث آن، استریل انقلاب را بزرگترین بیماری مردم می‌پندارد. برای کنترل یا درمان این بیماری ویروسی، توصیه می‌شود قبل از هر چیز بیمار مدتی استراحت کند و زیر پتوی انصاف و وجدان فکر کند که، آیا محیط فعلی (تلاش برای عزت و استقلال و دینداری و...) بیشتر مورد پسند امام زمان است یا محیط قبلی. همزمان با استراحت موارد زیر تجویز می‌شود:

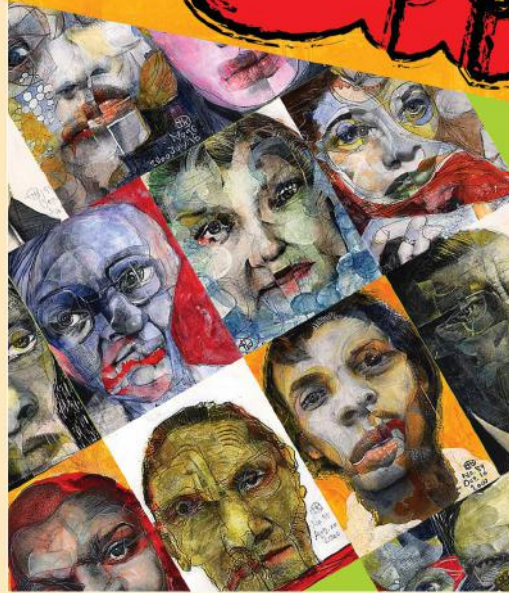
۱. در هنگام درد، زیر آب ولرم خونسردی، قلب خود را ماساژ دهد و پس از آن یک قرص جوشان برای تقویت اعصاب مصرف کند. فرمول قرص چنین است «مردی از اهل قم مردم را به حق فرا می‌خواند. گروهی که دل‌های آنان چون پاره‌های آهن است، گرد او جمع

ملکت

می‌شوند. طوفان‌های سخت آنان را نمی‌لرزاند؛ از جنگ خسته نمی‌شوند و بیمی به خود راه نمی‌دهند و بر خدا توکل می‌کنند؛ و عاقبت از آن پرهیزکاران است.»^۲

۲. عرق گیاهی با فرمول زیر که در صورت مصرف درست، علاوه بر نداشتن آثار منفی، حسن اقتخار مذهبی و ملی را تقویت می‌کند. «پرچمی از خراسان بیرون می‌آید، [حاملان آن پرچم] سفیانی را شکست می‌دهند؛ تا اینکه به بیت المقدس می‌رسند و زمینه حکومت مهدی را فراهم می‌سازند.»

امیدواریم با بسیج همگانی در مبارزه با این بیماری کشنده، در شرایطی قرار نگیریم که پس از ظهور امام زمان عجل الله فرجه با قلب‌های مرده و تاریک، انتظار زنده کردن چنین مردگان را از ایشان داشته باشیم و مطمئن باشیم که حضرت عیسی علیه السلام هم که به خدمت امام زمان می‌رسد، چنین مردگانی را زنده نخواهد کرد؛ زیرا این اموات، با این مرگ، انس گرفته‌اند و دوست ندارند زنده شوند.



و اکثر بیماران در این مرحله خواهند مرد. با وجود آنکه این ویروس در کشورهای دیگر نیز مشاهده شده است؛ اما چون گونه جهش یافته‌ای از آن در کشور عزیزمان یافت می‌شود، جا دارد که به این گونه خاص پردازیم. با وجود محیط استریل شده‌ای که به برکت خون شهیدان و تلاش علما و تمام مردم، پس از انقلاب در کشورمان ایجاد شده، متأسفانه در اثر ورود توریست‌های بیمار غربی و شرقی که حامل ویروس دلمردگی هم بوده‌اند، تعدادی از هم‌وطنان ما مبتلا به نوع جهش یافته آن شده‌اند. علامت بارز این بیماری آن است که فرد به محض مشاهده مشکلات مادی یا حتی معنوی یا تهدیدات دشمنان خارجی، به اظهار ناامیدی از حکومت

۱. انبیاء/۱۰۵.
 ۲. روم: ۱۰ ﴿ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ آسَأُوا السُّوْاىَ اَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللّٰهِ وَ كَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِؤْنَ﴾.

۳. بحارالانوار، ج ۶۰، ص ۲۱۶.

سیاست و مهدویت

مفهوم شناسی سیاست مهدوی

دکتر غلامرضا بهروزلک*

یکی از عرصه‌های مباحث مهدویت و مهدویت پژوهی، مطالعات سیاسی مهدویت می‌باشد. در سلسله مقالاتی که از این شماره ارائه خواهد شد، تلاش خواهیم کرد به بررسی ابعاد سیاسی-اجتماعی مهدویت در تفکر اسلامی بپردازیم.

سیاست مهدوی چیست؟

سیاست از جمله واژگانی است که در طول تاریخ بشری استعمال روزمره و فراوانی داشته است. شاید از نخستین مراحل زندگی اجتماعی بتوانیم واژگان مرتبط با آن را در فرهنگها و تمدنهای مختلف ببینیم. علاوه بر واژه سیاست، واژگانی چون ملک، حکومت و کشورداری، از جمله واژگانی هستند که در زبانهای رایج اسلامی - فارسی و عربی - به کار رفته‌اند. در تفکر غرب، سیاست با مفهوم شهر پیوند خورده است. بدین جهت واژه politics از واژه police به معنای شهر گرفته شده است. در زبانهای اسلامی نگاه به سیاست بیشتر تربیتی است و با جهت دهی به خیر و فضیلت همراه بوده است. برخلاف محوریت شهر و مدینه در ریشه واژه politics در غرب، واژه سیاست در زمینه عربی-اسلامی بیانگر تربیت و مدیریت است.

در تفکر اسلامی سیاست با تربیت و زمینه سازی رشد و ترقی قرین شده است و دلیل آن این است که ریشه سیاست در زبان عربی به معنای تربیت می‌باشد.

* عضو هیئت علمی دانشگاه باقرالعلوم.

در قرآن کریم، از واژه سیاست استفاده نشده است. به جای آن واژگانی چون ملک و حکم کاربرد گسترده‌ای دارند؛ ولی در متون روایی واژه سیاست کاربرد دارد. در مستندترین این متون در زیارت جامعه کبیره، ائمه معصومین علیهم‌السلام «ساسة العباد» خوانده شده‌اند. به هر حال امروزه واژه «سیاست» کاربرد گسترده‌ای در زبانهای اسلامی دارد.

البته پیش از تعریف «سیاست مهدوی» باید به این نکته توجه داشت که واژه سیاست در ادبیات امروز در دو معنا استفاده می‌شود. این واژه همانند واژه‌هایی چون اخلاق و تاریخ هم در معنای خود موضوع، عمل یا واقعه به کار می‌رود و هم نام یک رشته علمی است. لذا سیاست هم به معنای عمل و رفتار سیاسی است و هم نام یک رشته علمی. این واژه در کاربرد دوم به صورت کاملتر «علم سیاست» به کار می‌رود. پس ما می‌توانیم سیاست مهدوی را در هر دو کاربرد مورد توجه قرار دهیم. هم به معنای فعل سیاسی و نوعی رفتار در عرصه اجتماعی و هم به معنای علم سیاست مهدوی. در معنای اخیر مراد ما از سیاست مهدوی مجموعه آگاهی‌ها و دانش ما در باب چگونگی تنظیم امور سیاسی مرتبط با مهدویت خواهد بود. به بیان دیگر، علم سیاست با رویکرد مهدوی یا اسلامی به مطالعه رفتار سیاسی با صفت مهدوی می‌پردازد. از این رو ضرورت دارد تا به تعریفی از عمل و رفتار سیاسی با نگرش مهدوی بپردازیم. برای این منظور لازم است مروری اجمالی به تعاریف مختلف از عمل و رفتار سیاسی داشته باشیم.

تعاریف سیاست به عنوان یک رفتار، بسیار زیاد است و شاید بتوان گفت به تعداد کسانی که آن را تعریف کرده‌اند، تعاریف مختلفی از سیاست داریم. اما از منظر کلان این تعاریف را می‌توانیم در دو رویکرد تعاریف کلاسیک و تعاریف مدرن قرار دهیم.^۱

تعاریف کلاسیک

در نگرشها و تعاریف کلاسیک سیاست که از دوران باستان تا عصر رنسانس غربی را در بر می‌گیرد، نگرش به سیاست مبتنی به تنظیم زندگی جمعی برای نیل به فضیلت اخلاقی و سعادت می‌باشد. البته تفاسیر سعادت و فضیلت نیز مختلف بوده است؛ اما همگی تلاش داشتند سیاست را معطوف به سعادت و فضیلت بدانند. در قدیمی‌ترین تعاریف، ارسطو نخستین وظیفه مرد سیاسی را تأمل در فضیلت و اخلاق می‌داند.^۲ در سنت اسلامی نیز اخلاق فضیلت محور است. تعاریف مختلف اندیشمندان اسلامی بر این امر گواه است.

ابونصر فارابی، فیلسوف برجسته مسلمان و بنیانگذار فلسفه سیاسی اسلامی، در آثار خود غایت و هدف رابطه سیاسی یا فرمان دهی و فرمان بری را آن می‌داند که در پرتو آن بتوان به سعادت حقیقی رسید. چنین سیاستی سیاست مدینه فاضله خواهد بود. اما اگر غایت سیاست سعادت حقیقی نباشد، چنین جامعه‌ای جاهله خواهد بود.^۳ فیض کاشانی نیز معتقد است: «سیاست عبارت است از تسویس و تربیت انسان‌ها در جهت رسیدن به صلاحیت کمالی آنها و تدبیر و کشاندن آنها به طریق خیر و سعادت».^۴

تعاریف مدرن

برخلاف رویکرد فضیلت‌گرایانه به سیاست در نگرشهای کلاسیک با ورود به عصر مدرن غرب، سیاست رویکرد فضیلت‌محورانه خویش را از دست می‌دهد و آموزه‌های اومانیزم و سکولاریسم غربی سبب می‌شوند سیاست صرفاً، به تنظیم امور دنیوی مردم یا همان رابطه قدرت متمرکز شود و در زندگی اجتماعی سعادت را امری فردی و حاشیه‌ای قرار دهد. اوج این

نگرش به سیاست را می‌توان در تعریف هارورد لاسول یافت. از نظر وی «سیاست علمی است که به ما می‌آموزد چه کسی می‌برد؟ چه می‌برد؟ کجا می‌برد؟ و چرا می‌برد؟».^۵ برتراند راسل نیز سیاست را همان قدرت دانسته و آن را به عنوان «پدید آوردن آثار مطلوب» تعریف می‌کند.^۶

سیاست مهدوی

سیاست مهدوی را باید جزو رویکردهای کلاسیک به سیاست قرار دهیم. سیاست مهدوی بر مبنای سنت سیاسی اسلام سعادت را غایت خویش قرار می‌دهد. شاید بتوان در متون مهدویت، برجسته‌ترین تعبیر را از سیاست مهدوی در دعای افتتاح یافت. در این دعا سیمای دولت کریمه مهدوی به زیبایی ترسیم شده است:

«اللَّهُمَّ إِنَّا نَرْعَبُ إِلَيْكَ فِي دَوْلَةِ كَرِيمَةٍ تُعَزُّ بِهَا الْإِسْلَامَ وَ أَهْلَهُ وَ تُدَلُّ بِهَا النَّفَاقَ وَ أَهْلَهُ وَ تَجْعَلُنَا فِيهَا مِنَ الدُّعَاةِ إِلَى طَاعَتِكَ وَ الْقَادَةِ فِي سَبِيلِكَ وَ تَرْزُقُنَا بِهَا كَرَامَةَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ. خَدَايَا! مَا بِه سَوِي تَو رَغْبَت دَارِيم در دولت کریمه‌ای که اسلام و مسلمانان عزت یافته و نفاق و منافقان دچار ذلت می‌شوند. که ما را در آن دولت از دعوت کنندگان به طاعت خویش و راهنمایان به راه خویش قرار دهی و بدین وسیله کرامت دنیا و آخرت را به ما عطا کنی».^۷

واقعا نمی‌توان سیمای سیاست مهدوی را از این زیباتر توصیف کرد. بنابراین سیاست مهدوی سیاستی است که به سمت سعادت و کرامت انسانی جهت‌گیری نموده است. جالب اینجاست که چنین کرامت و سعادت با مقام عبودیت و اطاعت از ذات اقدس الهی و هدایت مردم به راه خداوند حاصل می‌شود. پس سیاست مهدوی را چنین می‌توان تعریف کرد: «سیاست مهدوی، سیاستی است که به سوی تأمین سعادت و کرامت انسانی در پرتو عبودیت خداوند و با راهنمایی امام برگزیده جهت‌گیری شده است.»

قم: نشر بیدار، ۱۴۱۸ ق، ج ۱، ص ۳۴۰.

۵. جلال الدین مدنی، مبانی و کلیات علوم سیاسی، تهران: نشر

اسلامیه، ۱۳۷۲، ج ۱، ص ۸.

۶. برتراند راسل، قدرت، ترجمه نجف دریا بندری، تهران:

نشر خوارزمی، ۱۳۶۱، ص ۲۱۷.

۷. دعای افتتاح.

۱. ویلیام. تی بلوم، نظریه‌های نظام سیاسی، ترجمه احمد تدین،

تهران: نشر آران، ۱۳۷۳، ج ۱، فصل اول.

۲. ارسطو، اخلاق نیکو ماخوس، ترجمه محمد حسن لطفی،

تهران: نشر طرح نو، ۱۳۷۸، ص ۴۶.

۳. ابونصر فارابی، احصاء العلوم، ترجمه حسین خدیوچم،

تهران: نشر بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۴۸، صص ۱۰۸-۱۰۷.

۴. ملامحسن فیض کاشانی، علم الیقین، تعلیق محسن بیدارفر،

عشق

(۲)

عاشقانه

قسمت چهارم

دکتر محمود رفیعی*

غربت و غیبت امام عصر علیه السلام در شعر فارسی

روی تو کس ندیدد و هزارت رقیب هست
مُردیم از فراق تو ای عیسی زمان
هرجا روم از تو که دور از تو کس مباد
دوری ز خدمت تو ز نقصانِ شوق ماست
اظهار شوق این همه از «فیض» هرزه نیست
در پرده‌ای هنوز و صدمت عندلیب هست
ایا زخوان وصل تو ما را نصب هست؟
لیکن امید وصل توام عنقریب هست
دردا که درد نیست و گرنه طیب هست
هم قصه غریب و حدیث عجیب هست
ملا محسن فیض کاشانی

سخن ما در باب حضرت معشوق پرده نشین علیه السلام از وادی‌های تحقق عاشقی گذشت و به وادی دیگری قدم نهاد به نام «عشق غایبانه». در شماره پیشین در خصوص یکی از ابعاد عشق غایبانه، با یکدیگر، به اندازه صبر و حوصله و وقتمان سخن گفتیم. اینک به حول و قوه الهی، کلام خودمان را درباره عشق غایبانه و ابعاد مختلف آن پی می‌گیریم.

● اصل سنخیت عاشق و معشوق

یکی دیگر از ابعاد عشق غایبانه، اصل سنخیت بین محب و محبوب است. آنهایی که دستی در عشق دارند و در پیش ادیب عشق و در مکتب عاشقی، درس‌ها آموخته‌اند، اصل سنخیت را قوی‌ترین عامل برای تحقق عاشقی و معشوقی و دوام و بقای عشق می‌دانند. از کلام نورانی ائمه معصومین علیهم السلام در می‌یابیم، همه کسانی که به امامان معصوم علیهم السلام و به چهارده انسان کامل و برگزیده خداوند، عشق می‌ورزند، همگی آن‌ها، از جنس معشوق‌نازنین خویش‌اند و خدای حکیم، عاشقانِ اهل بیت علیهم السلام را از جنس معشوقان آفریده است. گوش جان می‌سپاریم به سخن مولایمان حضرت

باقرالعلوم علیه السلام درباره سنخیت عاشقان اهل بیت علیهم السلام با محبوبان ازلی و ابدیشان: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلَّيْنِ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا وَ خَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونَ ذَلِكَ فَقَلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا»^۱.

همانا خداوند ما را از اعلی‌علین آفرید و دل‌های شیعیان ما را از آن چه ما را آفریده، آفرید؛ و پیکرهایشان را از درجه پایینش آفرید؛ از این رو دل‌های شیعیان به ما متوجه است؛ زیرا از آنچه ما آفریده شده‌ایم آفریده شده‌اند.

به فرموده جناب لسان الغیب، حافظ شیرازی:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست؟

سخن امام باقر علیه السلام دارای اسرار و حکمت‌ها و نکته‌های لطیفی است که به برخی از آن‌ها، اشاره می‌کنیم:
(الف) شیعیان اهل بیت با امامان معصوم و محبوبشان از یک جنس آفریده شده‌اند؛

(ب) اصل سنخیت بین عاشق و معشوق در خصوص ما و اهل بیت علیهم السلام ساری و جاری است؛

(ج) شیعیان، تنها عاشقان صادق و واقعی اهل بیت علیهم السلام هستند؛ [آنکه رفتار و عملی هم‌سخن با اهلبیت علیهم السلام دارد]

(د) این عشق، از نوع عشق غایبانه است که بی‌حضور عاشق، تحقق پیدا می‌کند؛

(ه) این عشق، نامیراست؛ تا زمانی که اصل سنخیت پابرجاست؛ رابطه عاشقانه عاشق و معشوق هم به قوت خود باقی است. ریشه این عشق در آگست و ادامه اش در دنیا و حاصلش در جهان آخرت است.

از ازل بست دلم با سر زلفت پیوند

تا ابد سر نکشم و ز سر پیمان نروم

حافظ

از جناب جلال الدین مولوی می‌توان سخن‌های بسیاری درباره

*. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

عشق غایبانه (۲)

قسمت چهارم

دکتر محمود رفیعی*

غربت و غیبت امام عصر علیه السلام در شعر فارسی

روی تو کس ندیدد و هزارت رقیب هست
 مُردیم از فراق تو ای عیسی زمان
 هر جا روم از تو که دور از تو کس مباد
 دوری ز خدمت تو ز نقصانِ شوق ماست
 اظهار شوق این همه از «فیض» هرزه نیست
 در پرده‌ای هنوز و صدمت عندلیب هست
 آیا زخوانِ وصل تو ما را نصب هست؟
 لیکن امید وصل توام عنقریب هست
 دردا که درد نیست و گرنه طیب هست
 هم قصه غریب و حدیث عجیب هست
 ملا محسن فیض کاشانی

سخن ما در باب حضرت معشوق پرده نشین علیه السلام از وادی‌های تحقق عاشقی گذشت و به وادی دیگری قدم نهاد به نام «عشق غایبانه». در شماره پیشین در خصوص یکی از ابعاد عشق غایبانه، با یکدیگر، به اندازه صبر و حوصله و وقتمان سخن گفتیم. اینک به حول و قوه الهی، کلام خودمان را درباره عشق غایبانه و ابعاد مختلف آن پی می‌گیریم.

● اصل سنخیت عاشق و معشوق

یکی دیگر از ابعاد عشق غایبانه، اصل سنخیت بین محب و محبوب است. آنهایی که دستی در عشق دارند و در پیش ادیب عشق و در مکتب عاشقی، درس‌ها آموخته‌اند، اصل سنخیت را قوی‌ترین عامل برای تحقق عاشقی و معشوقی و دوام و بقای عشق می‌دانند. از کلام نورانی ائمه معصومین علیهم السلام در می‌یابیم، همه کسانی که به امامان معصوم علیهم السلام و به چهارده انسان کامل و برگزیده خداوند، عشق می‌ورزند، همگی آن‌ها، از جنس معشوق نازنین خویش‌اند و خدای حکیم، عاشقانِ اهل بیت علیهم السلام را از جنس معشوقان آفریده است. گوش جان می‌سپاریم به سخن مولایمان حضرت

باقرالعلوم علیه السلام درباره سنخیت عاشقان اهل بیت علیهم السلام با محبوبان ازلی و ابدیشان: «إِنَّ اللَّهَ خَلَقَنَا مِنْ أَعْلَى عَلَّيْنِ وَ خَلَقَ قُلُوبَ شِيعَتِنَا مِمَّا خَلَقْنَا وَ خَلَقَ أَبْدَانَهُمْ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَقُلُوبُهُمْ تَهْوِي إِلَيْنَا لِأَنَّهَا خُلِقَتْ مِمَّا خَلَقْنَا»^۱.

همانا خداوند ما را از اعلی‌علین آفرید و دل‌های شیعیان ما را از آن چه ما را آفریده، آفرید؛ و پیکرهایشان را از درجه پایینش آفرید؛ از این رو دل‌های شیعیان به ما متوجه است؛ زیرا از آنچه ما آفریده شده‌ایم آفریده شده‌اند.

به فرموده جناب لسان الغیب، حافظ شیرازی:

آن کس است اهل بشارت که اشارت داند

نکته‌ها هست بسی محرم اسرار کجاست؟

سخن امام باقر علیه السلام دارای اسرار و حکمت‌ها و نکته‌های لطیفی است که به برخی از آن‌ها، اشاره می‌کنیم:

(الف) شیعیان اهل بیت با امامان معصوم و محبوبشان از یک جنس آفریده شده‌اند؛

(ب) اصل سنخیت بین عاشق و معشوق در خصوص ما و اهل بیت علیهم السلام ساری و جاری است؛

(ج) شیعیان، تنها عاشقان صادق و واقعی اهل بیت علیهم السلام هستند؛ [آنکه رفتار و عملی هم‌سنخ با اهلیت علیهم السلام دارد]

(د) این عشق، از نوع عشق غایبانه است که بی‌حضور عاشق، تحقق پیدا می‌کند؛

(ه) این عشق، نامیراست؛ تا زمانی که اصل سنخیت پابرجاست؛ رابطه عاشقانه عاشق و معشوق هم به قوت خود باقی است. ریشه این عشق در آگست و ادامه اش در دنیا و حاصلش در جهان آخرت است.

از ازل بست دلم با سر زلفت پیوند

تا ابد سر نکشم و ز سر پیمان نروم

حافظ

از جناب جلال الدین مولوی می‌توان سخن‌های بسیاری درباره

*. عضو هیئت علمی دانشگاه علامه طباطبایی.

۱. اصول کافی، ج ۱، ص ۳۹۰.

عشق غایبانه

بَيْنَهُمْ وَ... وَ أَدْخَلَهُمُ الْجَنَّةَ وَ رَزَقَهُمُ مِنَ النَّارِ وَ لَأَ تَجْمَعُ بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَغْدَانِنَا فِي سَخَطِكَ^۱

پروردگارا! شیعیان ما از شعاع انوار ما، و باقی مانده گل ما آفریده شده اند؛ و آن‌ها براساس تکیه بر محبت و ولایت ما، [پنداشته‌اند که صرف محبت کافی است] گناهان بسیاری را انجام داده‌اند.

اگر گناهان آن‌ها، بین تو و آن‌ها مانع ایجاد کرده، از آنان درگذر. ما از ایشان خشنود شده‌ایم و خطاهایی را که بین خودشان مرتکب شده‌اند...، برایشان ببخشای و آنان را در بهشت وارد ساز و از دوزخ دورگردان و آنها را شامل غضبی که بر دشمنانمان روا می‌داری قرار نده.

دعای حضرت ولی عصر علیه السلام درباره شیعیان و مجانبش دارای اسرار و حکمت‌های بسیاری است که به برخی از آن‌ها، اشاره می‌کنیم:

الف) امام مهدی علیه السلام شیعیان را به خودشان نسبت می‌دهند و از آنان به «شیعیان ما» یاد می‌فرماید. کلام اسرار آمیز امام زمان علیه السلام این معنا را بر صاحبان بصر و نظر، آشکار می‌سازد که عاشق از معشوق و معشوق از عاشق جدا نیست.

ما وقتی می‌گوییم، بین ما و امام زمان علیه السلام اصل سنخیت برقرار است؛ این سخن، باطنی هم دارد آن معنا این است که هم عاشق، معشوق را به سوی خود جذب می‌کند و هم معشوق عاشق خود را به سوی خود می‌کشد.

حال به سخن مولانا جلال الدین در این باره گوش فرا می‌دهیم:

هیچ عاشق خود نباشد وصل جو

که نه معشوقش بود جویای او

چون درین دل، برق مهر دوست جست

اندر آن دل، دوستی می‌دان که هست

در دل تو، مهر حق چون شد دو تو

هست حق را بی‌گمان، مهر تو

هیچ بانگ کف زدن ناید بدر

از یکی دست تو، بی‌دست دگر

۱. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۳۰۲.

۲. در قرآن و روایات این راه غلط به عنوان «امانی» (امید کاذب) و آرزوگرایی بی عمل نام برده شده است (رک: فصلنامه انتظار، ش ۱۵، اندیشه مهدویت و آسیب‌ها، محمدصابر جعفری).

سنخیت عاشق و معشوق شنید. آن عارف بزرگ، می‌فرماید: آن چه در پهن دشت کائنات، موجودات و از جمله آدمیان را به سوی هم جلب و جذب می‌کند و آن‌ها را نسبت به هم مشتاق و عاشق می‌کند، سنخیتی است که بین آن دو وجود دارد.

طیبات از بهر که؟ لطیبن

خوب، خوبی را کند جذب از یقین

در هر آن چیزی که تو ناظر شوی

می‌کند با جنس، سیرای معنوی!

در جهان، هر چیز، چیزی جذب کرد

گرم را گرمی کشید و سرد سرد

قسم باطل، باطلان را می‌کشد

باقیان را می‌کشند، اهل رشد

ناریان، مرناریان را جاذبند

نوریان، مرنوریان را طالبند

صاف را هم صافیان طالب شوند

درد را هم تیرگان جاذب بوند

مثنوی معنوی، دفتر دوم

از کلام مولوی، می‌توان این نکته لطیف عاشقان را آشکارا فهمید که: علت عشق و محبتی که بین عاشقان امام دوازدهم علیه السلام وجود دارد، سنخیتی است که خدای سبحان و حکیم بین آن دو برقرار کرده است.

● کلام امام زمان علیه السلام درباره سنخیت عاشق و معشوق

سید بن طاووس از علمای ربانی شیعه، در یکی از شب‌ها به سوی سرداب مقدس روانه می‌شود تا بلکه نشانی از یوسف فاطمه علیهما السلام بیاید.

وقتی سید داخل سرداب می‌شود چشمانش به جمال جمیل حضرت حجت علیه السلام روشن می‌گردد. حضرت صاحب الزمان علیه السلام در آن نیمه‌های شب در حالی که محبان و شیعیانش در خواب آسوده آرمیده‌اند، برای بخشوده شدن آنان از گناهانشان در پیشگاه خداوند سبحان، دعا می‌کند و از خدای مهربان نجات و سعادت شیعیانش را مسألت می‌کند.

«اللَّهُمَّ إِنَّ شِيعَتَنَا خُلِقَتْ مِنْ شُعَاعِ أَنْوَارِنَا وَ بَقِيَّةِ طَيْبَتِنَا وَ قَدْ فَعَلُوا ذُنُوبًا كَثِيرَةً أَتَكَالًا عَلَيَّ حَبْنًا وَ وِلَايَتَنَا فَإِنْ كَانَتْ ذُنُوبُهُمْ بَيْنَكَ وَ بَيْنَهُمْ فَاصْفَحْ عَنْهُمْ فَقَدْ رَضِينَا وَ مَا كَانَ مِنْهَا فِيمَا بَيْنَهُمْ فَاصْلِحْ

عشق غایبانه

تشنه می‌نالد که‌ای آب گوار
 آب هم نالد که کو آن آب‌خوار؟
 جذب آبست این عطش در جان ما
 ما از آن او و او هم آن ما
 حکمت حق در قضا و در قدر
 کرد ما را عاشقان هم دگر
 جمله اجزای جهان ز آن حکم پیش
 جفت جفت و عاشقان جفت خویش
 هیچ بانگ کف زدن ناید بدر
 راست همچون کهربا و برگ کاه

مثنوی معنوی - دفتر چهارم

ب) عاشقان و شیعیان امام عصر علیه السلام از جنس معشوق خودشان هستند و امام پرده نشین علیه السلام به صراحت به این نکته لطیف عاشقانه و عارفانه اشاره فرموده است.

ج) هر عاشقی که دل در گرو مهر حضرت مهدی علیه السلام دارد، دارای دو «من» است. ۱) من زمینی ۲) من آسمانی
 من زمینی و یا ملکی، روی به جهان طبیعت دارد؛ و من آسمانی و ملکوتی سر سوی جهان غیب دارد.

عُمان سامانی از عرفای شاعر شیعی در مقدمه منظومه گنجینه الاسرار خویش، از وجود این دو من انسانی پرده برداشته است و معتقد است که من آسمانی، همیشه پُر خروش و طوفنده در جست‌وجوی معشوق، لحظه‌ای آرام ندارد و همه جا نام معشوق را فریاد می‌زند.

کیست این پنهان مرا در جان و تن
 کز زبان من همی گوید سخن؟

این که گوید از لب من، راز کیست؟
 بنگرید این صاحب آواز کیست؟

در من این سان خودنمایی می‌کند
 ادعای آشنایی می‌کند

کیست این گویا و شنوا در تنم؟
 باورم - یا رب - نیاید کین منم

در سخنی که از مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام شنیدیم، در می‌یابیم که: من زمینی شیعیان حضرت مهدی علیه السلام از باقی مانده گل محبوب پرده نشینان آفریده شده است. (و بَقِيَّةَ طَيْبَتِنَا)

۱. گنجینه‌الاسرار، عُمان سامانی.

در سخنی که از مولایمان حضرت ولی عصر علیه السلام شنیدیم، در می‌یابیم که: من زمینی شیعیان حضرت مهدی علیه السلام از باقی مانده گل محبوب پرده نشینان آفریده شده است. (و بَقِيَّةَ طَيْبَتِنَا) من آسمانی شیعیان نیز از انوار تابناک مولایمان حضرت صاحب الزمان علیه السلام به وجود آمده است. (خُلِقْتُ مِنْ شُعَاعِ اَنْوَارِنَا)

د) هم جسم شیعیان امام زمان دارای ارزش بسیار است و هم روح و جان آنها، بهای جسم شیعیان حضرت مهدی، بهشت الهی است و بهای روح و جانشان لقای خدای متعال و همجواری و همنشینی با معشوق مهربانشان می‌باشد. لذا هیچ عاشقی، خود را به کمتر از معشوقش نمی‌فروشد.

اصل سنخیت، این نکته بدیع و لطیف را بر ما آشکار می‌سازد، همان‌گونه که عاشق در جستجوی معشوق خویش است و در طلب دیدار وی است، معشوق نیز طالب دیدار عاشق خود است و این عطش در وجود هر دوی آنها برای دیدار یک دیگر موج می‌زند.

در این باره به سخنان جناب مولوی، گوش جان می‌سپاریم:
 همین بیای طالب دولت شتابان

که فتوحست این زمان و فتح باب
 جهد کن تا این طلب افزون شود

تا دلت زین چاه تن بیرون شود
 ای که تو طالب نه ای، تو هم بیا

تا طلب یابی ازین یار وفا
 حاصل آن که هر که او طالب بود

جان مظلوش در او راغب بود
 آب در جو زان نمی‌گیرد قرار

زان که آن جو نیست تشنه و آب خوار
 تشنه می‌نالد که‌ای آب گوار

آب هم نالد که کو آن آب خوار؟
 تشنگان گر آب جویند از جهان

آب هم جوید به عالم تشنگان
 کین طلب در تو گروگان خداست

زان که هر طالب به مظلوبی سزاست
 مثنوی معنوی دفتر چهارم و پنجم

سنخن در خصوص عشق غایبانه و ابعاد مختلف آن، هم چنان سردراز دارد. ادامه کلام را به زمانی دیگر و جلسه‌ای دیگر موکول می‌کنیم.

دل نوشته

● عشق

مسیرمان را یافته‌ایم: مصلح بودن اما پیش شرط آن، بر دوشمان سنگینی می‌کند: صالح گشتن.

و چیزی غریب و سخت خواهد بود وصول آن، اگر ابزار آن نباشد.

محبوب می‌فرماید: «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ»^۱. کسانی که در راه من قصد تلاش دارند و می‌کنند، بدانند آنها را در مسیر اصلی قرار داده و هدایت خواهم نمود. مهمترین ابزار ما در این جهاد، وجود عشق و حرکت بر مدار آن است. بی‌عشق می‌توان همه چیز بود و شد اما پای رنگ و معنای آن لنگ خواهد ماند.

هر که در او نیست از این عشق رنگ نزد خدا نیست به جز چوب و سنگ

(مولوی)

عاشق نگشته‌ایم اگر هنوز چشمانمان، داشته مادی دیگر را می‌بیند و در مقام مقایسه با خود و قضاوت می‌نشیند.

عاشق نگشته‌ایم اگر هنوز گوشمان بر روی طعنه‌ها و فحشهای دیگرانی دور افتاده. آنان که خدا در قلبشان غایب و پشت ابر مانده است، کر نشده باشد.

عاشق نگشته‌ایم اگر هنوز روزنه‌ای از ترس و غم در قلبمان راه دارد که: «أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ»^۲ که از نشانه‌های اصلین این است که، غم و ترس بر آنها راه ندارد. که این با ایمان جمع نمی‌شود.

و آن امانت که زمین و آسمان، توان بر دوش کشیدنش نبود، عشق است. که بر زمین مانده است و مجال اندک و فرصت کوتاه.

که زیبایی دریافت از تلاش ما، در هستی‌مان ظهور خواهد کرد و جلوه‌گر خواهد شد.

که آرامش در قلب‌هایمان، همان پاسخ جهد و آسیب ناپذیری‌مان در این مسیر است.

با عشق، انتظار و صبر بر آن، آگاهانه‌تر، زیباتر و قابل تحلیل‌تر خواهد بود.

هر که عاشق نگشت، مرد نشد نقره فائق نگشت، تا نگداخت

(سعدی)

و خدا کند و خدا کند که برق عشق خدا و ولیّ خدا، چشمان مادی بینمان را کور کند.

۱. عنکبوت: ۶۹.

۲. یونس: ۶۲.

ما معتقدیم که مشاهد مبارک [حرم‌های اهل‌بیت] و مساجدی مانند مسجد جمکران بی‌نیاز از معرفی‌اند.

عده‌ای از پاکان و نیکان با حضرت صاحب‌الزهرا علیها السلام سؤال و جواب می‌کنند و حاجت می‌طلبند و جواب می‌گیرند، در مسجد جمکران صدای آن حضرت را می‌شنوند!

آقایی را که در بیداری دیده بودم، در خواب به من فرمود: چرا به مسجد جمکران نمی‌آیی؟!

ولی افسوس که همه برای برآوردن حاجت شخصی خود به مسجد جمکران می‌روند و نمی‌دانند که آن حضرت چه التماس‌دعایی از آن‌ها دارد که برای تعجیل فرج او دعا کنند! چنان که به آن آقا فرموده بود: این‌ها که به اینجا آمده‌اند، دوستان خوب ما هستند، و هر کدام حاجتی دارند؛ خانه، زن، فرزند، مال، ادای دین، ولی هیچکس در فکر من نیست!

آری! او هزار سال است که زندانی [غیبت و غربت] است، لذا هر کسی که برای حاجتی به مکان مقدسی مانند جمکران می‌رود، باید که اعظم حاجت نزد او، واسطه فیض باشد، یعنی فرج خود آن حضرت را از خدا بخواهد.^۱

از مهمترین دعاها دعای فرج امام زمان علیه السلام است. همه مشکلات مردم و حکومت‌ها از غیبت آن حضرت است. برای رفع مشکلات اجتماعی و حوائج مردم باید همانطوری دعا کرد که انسان برای رفع مشکل خودش دعا می‌کند. دعا اگر دعا باشد تأثیر خواهد کرد.^۲

دعای تعجیل فرج، دوی دردهای ماست.

در روایت است که در آخرالزمان همه هلاک می‌شوند مگر کسانی که برای فرج دعا کنند: «الْأَمَنُ دَعَا بِالْفَرَجِ»^۳

ائمه ما با این بیان، خیلی به اهل ایمان و شیعیان عنایت کرده‌اند تا خود را بشناسند [یعنی راهی برای شناخت ایمان آنان در عصر غیبت قرار داده‌اند]. علامت‌گذاری برای آن‌هاست، یعنی اگر برای فرج دعا می‌کنید، علامت آن است که هنوز ایمانتان پابرجاست....

همچنین فرموده‌اند که در آخرالزمان، این دعای فرج را که دعای تثبیت در دین است، بخوانیم: «يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ يَا مُقَلِّبَ الْقُلُوبِ ثَبِّتْ قَلْبِي عَلَيَّ دِينِكَ»^۴



۱. ورق‌های آسمانی، ص ۲۶..

۲. روزه‌هایی از عالم غیب، ص ۳۶۳.

۳. بحارالانوار، ج ۵۲، ص ۱۳۳.

۴. امام زمان علیه السلام در کلام آیت... بهجت، ص ۴۸.





پرسش



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
رَبِّ الْعَالَمِينَ

♦ **سؤال.** برخی افراد، بحث مهدویت را خیلی سطحی کرده‌اند. آنان، بایی را به نام ملاقات‌گرایی باز کرده، می‌گویند «باید به دنبال ملاقات با آقا بود ملاقات با آقا، راحت است» و این فکر را در قالب کتاب‌ها و سخنرانی‌ها و برخی مجلات به شدت ترویج می‌کنند. می‌خواستیم نظر شما را در این باره جویا شویم.

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: متأسفانه، همین طور که بیان کردید، یک عده سوء استفاده‌گر درباره این مسأله پیدا شده‌اند. همیشه، مهم‌ترین مسائل سازنده، از سوی بعضی بدترین سوء استفاده‌ها شده است. مسأله مهدویت هم همین طور است. افراد نادرست گناهکار آلوده تحت عنوان مسائل مربوط به مهدویت، گاهی افراد را اغفال می‌کنند و سوء استفاده می‌کنند. در مجالس می‌آیند می‌گویند «چشم‌هایتان را ببندید که حضرت مهدی علیه السلام آمد و بوی حضرت مهدی علیه السلام را می‌شنویم و دیشب حضرت مهدی علیه السلام را دیدم و!...»

این گونه برخوردها، یا ناشی از فکر کوتاه است و یا توطئه‌ای در کار است که می‌خواهند ابهت مسأله را بشکنند و خراب کنند! ما باید به هوش باشیم و جلوی این سوء استفاده‌ها را بگیریم! لباس روحانیت بسیار مقدس است، ولی از همین لباس بسیار مقدس، یک کسی ممکن است سوء استفاده بکند! ما باید مراقب باشیم! آنانی که ناآگاهند، باید بیدارشان کنیم و کسانی که آگاهانه دست به این کارها می‌زنند، باید با آنها مبارزه کرد. کسانی که می‌آیند و خبر از نزدیک شدن ظهور می‌دهند، کارشان برای متزلزل کردن دل‌ها است! من فراموش نمی‌کنم که قبل از سال ۱۴۱۴ هجری قمری، یک شایعه مفصلی پخش کردند که در سال ۱۴۱۴ حضرت می‌آید!

هر کس وقت ظهور را تعیین کند، به ما دستور داده شده که تکذیبش کنیم و او را آدم کذاب و دروغ‌گو بدانیم! هر کسی ادعای رویت کند، وظیفه‌مان این است که تکذیبش کنیم. مسائل مهدویت را نباید به سطح پایین، نازل دهیم. امام زمان به این کار راضی نیست! همیشه، ما، گرفتار دوستان نادان بودیم و دشمنان دانا! الان هم گرفتاریم. شما می‌بینید در مسائل عزاداری امام حسین علیه السلام هم گرفتار دشمنان دانا هستیم! و هم دوستان نادان! گاهی مسائل کفرزا را در مجالس عزاداری حسینی می‌گویند. بنابراین، در هر دو جبهه، باید کوشید. منتهی در این دو جبهه، دوستان نادان را بیش‌تر باید ارشاد کرد. حالا اگر یک جریان‌هایی باشد و یک حساب و کتابی، با آنان باید مبارزه کرد! در همه این مراحل، باید با منطق برخورد کرد. منطق ما، الحمد لله، در مسأله ظهور حضرت مهدی علیه السلام، خیلی قوی است. در این باره، هم منطق عقل و هم آیه و هم روایت و هم اجماع داریم.

♦ **سؤال.** آیا ما، مأمور به درخواست و طلب دیدار حضرت هستیم؟ به عبارت دیگر آیا از جمله تکالیف شیعه در عصر غیبت، درخواست و تقاضای دیدار با امام است؟ یا چنین تکلیفی نیست؟

آیت الله العظمی مکارم شیرازی: نه؛ ما، مأمور نیستیم....

♦ **سؤال.** آیا به صورت مستحب هم، جز تکالیف نیست؟

آیت الله العظمی مکارم: نه؛ ما مأمور نیستیم که اصرار به دیدن حضرت داشته باشیم. کسی ممکن است خدمت حضرت مشرف بشود، اما آنانی که مشرف شدند، خبری نمی‌دهند. آنان، تظاهر به این مسائل نمی‌کنند. بر اساس رواج همین تفکر غلط، خیلی‌ها می‌آیند پیش ما و می‌گویند: «آقا! دعا کنید تا حضرت مهدی علیه السلام را ببینیم!» نباید یک چنین امیدی را و یا یک چنین فکری را در جامعه ایجاد کنیم

در دیدار با دانش‌پژوهان مرکز تخصصی مهدویت

ظفر راهی (اصفهان)، زهرا مهرجوی (قم)، اعظم ثناجو (تبریز)، کریم جهانگیری (قم)، نسرين باقری (اصفهان)، فاطمه هداوند ثانی (قم)، طیبیه پاکیزه (تهران)، اکبر علی‌نژاد آذر (تبریز)، زینب کهنساری (قم)، زهرا علی‌اکبری (قم)، زینب فلاحتی (یزد)، فاطمه‌سادات روحانی (قم)، معصومه نظری (کنگاور)، ثنا منصوروی (قم)، اعظم باقری (اصفهان)، سمیه ولیدآبادی (قم)، زینب حبیب‌زاده (تهران)، اکرم ملائی (قم)، زینب ناظم‌نژاد (سمنان)، مرتضی صیدی (قم)، وحیده دانایی نیکو (قم)، زینب سیدی (قم)، معصومه هراسانی (سمنان)، عارفه جعفری (قم)، سارا پناهی فر (رودسر—گیلان)، مهربی زمانی قلعه شاهی (اصفهان)، لیلا بارانی (اصفهان)، نعمت‌ا... مشایخی (تهران)، نرجس کشاورز (قم)، مرضیه السادات طباطبائی (کاشان)، محمدرضا عبداللهی (قم)، اعظم السادات حسینی حسین آباد (قم)، الهام علی‌نژاد (تبریز)، اکرم علی‌نژاد (تبریز)، رسول گرجستانی (کرمان)، محمد علی مؤمن‌پور (قم)، آمنه خاکسار (بلداجی)، ندا امینی (بروجن)، نرجس رمضانخانی (قزوین)، حمیده محدث کامران‌شاهی (تبریز)، سکینه طهماسبی (بلداجی)، زینب پورشادلو (تبریز)، مریم کریمی (زرین شهر)، مهدی فراهانی عالی (تهران)، بتول یوسفی (تهران).

✓ **سرکار خانم‌ها:** بریهه احمدی (قم)، زینت‌السادات ضیایی (قم)، لیلا بابایی (کرج) و جناب آقای محمدعلی مؤمنی‌پور (قم):

از بذل توجه شما ممنونیم ان شاء الله به تدریج تحقق پیشنهادات کاربردی خود را در مجله شاهد خواهید بود.

✓ **سرکار خانم‌ها:** ماریه احمدی (قزوین)، زینب کهنساری (قم)، و جناب آقایان: مهدی فرامرزی (همدان)، سیدحسن میرزیدی (قم) و بسیاری از همراهان، از اینکه طراحی صفحات مجله نیز بر چشمان زیباییین شما ستودنی آمده است، خوشحالیم.

✓ **سرکار خانم اله ناصری از مشهد:**

با شما هم عقیده‌ایم که اگر مُدگرایی یک‌کشی فرهنگ استعماری و افتادن در ابتدال باشد، ما را از فرهنگ مهدوی دور می‌کند.

✓ **جناب آقای سعید دالوند از خرم‌آباد:**

ما نیز با شما هم‌آواییم.

✓ **جناب آقای محسن عبدی از تهران:**

از اینکه وجود مهدوی شده تو هر بار با خواندن مجله به مهدی علیه السلام نزدیک می‌شود خدا را شاکریم.

✓ **جناب آقای امید نصرآزادانی از اصفهان:**

از شما یک انتقاد داشتم که چرا فقط یک نفر را برنده مسابقهٔ جدول می‌کنید؟ فکر نمی‌کنم برای نشریه‌ای که این همه طرفدار و خواننده دارد فقط یک نفر برنده کافی باشد.

جواب: حق با شما است امیدواریم به زودی امکان افزایش تعداد برندگان برایمان ایجاد شود (اما آقا امید گرامی!، نه به تعداد همهٔ شرکت‌کنندگان هوشمند امان!).

✓ جناب آقای احمد باغچی از قم:

خواستم که مطلبی برایتان بفرستم ولی خود را کوچکتر از آن دیدم و ان شاء الله که خداوند امانی به ما بدهد تا شماره بعدی امان را هم ببینیم.

جواب: ما مدعیان عشق به آقایی هستیم که حتی گام‌های کوچک را هم منتظر است پس یاری همه همراهان در ارائه مطالب و تجارب مهدوی یک قدم به جلو است. منتظریم.

✓ جناب آقای سید جعفر حسینی از اصفهان:

با تشکر از نشریه بسیار خوبتان، من ۷۴ سال سن دارم نوه من نشریه را برای اعضای خانواده می‌خواند و ما همه استفاده می‌بریم. جواب: خداوند ان شاء الله عمر با برکت به شما بدهد و همیشه جزء خوانندگان نشریه امان باشید.

✓ جناب آقای داود ملکیان از گلستان، روستای کوه‌میان:

برای اولین بار با ویژه‌نامه حضرت ولی عصر علیه السلام مواجه شدم بسیار خرسند شدم و خدا را بسیار سپاس گفتم که در کنار این روستای ۱۰۰ خانواری جایی که بین دو کوه واقع شد اکنون با ارسال ویژه‌نامه شما جان تازه‌ای به من بخشید.

جواب: از اینکه با دیدن نشریه، خرسندی شما حاصل شده است، ما نیز خرسندیم.

✓ جناب آقای نعمت... مشایخی از تهران:

جواب: ما نیز با شما هم عقیده‌ایم که امام مهربان را برخی دشمنان و دوستان ناآگاه، ناجوانمردانه بد معرفی نموده‌اند ...

برگزیده‌ای از متن‌های ادبی شما:

✓ خانم معصومه گودرزوند چگینی از گرگان:

از خود در حیرتم و در بیابان دل خویش سرگردانم؛ نمی‌دانم چه بگویم می‌ترسم صدایت کنم و بگویم آقا بیا؛ خودت که بهتر از حال زارم خبر داری؛ می‌ترسم بیایی و باز اینجا کوفه گردد و تو

✓ خانم راضیه تیموری از قم:

مهدی جان بیا که ما اینجا تاوان ایمان پس می‌دهیم اینجا احساس می‌کنیم هر روز شعله‌های هوس نزدیک‌تر می‌شوند و دود آن چشمانمان را بر روی حقیقت می‌بندد.

از نظرات، پیشنهادات و انتقادات شما خوانندگان خوب و صمیمی، استقبال می‌کنیم. پاسخ به نامه‌های دیگر را به شماره بعد وا می‌گذاریم. در پناه خدا باشید.

• آیت‌الله العظمی صافی گلپایگانی: همه باید برای سربلندی اسلام تلاش کنیم و در مسیر عزت اسلام و مخصوصاً در مقابل کفار همدل و همگام باشیم.
شعار ولایت اهل بیت(ع) و عزاداری سید الشهداء(ع) و شهادت و رشادت امام حسین علیه السلام در مقابل کفار، سبب مباحثات همه مسلمانان اعم از شیعه و سنی است و به خود می‌بالیم که پسر پیامبر(ص) چنین شخصیت ظلم ستیزی بوده است.



• آیت‌الله العظمی نوری همدانی: با وحدت و انسجام می‌توانیم قتل رفیع علم و دانش را فتح و پایه‌های تمدن بزرگ و با عظمت اسلامی را مستحکم نماییم.



• اولین نشست از سلسله نشست‌های مهدویت به همت بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام (تهران) و دانشگاه امام صادق علیه السلام در آن دانشگاه با موضوع مهدویت در اندیشه امام خمینی (ره) با سخنرانی رحیم‌پور ازغدی، دکتر همایون و دکتر عباس شیبانی در تاریخ ۸۶/۳/۶ برگزار گردید.
رحیم پور ازغدی در این همایش گفت: امام (ره) حضرت مهدی علیه السلام را دست خدا برای هدایت تکوینی و تشریحی بشر و امامت و به طور خاص مهدویت را جزیی از خاتمیت می‌دانست.

• مسعود ده نمکی کارگردان فیلم اخراجی‌ها گفت: مطالب پیرامون مهدویت باید از حوزه خبرسازی به حوزه فرهنگ عمومی منتقل شود؛ یعنی پل ارتباطی باشد که افکار عمومی بتواند در خصوص مهدویت و انتظار به نوعی فرهنگ سازی و عینی سازی برسد و از زبانها و عقاید و مفاهیم دست نیافتنی پرهیز شود.



• جری فالول پس از سالها تلاش! از دنیا رفت.
گفتنی است جری فالول Jerry Falwell مؤسس جنبش سیاسی مذهبی «احیا آمریکا برای خداوند» بود.



شایان ذکر است عقیده این نظریه‌پرداز آخرالزمانی غربی، در مورد جنگ عراق این بود که ما باید به جنگ عراق برویم تا حوادث مصیبت باری را به راه اندازیم که موجب فراهم شدن دومین ظهور حضرت مسیح شود و جنگ با عراق به پایان روزگار منجر خواهد شد. او تمام کوشش خود را برای

هماهنگی مسیحیان و مسلمانان به کار برد و سالها عهده‌دار ترغیب و تشویق یهودیان و مسیحیان برای جنگ با مسلمانان به عنوان تروریسم بود. جری فالول نظریه پرداز سیاسی مذهبی کاخ سفید بود و با تلاش و تبلیغات و... وی، جورج بوش دوم روی کار آمد.

● فرد دعانویسی که با فریب مردم اموال آنان را به سرقت می‌برد، با تلاش مأموران پلیس دستگیر شد. در پی اعلام سرقت‌های مکرر طلاجات از افراد مسن، توسط مردی با شال سبز که با استفاده از مواد بیهوش کننده آنها را بی‌هوش و در خیابان‌های اطراف شهر رها می‌نمود، عوامل پلیس بلافاصله وارد عمل شده و با به کارگیری یک سری شگردهای پلیسی موفق به شناسائی متهم شدند و پی بردند که فرد مذکور یک دعا نویس می‌باشد.

پس از بازرسی از منزل وی مقداری مواد مخدر، از نوع حشیش، یکدستگاه ترازوی دیجیتال، چند بطری، آب، احتمالاً جهت سوء استفاده به عنوان تبرک، یک بطری حاوی آبمیوه مسموم، یک چاقو، حشیش خرد شده، دو عدد شال سبز رنگ و یک دستگاه پژو کشف و ضبط کردند.

● داستان مصطفی برزنجی، (مدعی دروغین مهدویت که به اعتقاد ساده لوحان معتقد به او، اکنون بعد از کشته شدن در غیبت کبری به سر می‌برد)، هنوز ادامه دارد:

او در سال ۱۹۵۵ میلادی در روستای کومه له از توابع شهرستان سنگسر - واقع در شمال استان سلیمانیه عراق- متولد شد و در سال ۱۹۸۸ ادعای مهدویت کرد و مردم را به خود فرا خواند.

این شخص در سفری به ایران سعی در جلب نظر علما شیعه کرد که با مخالفت شدید علما روبرو شده و دوباره به عراق پناه برد و سعی کرد با تحریک احساسات قومی کردهای عراق جایگاه خود را بین آن‌ها مستحکم نماید. ادعای مهدویت او دیری نگذشت که با مرگش پایان گرفت گرچه جسد وی در سال ۱۹۹۲ پیدا شد. اما هنوز هم کسانی برای پیشبرد اهداف خود از حرف‌های او و نوشته هایش با عنوان "کلمات الله" استفاده می‌کنند و این افکار انحرافی را به شکل های مختلف در اینترنت و در کردستان عراق تبلیغ می‌نمایند. به ادعای برزنجی کلمات الله از سوی فرشته ای به او الهام شده است و این نوشته ها از سوی خداوند برای او فرستاده شده است.

● همایش موضوع شناسی زن و مهدویت با هدف بررسی تخصصی عرصه های طی نشده مباحث مهدوی در حوزه زنان به «همت مؤسسه پژوهشی انتظار نور» نوزدهم خرداد در قم برگزار شد.

● پنجمین جلد دایرة المعارف موعود آخرالزمان با تلاش مؤسسه فرهنگی موعود در قطع رحلی و در ۵۵۶ صفحه و دوهزار جلد منتشر شد.

● مؤسسه تحقیقاتی حضرت ولی عصر علیه السلام نرم افزار شمیم گل نرگس را شامل دو هزار پرسش و پاسخ و ۴۰۰ جلد کتاب ارائه کرده است.

ل

و

د

ج

محمدجواد کمار

افقی

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱
		۱۳	۶										
								۱۴					۱۸
	۱۷												۳
	۲۳				۱۰								۴
			۱۲						۱۱			۲۶	۵
									۲۸				۶
		۷						۲۲					۷
۴													۲۰
			۱۹		۲۵								۹
									۱				۱۰
							۸						۱۱
		۵				۱۶							۱۲
									۹				۱۳
	۲	۲۱				۲۷							۱۴

- سوم جمادی الثانی سالروز این اتفاق جانسوز است.
- سوره‌ای که قلب قرآن است - طعم و مزه - از طوایف ایران - خوب نیست.
- دهان به عربی - از فروع دین است.
- از القاب مهم امام زمان علیه السلام
- برکت سفره است - سختی - از ضمایر غایب.
- تکیه کردن - ضمیر ندا - نزدیک شدن.
- علامتی که برای تأیید در پایین نامه می‌گذارند - هموم جمع آن است.
- خدایی که با دست می‌سازند - واگذاشتن کار به کسی - شهری مذهبی
- اولین سفیر امام زمان علیه السلام
- ضمیر جمع - تیره - کوچکترین عدد سه رقمی.
- اسوه - سرد نیست - پیروزی.
- شهری در استان تهران - تیره و تار - مخفف کاه.
- تام و تمام - آموختن.
- مکان مقدسی که در شبهای چهارشنبه مملو از خیل عاشقان بقیه...الاعظم می‌شود.

عمودی

- دشمن قسم خورده انسان - مایه حیات - حیوان خزننده.
- ضمیر جمع در فارسی - کارش وزیدن است - علو داشتن و ازصفات خداوند.
- فضای بالای سر را گویند - راست نیست.
- از ماههای زمستان - مقامی الهی برای پیشوایان دین - ضد جذر است.
- بدن آدمی - ضعیف شمردن - جایزه مسابقات ورزشی است.
- دارای اجزاء است - کتان در هم ریخته - لقب دم بریده.
- پدر در عربی - نام غاری در مکه - میمون و پابرکت.
- باد بسیار شدید را گویند - روح و روان -
- کسی که درس می‌دهد.
- پناهگاه - عضوی دوتایی در بدن.
- دانه ای خوشبو - دریا به عربی - ضد خاص - مادر عرب
- طلا و زیور آلات - از ضمایر عربی - ضد زود - یاری خواستن.
- از القاب حضرت زهرا علیها السلام - وقت آمدن حضرت مهدی علیه السلام را گویند.
- منسوب به ربا - توان - ردیف - زال دم بریده
- اولین پیامبر الهی - پروردگار - جمع آن مصادر است - سنگریزه.

با کنار هم قرار دادن حروف خانه هایی که شماره دارند، رمز جدول را بسایید. و تا تاریخ ۸۶/۵/۱۰ به آدرس نشریه ارسال کنید تا به قید قرعه جایزه بگردید.

رمز جدول شماره ۴:

سلام بر بهار مردمان و سرسبزی دوران

برندگان مسابقه قبل:

۱- منا منصوری

۲- زینب کهنساری

۳- فاطمه سادات روحانی

فرم اشتراک مجله امان (ویژه امام زمان علیه السلام)

نام خانوادگی: نام اشتراک:
 میزان تحصیلات: نشانی دقیق:
 نام:
 شغل:
 کد پستی: تلفن:
 تعداد درخواستی: شروع اشتراک از شماره:
 مبلغ پرداختی: تک شماره‌های:
 شماره حواله: کد اشتراک:
 نوع درخواست:

پست عادی پست سفارشی

محل امضاء

هزینه اشتراک

نوع درخواست	با پست عادی	با پست سفارشی
تک شماره	۴۰۰۰ + ۵۰۰ ریال	۴۰۰۰ + ۲۱۰۰ ریال
۵ شماره	۲۰۰۰۰ + ۲۵۰۰ ریال	۲۰۰۰۰ + ۱۰۵۰۰ ریال
۱۰ شماره	۴۰۰۰۰ + ۵۰۰۰ ریال	۴۰۰۰۰ + ۲۱۰۰۰ ریال

وجه اشتراک را به حساب سبیا (۰۱۱۷۸۴۷۶۵۰۰۳) بانک ملی شعبه حجیه قم کد ۲۷۱۱ به نام بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود (عج) واریز نموده و اصل فیش بانکی را همراه با این فرم به وسیله پست جواب قبول ما یا به نشانی - قم، خیابان شهداء (صفاییه) کوچه شماره ۲۲ (آمار)، بن بست شهید علیان - مرکز تخصصی مهدویت صندوق پستی ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵ جهت نشریه امان ارسال یا فکس کنید.

یادآوری:

- از ارسال وجه نقد به نشانی مرکز خودداری فرمایید.
- در صورت تغییر نشانی خود، مراتب را به این مرکز اطلاع دهید.
- تعداد و نوع سفارش خود را دقیقاً مشخص کنید.

تلفنکس: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰

پست جواب قبول

هزینه پستی بر اساس قرارداد پستی شماره ۹۲-۳۷۱۸۴ پرداخت شده است و نیاز به الصاق تمپر نمی باشد.

نشریه امان (ویژه امام زمان)

قم / صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵

